

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

بروز خسارت و نحوه جبران

آن در حقوق اسلام

چکیده:

مسأله بروز خسارات و نحوه جبران آن از دیرباز بشریت را به فکر این انداخت تا نسبت به ایجاد منبع تامین کننده خسارات به خصوص در مواردیکه با تنگدستی و ناتوانی یا مجهول بودن و عدم دسترسی به عامل ورود زیان اقدام نمایند و از طریق گسترش فکر تعاون و همیاری بین مردم و دخالت دولت ها در پرداخت و جبران ضرر و زیان از طریق تاسیس نهاد بیمه و گسترش صندوق های تعاون اجتماعی و با توسعه مسئولیت های جمعی به جای مسئولیت فردی کوشید تا حتی الامکان خسارات ناشی از مسئولیت مدنی اشخاص در مواردیکه خطا و تقصیر عامل ورود زیان چه به عنوان یک فرد و شخص حقیقی اجتماع و چه از طریق یک شخص حقیقی یا حقوقی زیر مجموعه حاکمیت دولت ها را بلا جبران نگذارد اهمیت این موضوع به خصوص در حقوق اسلام از طریق ایجاد قواعد فقهی و مبانی جدید جبران خسارات منجر به ایجاد نهادهای جایگزین جهت پرداخت ضرر و زیان اشخاص گردید.

مقدمه:

گسترش صنعت و تجارت در قرن بیستم و به دنبال آن بروز حوادث و رویدادهای مختلف در زمینه صنعت. حمل و نقل مسافروکالاهو بروز اختلافات کارگر و کار فرما ناشی از روابط کارگری در کشورهای مختلف و پیدایش نظرات گوناگون و دکتیرین حقوقی در زمینه چگونه جبران خسارت وارد به شخص زیان دیده و دخالت دولتها از طریق ایجاد صنعت بیمه چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین المللی دولت را در صدد حمایت از شخص زیان دیده برآورد.

لذا قانونگذاران با ایجاد قواعد و مقررات مدون در زمینه بیمه علاوه بر ترغیب و تشویق اشخاص حقیقی یا حقوقی که به هردلیل مسبب ورود خسارت و ضرر بدنی و مالی به سایر اشخاص بودند دربرخی موارد اشخاص را مجبور به انعقاد قرارداد بیمه با شرکتهای بیمه گر می نمود و جهت جلوگیری از بروز مشکلات متعدد جهت چگونگی ونحوه جبران خسارت به خصوص جایی که میزان آن هنگفت بود ضمانت اجرای حقوقی و کیفری تعیین نمود در حقوق ایران نیز به دلیل اینکه بسیاری از قواعد حقوقی از فقه شیعه تبعیت می کند لذا جبران خسارت طبق قاعده «لاضرر ولاضرار فی الاسلام» چه از طریق شخص واردکننده زیان یا سایر اشخاص چه حقیقی یا حقوقی توجیه می کند.

بیمه از جمله موضوعات نسبتاً نوینی است که به لحاظ موضوع و اقسام، دارای طیف

وسیع و پوشش گسترده ای است. بیمه در جهان امروز، یک ضرورت جدی در زندگی انسان ها شمرده می شود که اهمیت آن پس از پیشرفت علمی و فکری و صنعتی و تجاری، خصوصاً بعد از گسترش قلمرو تجارت جهانی، پیش تر شناخته شده است. پیدایش بیمه بدان دلیل بود که انسان بتواند راهی عملی برای حمایت از خویشتن در برابر از خطرها، حادثه ها و مصیبت ها بیابد. حوادثی که ممکن است از نظر علمی یا روحی، نظام مالی و اقتصادی و معیشت خانوادگی او را در هم فرو ریزد. بیمه در زمینه های اقتصادی و مالی، دگرگونی بزرگی ایجاد کرده است. بیمه امروز یک امر ارزشمند و عقلانی شناخته می شود و اهمیت آن، هنگامی آشکار می شود که تحولات جهانی امروز، با جهانی مقایسه شود که در آن بیمه نباشد بیمه در مسائل اقتصادی و اجتماعی و خانوادگی، در برابر خطرات، احساس امنیت و اطمینان ایجاد کرده است. بیمه در امور بازرگانی، تولیدی و صادراتی، نقش مهمی ایفا می کند. تولید کنندگان با اعتباراتی که از نظام بیمه ای کسب می کنند، کالای تولیدی خود را آماده صادرات می سازند. اگر بیمه نبوده تولید کننده هم در مراحل تولید و هم در جریان صادرات باید همه خطرها را در جریان تولید، حمل و نقل، صادرات و احتمال ورشکستگی خریدار خود متحمل شود. اگر بیمه نبود برای کارهای بزرگ اقتصادی که سرمایه بسیاری را می طلبد، اقدام نمی شد. چون تأسیسات بزرگ اقتصادی به میزان گسترش آنها، با خطرات بزرگ و خسارت زا، مواجه است و تلاش و توان فرد یا افراد معدود، کمتر از

آن است که خود بتوانند خسارتهای بزرگ را تحمل کنند. با توجه به واقعیت های امر بیمه و نقش آن در زندگی انسان، معامله بیمه، بعنوان یک موضوع مستحدث، مورد بررسی فقهی قرار گرفته است.

موضوع بیمه مسئولیت مدنی تامین و جبران خسارتهایی است که بر اثر تقصیر و خطا و یا فعالیت مخاطره آمیز شخص متوجه دیگران می شود و مقصر حادثه به موجب قانون، نظم عمومی و مسئولیت مدنی تامین لازم را در اختیار کسانی قرار میدهد که ضمن کار و فعالیت و زندگی روزمره ممکن است وارده آمدن خسارت به دیگران شده و در معرض ادعای خسارت از طرف اشخاص زیان دیده واقع شوند. در بیمه های مسئولیت مدنی خسارات بدنی تامین و جبران هزینه معالجه صدمات بدنی و یا جرح حاصل از حوادث مشمول بیمه برای اشخاص ثالث موضوع قرارداد است .

خسارات مالی منظور از خسارات مالی تامین و جبران زیانهای مستقیمی است که در اثر حوادث مشمول قرارداد به اموال و اشیاء تحت تصرف قانونی اشخاص ثالث موضوع قرارداد وارد می شود. در این حالات تعهد بیمه گر عبارتست از پرداخت خسارات وارد به شخص ثالث و در صورت رجوع به مراجع قضائی بر اساس آراء صادره از محاکم حقوقی و هزینه دادرسی و هزینه حق الوکاله و حق الزحمه کارشناس . خسارات با اطلاع بیمه گزار مستقیماً از طرف بیمه گر به شخص ثالث زیان دیده پرداخت خواهد شد. بیمه های مسئولیت بسیار متنوع بوده و برای هر یک از فعالیتها و

خطرهای حرفه‌ای و شغلی تامین مناسب وجود دارد. بعضی از انواع بیمه‌های مسئولیت مدنی به علت ضرورت اجتماعی و اقتصادی جنبه الزامی و همگانی به خود گرفته (مانند بیمه مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل اشخاص ثالث) و برخی از انواع آن حالت اختیاری دارد. پاره‌ای از انواع بیمه‌های مسئولیت عبارتند از: بیمه مسئولیت حرفه‌ای:

- از قبیل مسئولیت پزشکان، مهندسان، معماران و ...

- بیمه مسئولیت صاحبان حیوانات و دامداران و ...

- بیمه مسئولیت قراردادی: مانند مسئولیت متصدیان حمل و نقل و ...

- بیمه مسئولیت اجباری: مانند مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل اشخاص ثالث.^۱

بیمه مسئولیت یک تاسیس بسیار مفید است و بویژه در احقاق حقوق اشخاص ثالث زیان دیده خیلی مؤثر واقع می‌شود چرا که از سرگردانی آنان در محاکم قضایی و گرفتار شدن در برابر تشریفات پیچیده دادرسی و صرف وقت و هزینه و همین‌طور مواجه شدن آنان با عدم استطاعت مالی عامل زیان، بیمه‌گر خسارت وارده به زیان دیده را مطابق شرایط بیمه‌نامه پرداخت می‌نماید اما علیرغم همه این مزایا بیمه مسئولیت مدنی تا کنون جایگاه اصلی خود را در صنعت بیمه کشور پیدا کرده است و در میان

۱- زندی فر، سیما، بیمه مسئولیت مدنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز ۱۳۷۸، ص ۱۲.

اهل فن کمتر به این رشته از بیمه توجه شده است.

بیمه مسئولیت مدنی در دو قرن اخیر بصورت چشمگیری در تحول قواعد مسئولیت مدنی دخالت و اثر داشته و اجرای عدالت اجتماعی را که هدف این حقوق است به بهترین شیوه عملی نموده است. ارکان مسئولیت مدنی (فعل زیانبار، ضرر و رابطه سببیت) دچار تغییرات ماهوی شده و اثبات آن از سوی زیان دیده، بسا آسان گردیده است، این امر سبب کمک بیشتر به این شخص می شود زیرا حقوق خود را در لابه لای روابط پیچیده اجتماعی و اقتصادی قرون حاضر به خوبی بدست می آورد نه تنها در مرحله اعمال قواعد اصول حقوق مسئولیت مدنی، بیمه به خوبی اثر دارد و مثلاً احکام دادگاه ها از حیث مبلغ زیان، رابطه سببیت و ... به طرف حمایت از زیان دیده است. بلکه تغییرات جوهری در خود قواعد و اصول مذکور نیز به عمل آمده است، نظریه تقصیر که روزگاری در اوج شهرت به سر می برد، خوار و ذلیل گشته و نظریه خطر و مسئولیت مطلق فزونی یافته است اینک بیمه مسئولیت مدنی به همراه طرح های تکمیلی خود و تامین اجتماعی، مدعی جایگزینی مطلق حقوقی مسئولیت مدنی می باشد سیستم های غیر تقصیر *Fault - NO* نیز بسیاری نظام های حقوقی را متوجه خود نموده اند، چهره دعاوی مسئولیت مدنی نیز با ظهور بیمه دچار تغییرات فاحش گردیده و قواعد سابق نسبت به دعاوی اخیر اعمال نمی شوند. دعوی مستقیم زیان

دیده علیه بیمه گر، از دعاوی بسیار مهم در این زمینه است که در حقوق بسیاری کشورها به رسمیت شناخته شده و در حقوق ایران نیز دارای و جاهت قانونی است رویه قضایی دکترین حقوقی با این دعوا و آثار آن بیگانه است. حقوق مسئولیت مدنی بدون وجود بیمه امکان حیات حقوقی به صورتی که عدالت اجتماعی را بهترین شیوه اعمال کند، نخواهد داشت. و ضرورت آن، امری است که مورد تردید هیچ نظام حقوقی نیست. هر چند وجود بیمه مسئولیت امری ضروری و لازم است اما شیوع آن. آثار نا مطلوبی را نیز به دنبال داشته است و افزایش بی احتیاطی و نتیجتاً دعاوی مسئولیت مدنی، از این قبیل موارد محسوب می گردد و قانونگذار عامل باید در کنار توسعه بیمه مسئولیت مدنی، با این آثار نیز مبارزه نماید.

بررسی های تاریخی در حقوق اسلام نشان می دهد که سابقه پیمانها و قراردادهایی که شباهتی به بیمه امروزی داشته اند به سالهای قبل از بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بر می گردد. در دوران مذکور پیمانی به نام «حلف الفضول» در میان جوانان و جوانمردان قریش در شهر مکه بسته شد که پیمانی اخلاقی بوده و به بیمه های اجتماعی و تعاونی شباهت دارد و در آن تعهد شده بود که اگر حقوق افراد فقیر مکه تضییع شود، آن را از زائد اموال اغنیا بستانند و آنها را در حمایت اقتصادی و نظامی خود قرار دهند و پیامبر اسلام نیز که در این پیمان حضور داشت بعد ها از آن به عنوان

سند افتخار نام بردند و فرمودند^۱:

«لقد شهدت فی دار عبدالله بن جدعان حلفا ما احب ان لی حمر النعم و لو دعی به فی

الاسلام لا حبیت» در سرای عبدالله فرزند جدعان شاهد پیمانی بودم که از گرانبهاترین

اموال و شتر سرخ مو برای من محبوب تر بود و دوست دارم که در اسلام نیز به چنان

پیمانی دعوت شوم.

اخبار و احادیثی که از دوره خلفای راشدین بدست آمده است، حکایت از وظیفه

دولت در تامین بیمه اجتماعی مسلمانان و حتی در مورد افراد «ذمی» دارد که در قلمرو

حکومت اسلامی زندگی می کردند بطوری که اگر شخصی به علت پیری قادر به کار

کردن نبود هزینه زندگی وی از بیت المال پرداخت گردد و این نوعی بیمه بازنشستگی

یا از کار افتادگی بود.

رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) در اولین سال هجری به منظور تشکیل و تامین یک

واحد سیاسی مسلمان و مرکب از مهاجرین و انصار، با قبایل مدینه قراردادی منعقد

کرد. این قرارداد که اولین قانون اساسی مکتوب تاریخ بشریت است شامل ۴۷ بند بود

و در قرارداد مذکور آمده است که مهاجرین و انصار و سایر قبایل طرف قرارداد و

ساکن مدینه باید بر مبنای گروهی و طایفه ای در پرداخت خون بها و فدیة (هزینه

آزادی) اسیران و بدهی بدهکاران شرکت کنند و بدین ترتیب سیستم قدیم بیمه های

۱- فاضل هندی، محمدبن الحسن اصفهانی، کشف الثام، قم، ۱۴۰۵، هـ ق، ج ۲، ص ۱۱۸

اجتماعی که در آن نوعی تعاون هم وجود داشت مورد تأیید اسلام قرار گرفت و توسعه یافت. قبل از این قرارداد و در دوران قبل از بعثت نیز تاسیس و قراردادهایی نظیر «ضمان جریره» یا «ولاء موالات» در بین اعراب مرسوم بوده که شباهتی به بیمه شخص ثالث امروزی داشته است و همچنین نظام عاقله و ضمان جریره که از قراردادهای مرسوم در آن دوران بود و قراردادهای مذکور با تغییراتی در دین اسلام پذیرفته شد. در نظام عاقله و ضمان جریره مسئولین پرداخت دیه و خون بها (که منحصر در جرایم غیر عمدی است) عبارتند از:

عاقله شامل بستگان پدری و مادری با رعایت الاقرب فالاقرب (بیمه خانوادگی) ضامن جریره یا ضامن ولی که متعهد بر پرداخت خسارت ناشی از جرایم غیر عمدی طرف دیگر (مضمون) بود (بیمه انفرادی و حوادث) و امام (بیمه های اجتماعی)، یعنی در صورت نبودن عاقله و ضمان جریره، پیشوای مذهبی پرداخت دیه و خسارت را بعهده می گرفت، با این توضیح که خسارت پرداختی به وسیله عاقله که از طرف شارع هم مقرر گردیده بود الزامی بوده و خسارت پرداختی شبیه بیمه مسئولیت اجتماعی بوده و حق بیمه ای هم که ورثه پرداخت کننده خسارت (دیه) می گیرد، همان ارث است!

با توجه به بررسی های انجام شده، ملاحظه می شود، که تا قرن ۱۳ هجری در کتابهای

فقهی اثری از عنوان بیمه دیده نمی شود. ولی باتوسعه روابط بازرگانی کشورهای اسلامی در اواخر جنگهای صلیبی با سایر کشورهای اروپایی و آمریکایی، مسئله بیمه، به عنوان یک مبحث فقهی جدید مطرح گردید و اولین مشکلی که فقهای اسلامی با آن مواجه گردیدند پاسخ به این سوال بود که آیا بیمه جزء یکی از عقود مطرح شده در فقه است یا خیر؟ و در هر صورت اولین نوع بیمه که استفاده شد بیمه دریایی بود که محمد بن عبدالعزیز ابن عابدین فقیه معروف حنفی درباره آن به اظهار نظر پرداخت. این فتوی مربوط به نیمه اول قرن ۱۳ هجری است. در خاورمیانه، مسلمانان نخستین بار در امپراطور عثمانی با بیمه آشنا شدند و امپراطور مذکور که حکومتی بر مبنای فقه حنفی بود به منظور گشایش کارهای بازرگانی و برقراری روابط تجاری با اروپا و تغییر روشهای تجاری و به وجود آمدن تاسیسات حقوقی جدید، نیاز شدید به انواع قراردادهای بیمه و مخصوصاً در بازرگانی دریایی که به نام «سوکره» یا «سیکورتا» معروف بود، پیدا کرد و مجبور گردید که در سال ۱۲۸۰ هجری قمری، راجع به بیمه دریایی که به تجارت بین المللی مربوط می شد، قانونی وضع کند، ولی چون فقهای آن زمان عقد بیمه را خلاف شرع تلقی می کردند و آن را نوعی قمار و شرط بندی می دانستند و به بطلان آن فتوی دادند، علیهذا کار مخالفت با عقد بیمه آنچنان بالا گرفت که سلطان عثمانی به خاطر مماشات با علما «بیمه عمر» را که منحصرأ به اتباع عثمانی و مسائل داخلی مربوط می شد، مسکوت گذاشت و در نتیجه در این مورد

قاعده و قانونی به تصویب نرسید. مقررات مربوط به بیمه دریایی، جزئی از مواد قانون تجارت دریایی عثمانی و موسوم به «قانون التجاره البحریه» بود که فصل یازدهم آن (مواد ۱۷۵ تا ۲۴۰) به بیمه دریایی اختصاص یافت. در این قانون، بیمه دریایی با عقد ضمان که یکی از عقود معین فقهی بود مقایسه شده بود و در ماده ۱۷۵ قانون مذکور از قرارداد بیمه دریایی با عنوان «عقد الضمان» یاد شده بود^۱.

با وجود تصویب قوانین جدید، مشکل شرعی بیمه همچنان باقی ماند و علمای اسلامی و مردم کشورهای مسلمان در مقام رفع مشکل فقهی آن به تاسیس شرکتهای بیمه تعاونی اقدام نمودند. در این نوع بیمه که بر اساس آیه شریفه «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان» تشکیل یافته و ریشه آسمانی و الهی داشت، شبهه ربا و قمار و شرط بندی و «اکل مال به باطل» و تعاون بر «اثم و عدوان» وجود نداشت و شرکتی بود که بر اساس تبرع و تعاون و نه به منظور سود جوئی تشکیل یافته بود و در حقیقت در آن، بیمه گذار و بیمه گر، با هم شریک و تقریباً یکی است و اگر سود مختصری هم عاید شرکت شود صرف هزینه پرسنل و اداره آن می گردد^۲.

در کلیات طرح مورد نظر ابتدا به بررسی مبانی و مفاهیم مسئولیت مدنی و بیمه مسئولیت مدنی پرداخته و لزوم تحقیق یک منبع جایگزین جهت جبران ضرر و زیان و

1- www.Islamic databank.com/PDF/Free book- cnt. asp? D1 = B2 7989

۲- جمالیزاده، احمد، همان

خسارت بلا جبران و بیمه مسئولیت مدنی پرداخته در مبحث بعد به نقش دولت و مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارت و همچنین تحلیل نهادهایی مشابه در فقه اسلام با نهاد بیمه به خصوص در بخش بیمه مسئولیت مدنی مورد مطالعه قرار گرفته و در پایان نیز بیمه از دیدگاه قانون بیمه اجباری با توجه به فلسفه وجودی آن و تطبیق با حقوق سایر کشورها و نام های حقوقی مورد بررسی قرار می دهیم.

جهت نگارش فصول و مطالب این پایان نامه در مرحله اول از روش کتابخانه ای ، مراجعه به کتب مرتبط با بیمه ، کلیات لزوم جبران هر گونه خسارت اعم از حقوقی و فقهی ، همچنین پایان نامه های مرتبط با موضوع بیمه و روزنامه و مجلات حقوقی و در مرحله بعدی استفاده گسترده از سایت های اینترنتی در زمینه بیمه و مبانی جبران خسارت استفاده گردید .

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

فصل اول

کلیات

مبانی و مفاهیم مسئولیت مدنی

شناخت مفهوم بیمه مسئولیت مدنی که ما در نهایت در صدد بررسی تأثیرات آن بر نهاد وزین حقوق مسئولیت مدنی می باشیم در گروه تجزیه ارکان تشکیل دهنده و جایگاه آن می باشد. بررسی جایگاه این تأسیس حقوقی با اشاره به تعریف اهمیت و مقایسه با مفاهیم مشابه ضروری است. حقوق کشورهای پیشرفته در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد. قلمرو آن شناخته بشود بنابراین مبحث مربوط به مفاهیم و مبانی ضمن ۲ گفتار بدین شرح مطالعه می کنیم.

۱- جایگاه بیمه مسئولیت مدنی (غیر قراردادی)

۲- مبانی و قلمرو بیمه مسئولیت مدنی

مبحث اول: جایگاه بیمه مسئولیت مدنی

مطالعه در مورد جایگاه یک نهاد یا تأمین حقوقی^۱ به معنی شناخت مفاهیم اولیه و ضروری و تحلیل آن به عناصر جزئی تشکیل دهنده و سلطه بر تحولات تاریخی آن نهاد می باشد بیمه مسئولیت مدنی^۲ که برای پوشش دادن به زیان های ناشی از فعالیت های متعدد اجتماعی، حیات اجتماعی و حقوقی یافته است به محور مسئولیت مدنی قرار گرفته و شناخت دقیق آن منوط به تحلیل مسئولیت مدنی و قلمرو آن است. چتری که برای حمایت از زیان دیده و و عامل زیان افراشته شده است. و مانع از فرو

1- L. institution

2- L. assurance de la Responsabilite

افتادن باران سیل آسا بر دارایی اشخاصی می شود. بدون یافتن مفهوم تحت حمایت خود، قادر به این تکفیک نیست. در کنار این مسایل، تاریخ تحولات بیمه مسئولیت مدنی از زمان تکوین، تا پیشرفت های قرن اخیر که قلمرو خود را نسبت به بسیاری از انواع مسئولیت گسترش داده، شاخه های مختلف آن در نور دیده بسیار حایز اهمیت است. قواعد حقوق، قواعدی اجتماعی هستند و بستر زندگی خود را در پرتو اجتماع و تحولات آن می بیند بنابراین بررسی تحولات زندگی بیمه مسئولیت غیر قراردادی یا مدنی که در بسیاری از زمینه ها جای مسئولیت غیر قراردادی را اشغال نموده است امری مهم تلقی می شود هر چند تحقیق در این زمینه نیازمند بررسی تخصصی این تحولات می باشد و علاقه مندان می توانند به منابع تدوین شده در این زمینه مراجعه نمایند.^۱ به این حال، زاویه دید در بحث، صرفاً تاریخی نیست و متضمن بررسی تطبیقی در حقوق برخی از کشورها می باشد و سیر بیمه مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی را به صورت هماهنگی در جهت یاری رساندن به حقوق مسئولیت مدنی نشان می دهد.

۱- مشایخی، همایون، مبانی و اصول حقوق بیمه، انتشارات مؤسسه عالی حسابداری، تهران ۱۳۴۹، ص ۳۱.

گفتار اول: مفهوم مسئولیت مدنی (غیر قراردادی)

۱- تعریف مسئولیت مدنی: مسئولیت مدنی، یا غیر قراردادی، عنوانی است که برای بیان تعهد شخص مبنی بر جبران خسارت ناروایی که به دیگری وارد شده استفاده می شود به عبارت بهتر در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد.^۱ زندگی اجتماعی از زمانی که برخورد فعالیت های مختلف را از سوی اشخاص و اشیاء به خود دیده با عنوان تعهد به جبران زیان و مسئولیت مدنی متقارن شده است اصل لزوم جبران خسارت که به عنوان یکی از ۳ اصل اجتماعی معرفی شده^۲ و قواعد آن رفته رفته سایر قواعد را در بر می گیرد. مهمترین مظهر خود را در مفهوم مسئولیت غیر قراردادی می بیند بدیهی است تا زمانی که عملی در خارج محقق بشود. اثری ملموس نخواهد داشت. تفکر و نیت درست یا نادرست در حوزه علم اخلاق قرار گرفته و وقتی جواز و رود به دنیای حقیقی را می گیرد که در خارج متبلور گردد. این همان چیزی است که از آن به فعل زیانبار یا تحقق عمل خارجی یاد می کنیم و در حقیقت موتور حرکت برای تحقق مسئولیت مدنی می باشد. البته عمل فاعل خواه به صورت فعل مثبت یا ترک فعل باشد یا نباشد. صلاحیت بررسی در این حوزه از حقوق را دارد و حتی نیازی به برخورد فیزیکی و مادی عمل شخص با جسم زیان دیده یا مال او نیست به موجب ماده ۳۲۶ قانون مجازات اسلامی:

۱- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، انراهای خارج از قرارداد، ج اول، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۸، ص ۴۶.

۲- لئون دوگی، رساله حقوق اساسی، نقل از دکتر کاتوزیان، همان، ص ۳۷.

«هر گاه کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص، در حال فرار، خود را از جای بلندی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد در صورتی که آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیار و مانع تصمیم او گردد ترساننده ضامن است» آنچه مهم است، ارتکاب عملی است که بر طبق قواعد پذیرفته شده حقوق مسئولیت مدنی، مفهوم عینی و خارجی پیدا کند و حتی اموری مانند خواب مصنوعی، هیپنوتیزم یا برخی از انواع سحر و جادو می توانند سبب اطلاق فعل زیان بار، یا عمل خارجی شود. البته وصف ناروا بودن فعل زیانبار در نظریات مختلف با عناوین تقصیر، خطرناک بودن عمل و حمایت از حقوق زیان دیده (نظریه تضمین حق) برای بررسی اعمال موجد مسئولیت مورد پذیرش قرار گرفته و مسئولیت غیر قراردادی تابعی از صرف ارتکاب عمل زیانبار نیست هر چند در ادامه ذکر خواهد شد که به این سمت گرایش پیدا کرده است. شیوع بیمه های مسئولیت و تأمین اجتماعی تحولی در این زمینه بوجود آورده است.^۱

۲- ارتکاب عمل خارجی به شرط مقرون بودن به ضرر و خسارت، تحت حاکمیت حقوق مسئولیت مدنی قرار می گیرد بر خلاف حقوق کیفری که صرف نظر از نقصان یا افزایش دارایی اشخاص، به جهت صیانت از نظم اجتماعی قواعدی را برای تعیین واکنش اجتماعی و حقوقی (مجازات) تعیین می کند و در اصطلاح اصولی از حیث

1- Tunce Andre, *Towards a European Civil Code*. Kluwer Law international aecond Revised and expanded London, 1988.P.6.

تعلق ماهیت آن به ضرر و تقارن با خسارت «لابشرط» می باشد در مسئولیت مدنی، نمی توان تصور مسئولیت را بدون ورود زیان در نظر داشت «در هر جا که نقص در اموال ایجاد شد و یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف اشخاص لطمه ای وارد آید، می گویند ضرری به بار آمده است»^۱ بنابراین ماهیت مسئولیت مدنی از حیث لزوم وجود زیان ماهیتی «بشرط شیء» محسوب می شود.

ضرر مورد نظر باید مسلم، مستقیم، جبران نشده و قابل پیش بینی باشد و ناشی از اقدام زیان دیده نباشد.^۲ این مفاهیم در مورد حوزه مسئولیت مدنی کلاسیک از مسلمات آن محسوب شده و با فقدان هر یک از آن دعوی مسئولیت مدنی رد می شود.

۳- علل و اسباب طبیعی، تکوینی از قاعده فلسفی، عقلی و علت و معلول تبعیت می کنند. مطابق فلسفه حاکم بر علم حقوق نیز این قاعده اصولاً مورد نظر پذیرش قرار گرفته است و «جزء مواردی که قانون مقرر می کند نظام جریان امور اعتباری همانند امور طبیعی است»^۳. یکی از قواعد بدیهی در نظام علل و معلول، وجود رابطه ایست میان اسباب و مسببات، به این معنی که حلقه ای ارتباطی میان تحقق فعل و زیان حاصله وجود دارد. همین قاعده در حقوق نیز اعمال می شود ولی با این تفاوت که در نظام مادی و خارجی، سببیت واقعی شرط است و بنابراین آنچه را ما در بحث مسئولیت مدنی، شرط تحقق یک مسئولیت دانسته و در مقابل «سبب» می گذاریم در

۱- کاتوزیان، ناصر، همان، ص ۲۴۴.

۲- کاتوزیان، ناصر، همان، صص ۲۷۸ الی ۳۱۰.

۳- شهیدی، مهدی، اصول قراردادها و تعهدات، نشر حقوق دان، چاپ اول. تهران ۱۳۷۹، ص ۸۰.

نظام عینی جهان، از علل تحقق واقعه محسوب می گردد. همین تفاوت باعث می شود تا مفهوم کلی رابطه اعتباری حقوق، منحل به مفاهیم جزئی شرط، سبب و مانع گردد و برای اثبات رابطه مذکور تحقق سبب در صورت متعارف کافی بدانند و بدیهی است که صرف شرایط حادثه این رابطه را نشان نمی دهند حال آنکه هر چه مادر لسان حقوقی کسرت می دانیم در نظام عینی، علتی از علل محسوب می شود.

رابطه سببیت که حلقه ارتباطی میان فعل و زیان در حقوق مسئولیت مدنی است، دشوارترین بخش تحلیل این حقوق به حساب می آید. نظریات مختلف را حول محور خود جمع نموده است از جمله نظریه جمع اسباب و شرایط، نظریه سبب مستقیم، سبب متعارف و

بنابراین این ارکان و عناصر، سبب تحقق مسئولیت مدنی می شود و تعهد به جبران خسارت اثر طبیعی آن محسوب نمی گردد. به عبارت دیگر مسئولیت منبع تعهد است، و تعهد از آثار آن، مسئولیت غیر قراردادی به این مفهوم است که موضوع تعهد بیمه گر قرار می گیرد و بدیهی است عدم تحقق هر کدام از عناصر، پوشش بیمه را نیز منتفی می گردد مگر در خصوص سیستم هایی که مسئولیت غیر قراردادی را کنار نهاده و سیستم جبران خسارت مبتنی بر مفهوم زیان را ایجاد کرده اند^۱.

1. - Lunney mark. oliphant Ken tort Law , text and materials , oxford University Press , London ,2000.P.8.

گفتار دوم: اهمیت مسئولیت مدنی:

قواعد مسئولیت مدنی در تاریخ تحول حقوق، نقش مهمی را عهده دار بوده اند هیچ بخشی از قلمرو حقوق بدون تأثیر از این قواعد زندگی ننموده و دگرگونی در این قسمت، آثار و تبعات بسیاری را در سایر مباحث بر جای نهاده است.^۱ این بحث شاهره حرکت قواعد حقوق به سوی کمال حقوقی یعنی عدالت یا بی عدالتی نبوده، بلکه مفهومی از عدالت است که به علت نظمی که در مجتمع انسانی ایجاد کرده است از هر مفهوم دیگری بالاتر تشخیص داده شده است.^۲

اگر از مباحث مربوط به حقوق خصوصی که دخالت قواعد مسئولیت مدنی در آن مشهود است.^۳

بگذریم، در سایر قسمت ها، یعنی قواعد حقوق بین الملل و عمومی نیز، این قواعد نقش مبنایی و راهبردی را ایفا می کنند؛ یکی از آثار مسئولیت غ قراردادی، ایجاد تکلیف از سوی مرتکب و مسئول فعل زیانبار، نسبت به جبران خسارات زیان دیده به نوعی رابطه ای حقوقی در قالب تعهد به جبران می باشد اگر ارزش نظری و عملی

1- George Ripert

۲- ژرژ دل و کیو، فلسفه جنون، ترجمه (مرحوم) دکتر جواد واحدی، نشر میزان، چاپ اول، تهران ۱۳۸۰، ص ۶
۳- در حقوق انگلستان اگر در نتیجه تفصیر متصدی بانک، چک مشتری پرداخت نگردد چون اینکه مشتری بانک تاجر باشد یا غیر تاجر، خسارات اصلی و اساسی (*Substantial Damage*) و (*Nominal Damage*) قابل مطالعه است اما دخالت قواعد مسئولیت غ قرار دادی در آنها مهم است.

"However, substantial Damage can be recoverd by traders if their loss is within the contemplation the parties or is reasonebly forseable".

تعهدات بطور کلی برای ما روشن باشد^۱. و قلمرو آن مشخص گردد، می توان جوهری

بودن بحث در این قسمت را مشاهده نمود.

مسئولیت مدنی دولت در حقوق بین الملل و همین مسئولیت در مقابل اشخاص

حقیقی یا حقوقی داخلی و عمومی، نمی توان خود را فارغ از قواعد مسئولیت مدنی

بیابد مهمتر از این، تحول کیفی در سال های اخیر می باشد که نگاه به این تحول در

حقوق بومی خود، اهمیت مباحث مسئولیت مدنی را روشن می سازد. بعید است قاضی

مسئول رسیدگی به امور کیفری، بدون آشنایی کافی نسبت به قواعد مسئولیت مدنی،

بتواند حتی فصل خصومت کند، چه رسد به احقاق حقی درست^۲ تحول نهاد حقوقی

دیه با پیچیدگی خود، دست عاریتی حقوق کیفری را به سوی مسئولیت مدنی برای

کمک گرفتن از قواعد آن هویدا نموده و امروز با تاسی به این قواعد است که عدالت

در پرونده های مربوط به دیه، با افزودن خسارات مازاد بر آن اعمال شده و بی عدالتی

موجود را تا حد امکان مرتفع می کند و همین قواعد است که اکنون بحث تفاوت

دیات را مطرح ساخته و دیه دست هنرمند پیکر تراش یا نویسنده شهیر، مانند دست

معتادی ولگرد نگاه نمی کند^۳.

۱- کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، نشر یلدا، ص ۱۲ به بعد.

۲- با تصویب قانون مجازات اسلامی و پیش بینی انواع مسئولیت ها در آن، نظیر مالک حیوان و دیوار و ... و بخصوص نهاد حقوقی دیه، همه اعمالی که به دیه منتهی می شوند، چهره ای متفاوت از گذشته پیدا نمود.

۳- کاتوزیان، ناصر، الزامات خارج از قرارداد، ۱۰ جلد اول، ص ۵۸.

گفتار سوم: شناخت بیمه و انواع آن:

معنی و مفهوم بیمه امر نا شناخته ای نیست در حقیقت انسان همیشه در صدد یافتن تکیه گاهی مناسب برای ادامه زندگی اقتصادی و حقوقی خود بوده و است. یکی از لوازم این زندگی، همیاری و تعاون اجتماعی و کمک گرفتن از نیروهای کوچک و بزرگ است که برآیند و مجموع آنها، به منبعی قدرتمند تبدیل شود و با مشارکت همگانی، راه زندگی را بهتر طی نماید. این منبع در قالب فنی و تکنیکی امروزی خود یعنی بیمه^۱ در آمده و همچنان تحول یافته ترین رشته های حقوقی به شمار می رود. ماده ۱ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ در تعریف بیمه می گوید: «بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می کند که در ازاء پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد. متعهد را بیمه گر، طرف تعهد را بیمه گذار و وجهی که بیمه گذار به بیمه گر می پردازد، حق بیمه و آنچه را که بیمه می شود موضوع بیمه نامند» ماده ۴ همان قانون اشاره می کند:

«موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی مشروط بر اینکه بیمه گذار نسبت به بقاء آنچه بیمه می دهد ذی نفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه گذار متضرر گردد» تقسیم بندیهای گوناگونی از بیمه و شاخه های مرتبط با آن به عمل آمده

1- Insurance.

است در یک تقسیم بندی « معمولاً بیمه ها را به دو دسته بزرگ تقسیم می کنند، بیمه های دریایی و بیمه های زمینی، بیمه های زمینی نیز به دو دسته بزرگ تقسیم می شوند:

بیمه های زیان و بیمه اشخاص، بیمه های زیان که به آنها غرامت هم می گویند. بیمه هایی هستند که اموال و دارایی بیمه شده را در مقابل زیان های مادی ناشی از حوادث بیمه می کنند و غرامت آن را می پردازند. بیمه های غرامت را به دو گروه بزرگ تقسیم می کنند: بیمه های مسئولیت مدنی و بیمه اشیاء.

در لسان دیگر^۱ بیمه ها به دو گروه کلی:

۱- بیمه های جبران خسارت^۲ که در مقابل زیان دیده، جبران و پوشش به عمل می آورند مانند: آتش سوزی، دریای و محدود به میزانی که در بیمه نامه آمده است می باشند.

۲- بیمه های احتمالی^۳ که به صورت جبران خسارت عمل نمی کنند بلکه پرداختی برای حدوث یک اتفاق هستند مانند بیمه عمر. سرانجام تقسیم بیمه به بیمه های اشیاء بیمه های اشخاص و بیمه های مسئولیت پیشنهاد شده است. هدف ما شناسایی موقعیت بیمه مسئولیت مدنی است که نوشتار حاضر بیشترین توجه را به آن خواهد داشت. نکته مهم در خصوص انواع و اقسام بیمه این است که اصول و قواعد حقوقی

1- Dobson paul charls worths , Business Law, Sweet and Maxwell 7 th edition London, 1995.P.581.

2- Indemnity insurance.

3- Contingency insurance.

این بیمه ها در کشورهای مختلف غالباً یک شکل است و حتی هیچ ضرورتی در میان نیست که این اصول و قواعد در شرایط عمومی انواع بیمه ها به طور کامل و با جزئیات آن درج شود.»

الف) اهمیت بیمه مسئولیت مدنی:

بیمه مسئولیت مدنی عبارت از اعمال زیانباری است که به موجب قواعد کلی مسئولیتی مدنی، شخصی در برابر دیگر عهده دار شده است. به عبارت دیگر شخص یا اشخاص با انعقاد قرار داد بیمه، مسئولیت احتمالی آینده خود را در برابر ثالث بیمه می کنند و شخص بیمه گر با دریافت حق بیمه های مقرر، تعهد می کند مسئولیت بیمه گذار را در مقابل ثالث پوشش دهد و دارایی او را حمایت نماید. یکی از پدیده هایی که مرزهای ملی را پشت سر نهاده و در مطالعه تاریخی حقوق مسئولیت مدنی لازم است. افزایش و رشد بیمه در طول بخش دوم قرن ۱۹ است قرن حاضر، قرن حکومت مطلق این بیمه بر بخش های مختلف حقوق مسئولیت مدنی است. توسعه بیمه تنها در قلب سوسیالیسم یعنی شوروی سابق، تحت بازرسی قرار گرفته بود ولی تحولات بعدی از این بازرسی پرده برداشت و سوسیالیسم فعلی نیز هدف تیر مستقیم بیمه مسئولیت قرار گرفته است.

مطالعات تاریخی در مسئولیت غیر قراردادی نشان می دهد که اهمیت بیمه مذکور روز بروز فزونی یافته و تا جایی پیش می رود که جای مسئولیت مدنی را اشغال کند و

مبنای سیستم های جهانی جبران خسارت بدون تفصیر گردد. امروزه از امور بدیهی است که بنیان مسئولیت مدنی بدون وجود بیمه مسئولیت مدنی، توان حیات ندارد^۱ و امری که تابع و خادم مسئولیت مدنی تلقی می گشته، خود را تا حد اصل و مخدوم حقوق مسئولیت مدنی ترقی داده است «حقوق مسئولیت غیر قراردادی» ذکر شد تا قلمرو تأثیر بیمه محدود به اصول و مقررات خاص آن نباشد بلکه ما اثرات بیمه را در کلیت این حقوق بررسی می نماییم.

(ب) بیمه اجباری و اختیاری:

نظر به اهمیتی که بیمه بطور کلی و نوع مسئولیت مدنی آن به صورت خاص در زندگی اشخاص دارد، قواعدت بسیاری از کشورها، در بسیاری زمینه ها تحصیل پوشش بیمه را با انعقاد قرار داد بیمه اجباری اعلام نموده اند. مطالعه در این زمینه ها نشان می دهد حفظ تمامیت جسمی و شرافتی اشخاص بعنوان هدفی اساسی قانونگذار را به اجبار مذکور وادار نموده است تا نیروی از دست رفته برای بازیافت خود از منبعی قوی سیراب شود. میزان قابل توجه این زیان ها توان پرداخت از عهده دارایی واحد را سلب می کند و ناچار جمع دارایی ها برای جبران خسارت را لازم می دارد: نظیر این زیان ها بخصوص در زمینه روبرط ناشی از کار و حوادث رانندگی بوجود می آید و می توان گفت در این زمینه ها، اصل لزوم، اجبار بیمه مسئولیت مدنی، اصلی جهانی تلقی می شود.

1- Tunce Andre, Op Cit, P.G- Lunney mark. Oliphant Ken. op Cit, P. 15.

۱۰ ایالت در آمریکا در سال ۱۹۱۱ حوادث ناشی از کار را تحت شمول بیمه اجباری قرار دادند. ایالت های ماساچوست، نیویورک و کالیفرنیا شمالی دارای بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری می باشد.^۱ در انگلستان نیز قانون ۱۹۴۶ و قانون ۱۹۶۹، مسئولیت کارفرما را نسبت به حوادث ناشی از کار اجباری اعلام می کند. قانون ترافیک جاده ای سال ۱۹۸۸ نیز وسایل نقلیه را تحت این پوشش قرار داده است.^۲

باید توجه داشت که وصف اجباری یا اختیاری بودن بیمه، آثار حقوقی به دنبال دارد مثلاً در فرض اجباری بودن بیمه مسئولیت، بیمه گر مکلف به انعقاد قرارداد بیمه با بیمه گذار است و در صورتی که شرایط مقرر در حدود مقررات و عرف بیمه گری نسبت به بیمه گذار کامل باشد حق امتناع برای بیمه گر وجود ندارد. ماده ۸ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۴۷ مقرر می دارد. « در شرکت های بیمه طبق مقررات این قانون و آئین نامه های مربوط به آن مکلف به انعقاد قرارداد بیمه با دارندگان وسایل نقلیه مشمول این قانون خواهند بود». شعبه ۴ دادگاه عمومی مشهد به موجب دادنامه شماره ۱۲۵/۹۰۶ مورخ ۱۳۷۷/۷/۲۸ در مورد حاکمیت اراده بیمه گذار و بیمه مذکور در مورد قرارداد بیمه مسئولیت و آثار آن چنین اظهار نظر نمود.

«دادگاه با استدلال تأکید بر این موضوع که قانون بیمه را به لحاظ اجباری نمودن آن از سوی قانون گذار یک قانون امری و مربوط به نظم عمومی می داند که در نگاه این

1- M. Rohrer Danial. Justice before the low, national textbook company 1971. P.248.
2- Heinrich Der Glickezere. Izovlsky, op. cit. [http: www. enster. co. uK/ china / Low](http://www.enster.co.uk/china/Low).

**جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید**

دادگاه توافق های شخص بیمه گذار و بیمه گر در محدود ساختن زمان اثر و شروع

تعهد طرفین هر چند در قالب ماده ۱۰ قانون مدنی هم باشد نمی توان مؤثر در مقام

باشد زیرا هنگامی که قانونگذار شخص را ملزم به بیمه کردن ساخت و عقد بیمه بسته

شد شروع تعهدات طرفین از همان زمان آغاز نتیجه و خواسته این عقد است».

ن

مبحث دوم: قلمرو بیمه مسئولیت غیر قراردادی

با بروز انقلاب صنعتی در اروپا و پیدایش ماشین بخار و ورود بشر به عصر صنعت و تکنولوژی کم کم حوادث ناشی از کار و حوادث و تصادفات وسایل نقلیه زمینی، دریایی، هوایی، حوادث ناشی از مالکیت اشیاء و حیوانات و همچنین مسئولیت افراد در قبال رویدادها و خسارات ناشی از اعمال صغار و مجانین و نقص وسائل و ماشین آلات دولتی موجب شد تا در کلیه نظام های حقوقی، حقوقدانان بیش از پیش به فکر جبران خسارات وارده از طریق گسترش بیمه مسئولیت مدنی در قالب وضع قوانین حمایتی و گسترش صنعت بیمه و افزایش کمی شرکت های بیمه ای و همچنین افزایش خدمات پوششی در قالب طرح های تکمیلی باشند به گونه ای که در حال حاضر کمتر حادثه ای است که گونه مسئولیت مدنی آن را پوشش نداده باشد و در واقع خلاء ناشی از نگرانی در خصوص عدم جبران این گونه حوادث احساس نمی گردد.

گفتار اول: بیمه مسئولیت و برخورد نظامهای حقوقی با آن:

۱- منبع مسئولیت غیر قراردادی و نوع پوشش بیمه ای

برای بیمه کردن مسئولیت، فرقی در منبع ایجاد کننده آن نیست^۱. می دانیم که افعال زیانبار شکل و کیفیت یکنواختی ندارند و وقتی سبب خسارات دیگری شوند. تعهد به

1- Rene savatier, *La the aries obligation*, Dalloz 2eme edition, 1969, P. 274

جبران مافات را به عهده عامل قرار می دهند. صبغه کیفری داشتن یا نداشتن آنها فرقی ندارد و قصد مرتکب نیز آنها را از جرگه مسئولیت مدنی خارج نمی کند بنابراین اصولاً قلمرو بیمه مسئولیت باید عام بوده و هر گونه محدودیتی مقرون به دلیل باشد این دلیل تا کنون نسبت به دو گونه مسئولیت ارائه شده و حقوق بیمه از پذیرش این دو نوع مسئولیت اجتناب نموده است.

۱- «بیمه خساراتی که در نتیجه بی احتیاطی و غفلت شخص به بار می آید امکان دارد ولی هیچکس نمی تواند خساراتی را که بر عمد وارد می سازد بیمه کند چنین بیمه‌ای نه تنها بیمه گر را با وضع پیش بینی نشده و خطرناکی روبرو می سازد، از این نظر که بیمه گذار در اضرار دیگران آزاد می کند، بر خلاف نظم عمومی است ماده ۵ قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث از نظر حفظ حقوق زیان دیده، بیمه گر را مورد عمد راننده در ایجاد حادثه موظف به جبران خسارت زیان دیده، کرده است ولی این حکم به معنی نافذ شناختن بیمه خسارت عمدی نیست زیرا بیمه گر می تواند پس از جبران زیان دیده برای گرفتن زیانی که پرداخت کرده است به او رجوع کنند امکان رجوع بیمه گر به بیمه گذار مفهوم دیگری جز بطلان عقد بیمه ندارد و الزام بیمه گر به جبران چنین خسارتی ریشه قانونی دارد نه قراردادی^۱».

1-juris classeur de la Responsabilité civile des Assurance 1970. T. 11. v111 bi. sfl lercachier, P⁴ paris 1928

۲- ماده ۴ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، موضوع بیمه را هر نوع مسئولیت حقوقی می داند این بدان معنی است که مسئولیت کیفری اساساً تحت پوشش بیمه قرار نمی گیرد مطابق اصل شخصی بودن مجازات ها، بیمه مجازات جزای نقدی و جریمه هایی که به دلیل ارتکاب جرم وصول می شوند، اعتباری ندارد. حتی مسئولیت مدیران شرکت ها و موسسات تولیدی که به دلیل اعمال مستخدمان و کارگران ثابت می شود، نسبت به جریمه های آنها با هدف مقررات آمده مباینت دارد!

در حقوق ایران، به ویژه ماهیت دیه محل اختلاف قرار گرفته است یکی از نویسندگان حقوقی با بررسی این ماهیت در مورد پوشش بیمه پرداخت دیه چنین می گوید. با توجه به آراء وحدت رویه شماره ۴۴ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۰ و ۵۴ مورد ۱۳۶۳/۱۱/۱۸، هیات عمومی دیوان عالی کشور، دیه از نقطه نظری قضایی کیفری (مجازات) مستقل قلمداد گردیده، من حیث المجموع چنین استنباطی می گردد از نظر شارع و مقررات و قوانین حاکم به دیه مقرر صرفاً جنبه کیفر و مجازات برای مرتکب آن می باشد.

بنابراین با توجه به مطالب فوق، چنین به نظر می رسد که شرکت های بیمه نتوانند این گونه محکومیت ها و جرائم را تحت پوشش بیمه ای و ... قرار دهند^۲. اما این لطف نه در مرحله تئوری و نه در عمل مورد توجه قرار نگرفته است و ماهیت دو گانه دیه و قرابت بیشتر آن با جبران خسارت، امکان پوشش مسئولیت پرداخت دیه را توسط بیمه

۲- کاتوزیان، ناصر، مسئولیت غیر قراردادی، ص ۲۵۹

۱- معزی، فرهاد، بررسی اجمالی ماهیت حقوقی بیمه دیه، فصلنامه بیمه مرکزی ایران، سال پنجم شماره اول، ص ۸

گران فراهم آورده است همچنانکه در عمل یکی از مهمترین بخش های بیمه مسئولیت
تلقی می شود.

گفتار دوم: بیمه و طرح های تکمیلی مسئولیت غیر قراردادی!

اهمیت جبران خسارت وارده به اشخاص به قدری استکه دولت ها مقررات موضوعه
خود را به سمت پیش بینی نهادهای تکمیلی درموردی که تحمیل زیان، حتی بر
بیمه‌گرها دشوار است یا بیمه مسئولیت با خلا مواجه می شود، هدایت می کنند. اگر
مسئولیت غیر قراردادی بدون بیمه تکامل کافی خود را نیافته است، بیمه مسئولیت نیز
بدون طرح های تکمیلی، قادر به ایفای نقش خود نیست. در مواردی که اجرای اصول
بیمه برای جبران خسارت اشخاص به دشواری می گراید، احساس عمومی بر این
است که مسببین ضرر بدون مسئولیت باقی نمانند و به نحوی خسارت زیان دیده
جبران گردد و همین امر ضرورت توسل به طرح های تکمیلی بیمه مسئولیت را آشکار
می سازد اینطرح ها که هدف خود را یاری رساندن به زیان دیده می دانند، دارای
ساختار و قلمروی متفاوت بوده و با توجه، دخالت، مشارکت دولت، از هم متمایز می
شوند.^۲

ملاحظه قانون کار نیویورک در بخش های ۲۴۰ و ۲۴۱ آن نشان می دهد که تفصیر
کارگر برای ارزیابی مسئولیت مورد توجه قرار نمی گیرد، بعنوان دفاع شخص مسئول

2- scheme complementary 4 to compulsory insurance
1- Tuncel Ader, op. cit, P. 2co

قابل استفاده نیست^۱. افزایش حق بیمه ها نه تنها آثار منفی در امکان تحصیل پوشش بیمه ای بوجود آورده بلکه آثار نامطلوب اجتماعی نیز در برداشته است؛ هزینه های تسهیلات خصوصی و عمومی افزایش یافته است جراحان و پزشکان در حال رها نمودن شغل خود هستند کارخانه داران هواپیما و کمپانی های دارویی از ساختن محصولات متنوع امتناع می کنند^۲. در گزارش هیات امنای دانشگاه برکلی آمریکا که در ۱۲ نوامبر ۱۹۷۰ منتشر شد از افزایش حق بیمه ها انتقاد شده و اثرات نامطلوب اجتماعی آن نظیر آنچه بیان شد تذکر داده شده است. در فرانسه و بریتانیای کبیر، هم چنین هشدارهایی وجود دارد^۳. و نشان داده است که افراط نسبت به بیمه مسئولیت غیر قراردادی خود سبب نتایج نادرستی شده است و نیاز به تعدیل اینرویه می باشد.

گفتار سوم : سیستم های بیمه ای، نظام های حقوقی و تأثیر از قواعد مسئولیت غیر

قراردادی:

با توجه به اینکه مبنای مسئولیت غیر قراردادی بر حسب توسعه نظام های حقوقی و بازتاب عوامل اجتماعی و اقتصادی یکسان نمی باشد، بیمه ای که وظیفه پوشش دادن به این سیستم ها را دارد نیز متغیر بوده و از اصول و قواعد هر نظام تبعیت می کند، بنابراین تفاوت نظام مسئولیت مدنی، تأثیر سیستم های بیمه ای را به دنبال دارد. برای مثال در کشور کانادا می توان بر حسب ایالت های مختلف آن سیستم های ذیل را مورد

2- the encyclopedia American international edition, American corporation internationd Head quarters, Vol 17 // stablished new york, 1972 p, 280

3- <http://www.prob.org/docs/lizibility.htm>

1- tunce, Ander, op. cit, P. 4

توجه قرار داد. در ایالت آلبرتا بر اساس سیستم مبتنی بر *Tort* عمل می شود. به عبارت بهتر فقط در صورت حدوث تقصیر است که می توان مسئول را تعقیب کرد و پس از محکوم کردن وی توسط دادگاه است که شرکت بیمه اساس آن رای، جبران خسارت می کند در این سیستم کل زیان پرداخت نمی شود و مثلاً حداکثر هزینه های درمانی تا میزان ۱۰۰۰۰۰۰ دلار است و زیان های معنوی به دلیل تحمل درد و اندوه توسط بیمه گران جبران نمی شود.^۱

در ایالت بریتیش کلمباین این کشور به دلیل اینکه بیمه گران برای عرضه بیمه های حوادث رانندگی از حیث کمیت، قابل توجه هستند دولت خود حق بیمه دریافت می دارد و به جای رانندگان خطاکار جبران خسارت می کند و ایالت انتاریو^۲ به جای سیستم مبتنی بر *Tort* سیستم *NO - Foul* وجود دارد بدین معنی که در این سیستم صرفنظر از تقصیر مسئول (مثلاً دارنده وسیله نقلیه به حدوث زیان تکلیف به جبران خسارت تحمیل می شود)^۳.

در عین حال مشاهده شده است که بیمه گران از تابعیت مسئولیت غیر قراردادی به ستوه آمده و در مواردی با فشار به قانونگذار، نسبت به محدود کردن حقوق مسئولیت غیر قراردادی اقدام کرده اند. مثلاً برخی ایالت های آمریکا از جمله ویرجینیایی غربی، توانسته اند نسبت به محدود نمودن قلمرو مسئولیت غیر قراردادی اقدام کنند و جالب

1- http://www.cummings.ab.ca/no_fault.htm.

2- ontario

3- Danialm Rohrer, justice beforelaw, national textbook company, 1971. p. 248 et

است بدانیم علت این فشار را تهدید به افزایش حق بیمه اعلام نموده اند^۱. اما به هر صورت در هر نظام حقوقی لازم است حقوق مسئولیت غیر قراردادی به عنوان اصل قرار گیرد و بیمه به عنوان ضرورت فنی و تکنیکی به آن اضافه شود، چیزی که در حقوق ما رعایت نشده و عملاً قانون بیمه اجباری مسئولیت غیر قراردادی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در برابر اشخاص ثالث مصوب ۱۳۴۷ با بحث اصلی پیرامون بیمه، نظرات نویسندگان حقوقی را در مباحث مسئولیت مدنی به خود جلب کرده است حال آنکه در حقوق فرانسه، قانون ۱۹۸۵ که در ادامه از آن صحبت خواهیم کرد با بحث از مسئولیت غیر قراردادی در زمینه حوادث رانندگی، مرکز اصلی بحث راقواعد حاکم بر این مسئولیت قرار داده است و بیمه به عنوان امری تابع آن عمل می کند.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

فصل دوم:

نقش دولت در حمایت از مسئولیت مدنی اتباع

تحت حاکمیت خود

مبحث اول : وظیفه حمایتی دولت و حاکم اسلامی در
برقراری عدالت اجتماعی

یکی از اصول اولیه حاکم بر زندگی اجتماعی در هر نظامی ، حمایت از افراد
تحت حاکمیت و سیطره آن کشور می باشد خواه جنبه ضرر و زیان ناشی از
تقصیر و تخلف دولت را داشته باشد و یا ناشی از رفتار سوء سایر افراد و اتباع
تحت حاکمیت خود که به نوعی از جبران زیان و خسارت وارده عاجزند و
توانایی مالی جهت جبران آنرا به علت شرایط اقتصادی حاکم بر آن جامعه را
ندارند. خوشبختانه در نظام حقوقی اسلام مبانی حمایت دولت از افراد تحت
حاکمیت خود در قالب آیات قرآنی ، روایات وارده از طرف ائمه معصومین (ع) و
قواعد فقهی که در طول زمان تکامل یافته به وفور یافت می شود و نشان از
احترام به حیثیت، جان، مال افراد را دارد خواه مسلمان باشند یا غیر مسلمان وظیفه
حاکم اسلامی در قبال آنان یکسان است و هیچ تبعیضی در کار نیست و دولت به
عنوان یک شخص حقوقی مستقل از اتباع خود ، وظیفه تأمین و حمایت بیمه ای را
به عهده دارد .

گفتار اول: مبانی مسئولیت دولت نسبت به خسارات بلاجبران

الف: نصوص قرآنی

یکی از وظایفی که بر اساس مفهوم ولایت بر عهده ولی قرار می گیرد، تأمین و حمایت از کسانی است که تحت پوشش ولایی قرار می گیرند. به عبارت دیگر تأمین مجموعه ای از حداقل های مکفی برای آحاد افراد جامعه و حمایت آنان در جامعه همانند وظایف ولی خانواده نسبت به فرزندان به عهده حکومت اسلامی است.

یک مجموعه مهم از حمایتهایی که حکومت اسلامی موظف به انجام آن است در محل های مصارف صدقات در آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ

الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ

عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^۱ ذکر شده است. در این آیه تخصیص صدقات به فقراء، مساکین، عاملین

بر آن و تألیف قلوب، بردگان، ورشکستگان و در راه خدا و واماندگان در راه از طرف

خداوند واجب شده است. در پرداخت وجوه زکات حتی فقها با استناد به روایات بر

آن نظر هستند که پرداخت های زکات باید به حدی باشد که برای یکسال کفاف

مخارج زندگی نماید آن هم به طوری که موجبات تنگدستی و قناعت و تقید را در

مایحتاج زندگی فراهم نسازد.^۲ در آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ

لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ»^۳ موارد پرداخت درآمدهای

ناشی از خمس به رسول و ذی القربی و ایتام و مساکین و واماندگان راه تخصیص داده

۱- سوره توبه، آیه ۶۰

۲- صدر، محمد باقر، اقتصاد برتر، ترجمه علی اکبر سیبویه، نشر میثم، تهران، صفحه ۱۳۰

۳- سوره انفال، آیه ۴۱.

شده است. پس در اصل برگیرنده این اموال یعنی کسی که خطاب خُذ در آیه «خُذْ مِنْ
أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا»^۱ متوجه وی است فرض است که نسبت به گروه
افراد یاد شده در دو آیه فوق اقدام به تخصیص مالی و کمک های تأمینی نماید. چه که
گروه های مذکور در فوق به نحوی نیازمند کمک های مختلف حمایتی هستند. بر این
مبنا است که می توان به سرفصل عمده تأمین اجتماعی در حکومت اسلامی رسید. این
حمایت و تأمین تا طعام مساکین نیز تسری دارد یعنی در حکومت اسلامی نباید کسی
به دلیل عدم توان در تهیه طعام سر بی شام بر بالین بگذارد. آیاتی که به طعام مسکین
اشاره می فرمایند، بی تفاوتی در مورد عدم اطعام مساکین و حتی عدم ترغیب دیگران
به اطعام مساکین را در زمره مواردی بسته بندی می نماید که مستحق عقوبت شدید
هستند. یا در مورد راندن یتیم نیز همین توجه بذل شده که فرمود: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ
بِالدِّينِ فَذَلِكَ يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلاَ يَحْضُرُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ»^۲ و همچنین خطاب به رسول
اکرم (ص) است که: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ»^۳. تدقیق در این آیات
وظایف حکومت اسلامی را در حمایت تا آنجا پیش می برد که درخواست کننده را
نمی توان بدون پاسخ راند. البته سؤال در اینجا قاعداً باید پاسخ به نیاز تفسیر شود و
نیاز اگر مشروع و مبرم بود حکومت اسلامی موظف به پاسخ دادن به آن است. به
عبارت دیگر وجوب کفایی در مورد تمام مصادیق نیازهای مشروع قابل تعمیم

۳- سوره توبه آیه ۱۰۳.

۱- سوره ماعون آیات ۳-۱.

۲- سوره الضحی آیات ۱۰-۹.

می‌گردد. خود این مبحث دامنه زیادی از نیازها را تعریف می‌کند که مبرم هستند و

حکومت اسلامی بایست نسبت به آنها پاسخگو باشد. موارد زیر از جمله این سؤالات

یا درخواست‌ها است:

۱- نیاز مالی (بیمه مالی).

۲- نیاز به سرپناه و مسکن (بیمه مسکن).

۳- نیاز به ازدواج و جفت و معاشر (بیمه ازدواج).

۴- نیاز به کار و شغل (بیمه شغل).

۵- نیاز به تعلیم و تربیت، آموزش، مشاوره، راهنمایی (بیمه آموزش).

۶- نیاز به بهداشت و درمان (بیمه درمان).

با توجه به موارد مطرح شده بیمه را از لحاظ نحوه پوشش عملیاتی به انواع زیر

طبقه‌بندی می‌کنیم:

۱- بیمه‌های اجتماعی، تأمین و درمانی.

۲- بیمه‌های اقتصادی

۳- بیمه‌های اجباری

۴- بیمه‌های تکمیلی، مشترک و اتکایی.

با توجه به اهم وظایفی که برای حکومت اسلامی برشمرده شد و همچنین مواردی که

حکومت اسلامی موظف به رفع نیازهای افراد است به بحث بیمه‌های تأمین می

پردازیم. قبل از ورود به این بحث باید اذعان داشت که سطح تأمین و برخورداری هر نیازی در حدود شرایط عرف قابل تعریف است. به عبارت دیگر پاسخ به نیاز هر فرد را عرف مشخص می کند و از طرفی «سؤال» که به آن اشاره شد به مفهوم «نیاز» هم تلقی می گردد، ممکن است سؤال سائل به دلیل حیاء از قوه به فعل نرسد و لیکن ضرورت و نیاز در اشد خود باشد. پس با این دو شرط باید ابراز داشت که وظیفه بر حکومت اسلامی است که اولاً بر اساس عرف نیاز را اندازه گیری و حداقل لازم برای تأمین آن را تعریف و مشخص نماید. یعنی تمام موارد مندرج در تعریف کلی حداقل معیشت بایست براساس عرف جامعه و با توجه به احوال نیازمند تعیین گردد و در آیه «وَمَنْ كَانَ فَقِيْرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوْفِ»^۱ جواز تصرف حتی در مال یتیم در حد عرف تعیین فرموده است. ثانیاً بر حکومت اسلامی فرض است که نیازمند را بیابد و حقی که نیازمند در اموال دارد را به او مسترد کند. به عبارت دیگر بنابر آیه شریفه «وَفِيْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُوْمِ»^۲ این دریافت از حقوق سائل و محروم است. آیه شریفه «جَعَلَ فِيْهَا رِوَاسِيًّ مِّنْ فَوْقِهَا وَ قَدَّرَ فِيْهَا اَقْوَاتَهَا فِيْ اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ سَوَاءٍ لِّلسَّائِلِيْنَ»^۳ سائل را به مفهوم نیازمند به کار می بندد. در آیه شریفه دیگری در مورد انفاق صدقات می فرماید که از آن فقرایی است که خود را در راه خدا محصور کرده اند و استطاعت گذران

۱-سوره نساء آیه ۶.

۲-سوره ذاریات آیه ۱۹.

۳-سوره فصلت آیه ۱۰.

روی زمین را ندارد. از عفت، نادانان گمان می کنند که از اغنیا هستند. آنان را از

سیمایشان می شناسی، از مردم به اصرار چیزی درخواست نمی کنند.^۱

ب- روایات:

حضرت علی (ع) در فرمان به مالک اشتر می فرمایند: «هم اکنون ترا در این زمان به

تهیدستان و خانواده های پریشان خاطر وصیت می کنم: زنهار، زنهار! ای سردار نخعی

این طایفه را که قومی عاجز و مسکین هستند و همواره در احتیاج و بینوایی به سر

می برند از اندیشه به دور مدار. در میان درویشان مردمی یافت می شوند که با کمترین

نوایی قناعت کنند و همت بلند آنها به نیروی حیا مانع است که دست نیاز بر در

ثروتمندان دراز کنند و نیز گروهی که تکدی نمایند و به قیمت آبروی خویش نان به

دست آورند و شکم های گرسنه را بدین وسیله راضی سازند.^۲ در جای دیگری همین

فرمان خطاب به مالک اشتر می فرماید: «وظیفه تو خدمت به رعیت و انتظام امور ملت

است. نکند که ادای وظیفه در پیش تو صورتی دیگر گیرد که وادار شوی در مقابل

انجام تکلیف خود بر ملت ناز بفروشی و منت بگذاری. تو هر که هستی برای

مسلمانان افزون از خدمتگزاری نخواهی بود»^۳ با این شرح و تفصیل چه فرد همانند

نظام های بیمه ای فعلی از قبل چیزی به عنوان حق بیمه پرداخته باشد و چه نپرداخته

۴-سوره بقره آیه ۲۷۳

۱- فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر، روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱ صفحه ۴۵.

۲- همان، صفحه ۵۵.

باشد بر حکومت اسلامی فرض است که نیازهای مشروع وی را که در ذکر شد، تأمین

نماید. در ارتباط با وجوب تأمین این نیازها ذیلاً به مؤیداتی اشاره می شود.

۱- در مورد وظیفه تأمین نیازهای مالی افراد می توان به استناد آیه ۵۸ سوره توبه که

می فرماید: بعضی از آنها در تقسیم صدقات بر تو عیب می گیرند^۱، پرداخت صدقات

و تأمین نیازهای مالی افراد را از وظایف حکومت اسلامی دانست. آیات متعددی که در

مورد قرض الحسنه آمده است در اصل وجوب اباحه و استحباب وظیفه تأمین مالی

نیازمندان به قرض دهندگان حسنه رجوع شده است. در فرمان به مالک اشتر

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «آری کلیه نیازمندی ها و حوائج مردم بر خراج مملکت

تحمیل می شود. تو مبانی مالی را محکم کن تا رشته اقتصادی مصریان استوار باشد...

راستی وقتی که در کشوری نیازمندان و درویشان کمتر اوفتند و بازار زندگی رواج

باشد، حاجتی به تشکیلات مالیه نیست. ما مالیات را برای مردم می خواهیم. ما خراج

را می گیریم که به ارباب حاجت و بیچارگان برسانیم. آن موقع که همه ثروتمند و

توانگر باشند، چه نیازی به دریافت خراج خواهد داشت»^۲

۲- در ارتباط با تأمین نیاز به بهداشت و درمان می توان تمام مؤیدات ذکر شده در این

بخش را به نحوی تأویل بر وجوب تأمین از طرف حکومت اسلامی دانست. به هر

۱- همان، صفحه ۵۷.

۲- همان، صفحه ۳۹-۳۸.

حال همانطوری که هو الشافی است. خلیفه خدا نیز بر نمط اوست. از طرفی قاعده

التزامات و وعده الزام آور نیز این امر را تأیید می نماید.^۱

۳- در باب تأمین نیاز و سرپرستی افراد لازم
الحمايه حضرت امیرا مؤمنین می فرمایند: «مبادا
یکی از شما خویشاوند خویش را محتاج و نیازمند
ببیند و از پای نشیند.»^۲ مسلماً این وظیفه
عیناً به حکومت اسلامی نیز برمی گردد. در فرمان
مالك اشتر می فرمایند: «اي مالك مهربان باش! و
رعیت را به چشمی پرعاطفه و سینه ای لبریز از
محبت بنگر»^۳ و همچنین خطاب به مالك می فرماید:
«دستی بسوی دل شکستگان دراز کن و آن غمکده های
ویران را عمران نما و مرمت کن...»^۴ «خداوند
متعال تو و همه توانگران و ارباب نعیم دنیا را
به سرپرستی بینوایان سفارش فرمود که از حال
تهیدستان بی خبر نمانند، پس بر سفارش خدا قیام
کنید و میان به اجرای او امر پروردگار بندید»^۵
۴- در باب تأمین نیاز به کارگشایی حضرت به
مالك فرمود: «گره از کار رعیت بگشا».^۶
۵- در باب وظیفه مهیا نمودن شرایط مناسب برای
ادای رسوم و سنن پسندیده حضرت امیر فرمود: «اي

۱- همان، صفحه ۳۷

۲- همان، صفحه ۴۲

۳- همان، صفحه ۴۱

۴- همان، صفحه ۴۷

۵- همان، صفحه ۴۸

۶- همان، صفحه ۵۲

مالك از آن قوانین و آدابی که گذشتگان اسلام از خود باز گذاشته اند سرباز مزن و رعیت را هرگز در پیروی و تقلید از عادات پسندیده باز مدار»^۱.

۶- در باب تأمین نیاز به پوشش و البسه فقط به این حدیث اشاره می شود که *أَمَّا الْكِسْوَةُ فَعَلَيْ كُلِّ إِنْسَانٍ*^۲. در این باب در موضوع تأکید بر پوشیدن برهنگان اخبار زیادی موجود است و در باب کفارات زیاد از آن نام برده می شود.

به طور خلاصه بیمه هایی که جزو وظایف حکومت اسلامی است، شامل کلیه مواردی است که ذکر شد. حال بطور خلاصه به تعریف هر يك از بیمه ها می پردازیم. در تمام این بیمه ها بیمه گر حکومت اسلام است- گرچه بخش خصوصی نیز می توانند در قالب هایی که بعداً توضیح داده خواهد شد، بنگاه های بیمه ای در همه این موارد به صورت بیمه های تکمیلی تأسیس نمایند- و بیمه گزار کلیه افراد جامعه، و حق بیمه هم از محل مالیات های اسلامی تأمین می گردد. حدود و وسعت بیمه های زیر را عرف جامعه و معیارهای آن و منابع مالی حکومت اسلامی مشخص می نماید.

۱- بیمه مالی: تأمین منابع مالی برای نیازمندان- شامل ورشکستگان نیز می شود.

۱- همان، صفحه ۵۴

۲- همان، صفحه ۵۷

۲- بیمه مسکن: هیچ فردی نباید بی سرپناه باشد و بیمه مسکن موظف به تأمین حداقل سرپناه برای عموم افراد جامعه است. استعانت در تعمیر مسکن در این بیمه می‌گنجد.

۳- بیمه ازدواج: ایجاد شرایط مناسب برای ازدواج و ارائه تمهیدات و رفع موانع ازدواج افراد جامعه.

۴- بیمه شغل: هر کس حق دارد شغل داشته باشد و بیمه شغل موظف به کارگماردن افراد است. برخلاف بیمه بیکاری که پرداخت مالی می‌نماید، بیمه شغل فرد را شاغل می‌نماید.

۵- بیمه آموزش: هر کس که بخواهد تا هر درجه از آموزش، تعلیم و تربیت پیشرفت کند، بایست مربی و امکانات مناسب در اختیار وی قرار گیرد.

۶- بیمه درمان: کلیه آحاد جامعه هنگام بیماری بیمه درمانی هستند و تأمین شرایط بهداشتی برای آنان از وظایف این بیمه است.

۷- بیمه پرستاری: کلیه افراد ناتوان در این بیمه مشمول دریافت مراقبت و پرستاری هستند.

۸- بیمه سوانح: هر فردی در قبال بروز هر حادثه ای اعم از طبیعی و یا غیرطبیعی محق دریافت حمایت‌های خاص بیمه سوانح است.

۹- بیمه خوراک: بیمه خوراک چتر غذایی افراد جامعه است بطوری که هیچ فردی گرسنه نماند. براساس این بیمه باید حداقل خوراک برای افراد به سهولت قابل حصول باشد.

۱۰- بیمه دفاع: هر فرد حق اعتراض و تظلم و دفاع دارد و از این باب بیمه است. دادستانی در تعریف حقوق آن و ضابطین قضائی در نظام های امروزی در این حکم هستند.

۱۱- بیمه وکالت: استعانت به هر فرد در احقاق حقش از وظایف این بیمه است.

۱۲- بیمه ایتم: تأمین شرایط زیستی ایتم و صغار بدون سرپرست و حمایت از حقوق آنها وظیفه این بیمه می باشد.

۱۳- بیمه بازنشستگی و از کارافتادگی: افرادی که بدلیل کهولت سن یا نقص عضو یا بیدماری دائماً یا موقتاً توانایی کار و ادامه اشتغال ندارند، بیمه هستند.

۱۴- بیمه سرپرستی: سرپرستی کلیه افراد بی سرپرست، ساخوردگان، بیوگان، محجورین، سفهاء و امثال آن در تحت پوشش این بیمه است.

۱۵- بیمه کارگشایی: گشودن گره از کار ناتوانان در کلیه امور اجتماعی به عهده این بیمه می باشد.

۱۶- بیمه فرهنگی: استعانت و یاری به افراد ناتوان در حفظ آداب و سنن پسندیده خود به عهده این بیمه می باشد.

۱۷- بیمه پوشاک: برهنگی بر هیچ فرد روا نیست و تأمین حداقل پوشاک هر فرد بر عهده این بیمه است.

در روایات وارده از طرف ائمه معصومین (ع) نه تنها به مسأله تأمین اجتماعی مردم اشاره شد بلکه از باب ضمان قهری نیز جراحات و خسارات وارده را در بسیاری از موارد بیت المال و حاکم جامعه اسلامی را مسئول دانستند که مهمترین مصادیق آن بشرح ذیل می باشد:

۱- حضرت علی (ع) فرمودند: هر کس در ازدحام و شلوغی روز جمعه یا روز عرپی یا عید و یا بر روی پل کشته شود و قاتلش معلوم نشود، دیه اش از بیت المال لست.

۲- مرحوم صدوق از حسن بن محبوب از ابی اولاد از حضرت صادق (ع) روایت^۲ کرده است که بین اهل ذمه در جنایات شان از قبیل کشتن یا مجروح ساختن معاقله نیست [یعنی دیه جنایت های خطایی آنان بر عهده عاقله قرار نمی گیرد]. بلکه تنها از اموال خودشان گرفته می شود و اگر مالی نداشت جنایت بر امام مسلمانان بر می گردد زیرا آنان به او جزیه می دهند همان گونه که بوده به اربابش مالیات می دهد.

۳- علی بن ابراهیم از امام صادق (ع) نقل می کند: در هایشات، دیه و قصاص در کار نیست. هایشات، امور ترسناکی است که در شب و روز واقع می شود و در آن سري می شکنند یا کسی کشته می شود و معلوم نیست چه کسی کشته و یا سر او

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، جلد ۴، نشر دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱، ص ۱۴۱.

۲- همان، صفحه ۱۵۳

شکسته است و حضرت صادق (ع) در حدیث دیگری فرمود: چنین حادثه ای را نزد علی (ع) بردند و حضرت دیه اش را از بیت المال پرداخت کرد.

۴- مرحوم شیخ مفید می فرماید: قتل در محل های نماز جمعه، بر پل ها، مرزها و بازارها، اطراف حجرالاسود، در کعبه و زیارت گاههای ائمه اطهار (ع) قصاص ندارد و واجب است که از بیت المال به اولیای مقتول دیه پرداخت گردد و اگر ولی که دیه را می تواند بگیرد، نداشته باشد، دیه ای بر عهده بیت المال ندارد.^۱

۵- شیخ طوسی در همین رابطه فرموده است: کسی که در شلوغی روز جمعه یا روز عرفه یا بر جسد و نظایر آن یعنی مواضعی که در آن جا مردم ازدحام و شلوغی می کنند بمیرد و قاتلش معلوم نشود، دیه اش بر بیت المال است، به شرطی که خون خواهی برایش موجود باشد و اگر خون خواهی نداشت، دیه ای برایش نیست.^۲

۶- از حضرت باقر (ع) نقل شده است: اگر مجنون و دیوانه به شخص عاقلی حمله کند و او در حال دفاع از خود او را کشته است. قصاص و دیه ای به عهده اش نیست و دیه مجنون از بیت المال پرداخت می گردد.^۳

۱- شیخ مفید، المقنعه، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۷۴۱.

۲- شیخ طوسی، کتاب خلاف، جلد سوم، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۱، ص ۳۹۶.

۳- کلینی، الکافی، ج ۷، انتشارات دارالکتاب الاسلامیه، چاپ سوم، قم، ۱۴۰۹، ص ۳۵۵.

فقهای معاصر نیز این مسأله را در شکل وسیع مورد توجه قرار دادند حتی اگر در سرزمین اسلامی شخص کافری مسلمانی را به قتل بساند چون قضاوت به عدل بر حاکم مسلمانان واجب است چه نزاع و درگیری بین مسلمان باشد یا غیر مسلمان. لذا مسلمانی که به آنان تجاوز کرده موافق قوانین قضایی کیفر می بیند و حق به اهل کتابی که به او تجاوز شده بازگردانده می شود و در احکام پرداخت دیه مسلمان و غیر مسلمان یکسان است البته با فرقی که در اندازه دیه موجود است و هر زمانی که ذمی از پرداخت دیه در قتل خطایی مسلمان عاجز باشد دیه مسلمان از بیت المال پرداخت می شود^۱

همچنین با توجه به اینکه قرآن نگاه انسانی به انسان دارد و بدون اینکه عقیده ای یا گرایشی را در زمینه پیاده کردن عدالت و محکم سازی آن در میان مردم چه مسلمان و چه غیر مسلمان مورد توجه قرار دهد، روش پیامبر (ص) بر پایه همین دیدگاه استوار بود. ایشان یکی از یاران را به دلیل تجاوز به یک زن یهودی و زدن او مورد مواخذه قرار دادند. انصار یک نفر از خودشان را نزدیکی سرزمین یهود کشته یافتند و چون دو شاهد اقامه نکردند و راضی به قسم دادن یهود نیز نشدند

^۱ - تحریر الوسیله، جلد ۲، ص ۴۰۹

پیامبر مسئولیت این قتل را متوجه یهود نساخت ، بلکه دیه مقتول را از بیت المال

داد تنها به این دلیل که برابری در اجرای عدالت را تثبیت کند^۱.

یا در موردیکه طیب با تجربه که با رعایت احتیاط کامل مبادرت به عمل جراحی

می نماید و از این راه به بیمار جراحی و خسارت وارد می آید چون طیب از

باب قاعده احسان و و جوب معالجه اقدام نموده است دیه از بیت المال پرداخت

می شود .

از آنجائیکه دولت یکی از نهادهای نو ظهور بوده و قدمت و سابقه آن از نظر

تاریخی همزمان با بروز و ظهور دین مبین اسلام نمی باشد. بنابراین یافتن ریشه و

اساسی برای مسئولیت دولت به معنی امروزی آن در فقه اسلامی ، امر مشکلی می

باشد به گفته برخی از مؤلفین^۲ تنها موردیکه بر اساس آن می توان مسئولیت

دولت را پیدا کرد مربوط به خطا و اشتباه قضات و لزوم جبران آن از بیت المال

طبق احکام و موازین اسلامی می باشد با این توضیح که در فقه اسلام گفته اند که

در خطا الحاکم فی بیت المال^۲ یعنی ضرر و زیانی که در اثر خطا و اشتباه قاضی

حادث شود باید از بیت المال جبران گردد در این خصوص حضرت علی (ع)

^۱ - ابن هشام ، السیره النبویه ، ح ۲ ، ص ۲۰۷

^۲ محقق داماد مصطفی ، قواعد فقه (بخش جزایی) مرکز نشر علوم اسلامی ، چاپ دوم ، ص ۱۷۰

فرمودند: اگر قضات در خون و قطع خطا کنند، باید به وسیله بیت المال مسلمین (دولت) جبران شود.

گروهی دیگر از فقها^۱ حتی پرداخت دیه مجرمان فراری نیز را بر عهده بیت المال گذارده اند، در روایتی وارد شده هنگامی که معز بن مالک به اقرار، زناي خود را ثابت کرد و پیامبر دستور رجم وی را صادر نمود به هنگام رجم از حفره خارج شد و فرار کرد. او را تعقیب کرده و به قتل رساندند وقتی خبر به پیامبر (ص) رسید فرمود چرا او را رها نکردید، او خود اقرار کرده بود و با فرار از اقرار بازگشت سپس فرمود اگر علی (ع) در بین شما حاضر بود، شما گمراه نمی شدید، و سرانجام دیه وی را از بیت المال مسلمین پرداخت.

ج- قواعد فقهی

۱- قاعده لاضرر

قبل از بیان مفهوم قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» است به دو مطلب که در فهم آن مؤثر است اشاره کنیم. مطلب اول اینکه در بعضی از روایات ذکر شده، کلمه «فی الاسلام» نیز پس از لا ضرر و لا ضرار آمده است آیا قید مذکور در متن روایت واقعاً وجود داشته است به گونه ای که

^۱ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ابواب زنا، ب ۱۵.

اگر استظهار مطلبي متوقف بر وجود آن قيد بود به آن ملتزم شويم يا وجود اين قيد ثابت نيست. اگر چه برخي از فقهاء مانند ميرزاي نائيني بحث مذکور را خالي از فايده مي دانند اما حقيقت امر اينست که در مفاد و مفهوم حديث تأثير دارد زيرا «في الاسلام» از نظر نحوي جار و مجرور است و براي کامل شدن معنای آن بايد کلمه «موجود» مقدر باشد و مفهوم حديث اين خواهد شد که در اسلام ضرر وجود ندارد و طبعاً با نظريه اي که لا را نافيه مي داند و وجود حکم ضرري را نفی مي کند سازگارتر است و در صورتي که لا را ناهيه بدانيم معني اين مي شود «در اسلام به يکديگر ضرر نرسانيد» که طبعاً مفهوم روشني نيست. پس از بررسي و تحقيق در مورد سند و مفهوم روايات وارد در اين موضوع مي توان معتقد شد که چنين قيدي مربوط به خود روايت نيست زيرا قيد مزبور فقط در چند حديث مرسل آمده است و برخي از آنها بدون قيد نيز روايت شده است و احتمال دارد ناقل حديث آنها افزوده باشد. مطلب دوم اينکه آيا جمله «لاضرر و لا ضرر» فقط در قضيه سمره وارد شده است يا مستقلاً نيز ذکر شده است؟ در حديث شفعه و منع الماء نيز جمله مزبور ذکر گرديده است اما قرآين زيادي وجود دارد که در اين دو مورد حديث لا ضرر به آنها اضافه شده است، فايده بحث مزبور در اينست که اگر ثابت شود در ذيل دو حديث فوق نيز جمله لا ضرر و لا ضرار

وجود دارد در اینصورت لاضرر به معنی نفی خواهد بود و استفاده نهي از آن مناسبتی ندارد.^۱ با نتیجه ای که از دو مقدمه فوق گرفتیم مبني بر اینکه قید «في الاسلام» جزء روایت نیست و همچنین احتمال اینکه در غیر قضیه سمره نیز آمده باشد ضعیف است می پردازیم به اصل مطلب و بیان مفهوم لاضرر.

الف- معنی ضرر و ضرار

۱- کلمه ضرر- یکی از راه های شناخت مفاهیم شناخت آنها از راه ضدشان است. در مورد معنی ضرر برخی از لغویین تعبیر نموده اند به «خلاف النفع»^۲ و بعضی به «نقصان در حق»^۳ و گروهی به «نقص و قصور در اعیان»^۴ اما ظاهراً اختلاف در تعبیر ناشی از وضوح معنی کلمه است نه اختلاف در معنی، بنابراین بر فرض که سخن اهل لغت حجت و دلیل باشد در مواردی رجوع به آن می کنیم که معنی روشن نباشد و از باب مراجعه جاهل به دانا کلامش را معتبر بدانیم اما در خصوص این موارد باید به برداشت عرفی آن توجه نمود. با توجه به موارد استعمال کلمه ضرر در عرف می توان گفت: در هر جا که نقص در

۱- مکارم شیرازی، ناصر، قواعد الفقیه، جلد ۲، انتشارات مدرسه الامام امیرالمومنین، قم، ۱۴۱۳؛ ص ۱۹۵.

۲- فارابی، الجوهری، صحاح اللغة، جلد دوم، انتشارات دارالحضاره العربیه، دمشق، ۱۴۰۲، ص ۷۱۹.

۳- مشکینی، علی، مصباح المنیر، جلد دوم، نشر الهادی، قم، ۱۳۷۶، ص ۶.

۴- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، جلد اول، تهران، ۱۳۶۵، ص ۲۶۳.

اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست
برود یا به سلامت و حیثیت شخصی لطمه وارد
شود ضرر تحقق یافته است.^۱

۲- کلمه ضرار- ابن اثیر به چند قول در این
باره اشاره می کند:

الف) ضرر عمل یکنفر است و ضرار در صورتی است
که ورود ضرر دو جانبه باشد و به یکدیگر خسارت
وارد نمایند.

ب) ضرر یعنی شروع به ایجاد زیان در حالیکه ضرار
یعنی مجازات نمودن ضرر زننده با ایراد ضرر به
او.^۲

ج) ضرر در مواردی است که شخص به دیگری ضرر می
رساند تا خودش بهره مند شود و ضرار در مواردی
است که با ضرر رسانیدن به دیگری نفعی عاید او
نشود.

د) هر دو به يك معنی هستند و تکرار بوا سطره
تأکید است.

ه) ضرر به مفهوم ایراد زبان به غیر است بصورت
عمد یا غیرعمد اما ضرار فقط شامل عمدي می شود.

و) ضرر به معنای ایجاد خسارت مالی و جانی است و
ضرار یعنی در سختی و حرج قرار دادن دیگران
بررسی احتمالات فوق- مبنای احتمال اول سخن
معروفی است که گفته می شود اصل در باب مفاعله
اینست که طرفینی باشد ولی با توجه به اینکه در

۱- دکتر ناصر کاتوزیان، ضمان قهری، ج ۱، ش ۸۹،

۲- علی حیدری، شرح مجله الاحکام، ج ۱، ص ۳۲

موارد زیادی از جمله در قرآن کریم ضرار در مورد ضرر دو جانبه بکار نرفته ایت این احتمال قابل پذیرش نیست.

۳- نفي ضرر غير متدارك

طبق این نظریه آنچه نفي شده یکی از صفات و ویژگی های ضرر می باشد یعنی «عدم تدارك ضرر» نفي گردیده است. این قول مختار فاضل تونی است.^۱ توضیح آن چنین است: ضرري که مورد نفي قرار گرفته است یکی از سه امر خواهد بود.

۱- هر نقص و زیانی چه در خارج تدارك و جبران شده باشد و یا حکم به جبران آن داده شده باشد و یا نه جبران شده و نه به حکم به جبران آن داده شده باشد.

۲- آنچه نفي شده ضرري است که جبران نشده زیرا در غیر اینصورت ضرر صدق نمی کند، کسی که به مقدار خسارت وارده غرامت دریافت نموده از نظر عرفی زیان دیده محسوب نمی شود. اگر بوسیله «لاضرر» ضرري که در خارج جبران نشود نفي شده باشد معنایش اینست که هر ضرري باید جبران گردد.

۳- احتمال سوم اینست که منظور ضرري باشد که قانون و شرع حکم به لزوم جبران آن نداده باشد یعنی ضرري که از نظر شارع محکوم به تدارك نیست

۱- فاضل تونی، الوافیه، چاپ مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ص ۱۹۴.

وجود ندارد و هر گونه ضرری از نظر شارع محکوم به جبران است. بنابراین می توان ادعا کرد که گویا اصلاً ضرری وجود ندارد و ضرری که شرعاً لازم باشد جبران شود ضرر نیست و برای نفي ضرر لازم نیست حتماً در عالم خارج جبران شده باشد. از این معانی سه گانه معنی اول نمی تواند مورد نظر باشد زیرا طبق آن مراد از ضرر هر ضرری شد اعم از جبران شده و نشده بدیهی است که در خارج ضرر وجود دارد و قابل نفي نیست اما معنی دوم نیز نمی تواند مراد باشد زیرا همه ضررها در خارج جبران نمی شود تا ضرر به معنی «هیچ جبران نشده ای در خارج وجود ندارد» صحیح باشد. بنابراین معنی سوم مورد نظر خواهد بود و نتیجه این می شود که از نظر شارع ضرری که محکوم به جبران نباشد وجود ندارد و هر ضرری باید جبران گردد. شاید بتوان از این نظریه استفاده کرد که در صورت مشخص نبودن فاعل ضرر یا در مورد بلائی طبیعی جبران خسارت بر عهده حکومت اسلامی باشد.

۲- قاعده تسبیب: تسبیب در مقابل مباشرت آمده است و

به این معنا است که عامل مستقیماً موجب ورود خسارت نمی شود.^۱ بلکه سبب ایجاد آنرا فراهم می سازد و اگر آن سبب سازی و تهیه مقدمات نبود حادثه وقوع پیدا نمی کرد تسبیب هم با فعل و هم؛ ترك فعل ایجاد و در همان ابتدا احتمال وقوع

۱- قیاسی، جلال الدین، تسبیب در قوانین کیفری، انتشارات دیدار، تهران، ۱۳۷۷. چاپ اول ص ۹

ضرر مالی یا جانی در آن دیده می شود که این قاعده نیز می تواند بعنوان یکی از مبانی مسئولیت مدنی دولت قرار گیرد مثلاً راننده ای که با سرعت مطمئنه و رعایت مقررات رانندگی بر اثر سهل انگاری دولت در نصب علائم ایمنی و هشدار دهنده در کنار جاده یا عدم نصب چراغ روشنایی در جاده منجر به سقوط اتومبیل به دره گردد کارشناس نیز علت تامه واژگونی را عدم نصب علائم هشدار دهنده ذکر نماید. بدیهی است دولت طبق این قاعده مسئولیت مدنی دارد. یا در جایی که بر اثر تصویب قوانین و مقررات نادرست و دست و پاگیر موجب گسترش فقر و بیکاری در سطح جامعه می گردد و از این بابت عده ای زیان می بینند و یا از کار بیکار می گردند دولت به عنوان حاکم اسلامی مکلف است از منبع صدقات و زکات و حتی فروش اموال متعلق به همه مردم مانند نفت در صددی را جهت این گونه موارد و جبران زیان افراد جامعه تخصیص یا افراد جامعه را در مقابل اینگونه پیامدهای اجتماعی بدمه نماید از آنجا که نهادهای دولتی در عصر حاضر بیشتر و شفاف تر در شکل اشخاص خصوصی در عرصه های اجتماعی و اقتصادی ظاهر می شوند ناگزیر فعالیت های گوناگون آنان زیان های مختلف به شهروندان وارد می سازد که ضرورت جبران آن هر روز بیشتر از روز قبل احساس می شود و دولت به بهانه های گوناگون به قلمروی تجارت و بازرگانی وارد شده و در این

صورت قلمرویی را که اختصاص به بخش خصوصی دارد، تصدی می‌کند بنابراین در هنگام اجرای قانون و ارائه خدمات چنانچه ضرر و زیان به کسی وارد شود، دولت باید آنرا جبران کند. مانند لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک مورد نیاز برای اجرای طرح های عمومی و عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ که به موجب آن دولت ملزم شده است در مقابل تملک اموال اشخاص خصوصی که از اعمال حاکمیت ناشی می‌شود، بهای آنرا به زیان دیده بپردازد و به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی اعمال حاکمیت، موجب معافیت دولت از پرداخت خسارت نیست حقوق متقابل دولت و مردم در بخش اقتصادی و ارائه خدمات و کالا نیز همانند روابط در حقوق خصوصی و روابط متقابل اشخاص حقیقی مطرح است. در این رابطه اصل بر تساوی افراد در مقابل دولت است پس از باب تسبیب، قصور حکومت در ایجاد نظم و عدالت اجتماعی نیز قابل بررسی است چرا که از مهم ترین وظایف حکومت ها برقراری نظم و امنیت است، زیرا امنیت لازمه تمامی فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، و ... است حکومت دینی نیز از چنین قاعده ای مستثنی نیست بر حکومت است که ارتکاب قتل ها و وقوع درگیری ها را به حداقل ممکن کاهش دهد.^۱ و اصولاً زمینه های بروز آنرا از

۱- شمس الدین، مهدی، نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه مرتضی آیت الله زاده، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۴۲

بین ببرد حال اگر حکومت در این امر توفیق نیافت باید دیه مقتول را بپردازد تا خسارتی که از طریق سهل انگاری حکومت به خانواده مقتول وارد شده است، جبران گردد. در مورد این مبنا مستند آن سیره عقلا است باید گفت که هر گاه بتوان قصوری را به دولت نسبت داد قطعاً دولت باید از عهده جبران خسارت برآید، مانند جایی که در اثر عدم رعایت جوانب احتیاط، قاتل از دست مأموران فرار کند. در چنین مواردی هر گاه قاتل مالی نداشته باشد بیت المال باید دیه مقتول را بپردازد زیرا در نگهداری قاتل سهل انگاری کرده است.^۱

۳- قاعده من له الغنم فعليه الغرم؛ طبق این قاعده هر کس

که از وسیله ای نفع می برد باید جوابگویی خسارات و زیان های وارده ناشی از آن نیز باشد و به طور خلاصه می گویند الغرم بالغنم^۲. عقل ایجاب می کند که منتفع مال، مخارج آنرا عهده دار گردد؛ به طریق اولی این حکم به خسارات ناشی از مال نیز تسری پیدا می کند.

یکی از ارزشهای نو در این موضوع، توزیع عادلانه خسارت است. از دیرباز همه نظام های حقوقی درباره توزیع عادلانه ثروت و مشاغل و مزا یا سخن گفته اند: از سطو عدالت را به

^۱ - www.daneshva.computer.com/magtoc.asp?

^۲ www.farsbar.ir/ph18k2.php

معاوضی و توزیعی تقسیم می کند. معاوضی عدالتی است که خود به خود در معاملات ایجاد می شود و احتیاج به کنترل خارجی ندارد ولی عدالت توزیعی عدالتی است که بوسیله مقام های عمومی و دولتی در توزیع مشاغل و مزایا و مناصب به کار می رود. مثلاً دولت اسلامی مالیات بر درآمد می گیرند یا مالیات خرید و فروش یا بیمه رایگان برای تأمین اجتماعی افراد تهیدست تهیه می کنند اما نه ارسطو و پیروانش و نه سایر حکما تا سال های اخیر از توزیع عادلانه خسارت بحث نمی کردند همه از توزیع مشاغل و ثروت و مناصب سخن می گفتند در حقوق رم و اسلام تقابل بین منفعت و ضرر به ذهن می آید و اعتقاد به ضرر ناشی از منفعت در بعضی متون دیده می شود (من له الغنم فعلیه الغرم) مبنای فلسفه توزیع عادلانه خسارات این است که اگر همبستگی اجتماعی و ارتباط مردم در جامعه اقتضاء می کند که مشاغل و مناصب عادلانه تقسیم شود. این اقتضا را هم دارد که بدبختی ها نیز عادلانه تقسیم شود. گاهی زیان و خسارات وارده نتیجه نادرستی بافت های اجتماعی و چگونه ساختار حقوقی و اقتصادی و تجهیزاتی دولت است. چندان که فرد در آن محیط نمی تواند نقش سازنده داشته باشد و این اضطرار را هر کس در وجدان خود احساس می کند و می فهمد که نقص کار را به هیچ فرد خاصی نمی توان منسوب کرد. چنین فرآیندی است که دولت به عنوان شخص حقوقی مسئولیت مدنی

پیدا می کند لذا بر طبق این قاعده نه تنها دولت مسئولیت خسارات ناشی از لوازم، دستگاهها و کارمندان خود را بر عهده دارد، بلکه در مواردیکه هم عامل ورود خسارت و زیان مشخص و معلوم نیست و به دلیل وظیفه حاکم و بیت المال در جمع آوری مالیات و در دست داشتن منابع عمومی و زکوه مکلف است مردم را در مقابل اینگونه حوادث و سوانح حمایت نماید.^۱ بنابراین در مواردی از قبیل موردی که در قتل شبه خطا، قاتل توان مالی برای پرداخت دیه را نداشت یا در قتل خطایی، قاتل عاقله نداشت یا عاقله توان مالی نداشت و بیمه هم نبود روایات ما در این موارد و نمونه های مشابه آن، دیه را به عهده امام مسلمانان می اندازد و اوست که باید این قبیل دیه ها را پرداخت کند و اعتبار عقلي نیز این مسأله را تأیید می کند زیرا که (من له الغنم فعليه الغرم) کسی که غنیمت ها، مال های بی صاحب، اموال بدون وارث و... از آن اوست و باید هزینه هایی که دهنده آن مشخص نیست یا بدهکار توان پرداخت آنرا ندارد، بپذیرد^۲ و پرداخت کند لذا به دلیل ارزش خون مسلمان (لا یطل دم امری و مسلم) فقیر بودن قاتل یا مشخص نبودن وی یا فرار کردن و در دسترس نبودن او یا بیمه نبودن عامل ورود زیان و خسارت یا بیمه

^۱- www.dadgostary.ir

^۲- www.qudsdaily.com

نبودن قاتل یا مقتول، از آن ارزش نمی‌کاهد و این یکی از وجوه امتیاز حقوق اسلامی از حقوق بین‌المللی و جهانی است.^۱

۴- قاعده: الحاکم ولی الممتنع

این قاعده شامل مواردی می‌شود که شخص مسئول از انجام تعهد خود ممانعت ورزد و خودداری کند و حاکم یا قاضی به استناد این قاعده نامبرده را اجبار و در صورت عدم تأثیر این تعهد را انجام دهد خواه این تعهد مالی باشد یا غیر مالی. خواه منبع آن قرارداد و عقد باشد یا ضمان قهری و غیرقراردادی^۲ پس در جائیکه عامل ورود خسارت و زیان فرار کند و در واقع از انجام تعهد قانونی و اخلاقی خود ممانعت بورزد و اجبار وی نیز ممکن نباشد حاکم اسلامی به عنوان مسئول دولت و مسئول پرداخت از بیت المال مکلف به پرداخت خسارت می‌باشد مثلاً موردی که شخصی به قتل برسد و قاتل فرار کند و به وی دسترسی نباشد و مالی از وی در دسترس نباشد و نوبت به پرداخت دیه برسد چون امکان اجبار عامل ورود زیان وجود ندارد و شخص ضرر زننده در واقع قصد انجام تعهد خود را ندارد. حکومت اسلامی نقش جبران‌کننده زیان را برعهده دارد. همچنین در مواردی که چند نفر بصورت جمعی به عنوان عامل ورود زیان

^۱ - article.irab.com

^۲ - www.magiran.com/view.asp?

خواننده قرار می گیرند و علم اجمالی نسبت به اینکه سبب واقعی در میان آن جمع است و جود دارد. اما نمی توانیم شخص خاصی را عامل و مقصر بدانیم در اینجا نیز به عنوان راه حل نهایی در فقه، اعمال ولایت حاکم شرع در صورتی که قاضی نتواند خوانندگان را به مصالحه دعوت کند به عنوان یکی از راه حل های نهایی استناد به ولایت قاضی شرع است که بر این اساس، وی می تواند حکم به جبران خسارت های وارد شده کند. در این صورت؛ او می تواند برای جلوگیری از هرج و مرج به منظور فصل خصومت، با فرض مسئولیت مشترك برای خوانندگان، هر يك را مسئول جبران نسبی و مساوی از خسارت تلقی کند^۱ از جمله این موارد که حاکم از باب ولایت خویش دخالت و تصرف می کند، مانند ولایت او در مال امام (ع) و ترکه کسی که وارث ندارد. ولایت در اجرای حدود و در قضاوت کردن میان مردم، در اخذ مقاصه از مال شخص غایب و... . فقها در این گونه موارد، به عمومیت ادله ای که دال بر ولایت حاکم شرع است استناد می کنند در این صورت، اخذ غرامت از مظنونان احتمالی در مسأله مورد بررسی، می تواند یکی از اقدامات حاکم شرع جهت اجرای حکم لزوم جبران خسارت باشد.

^۱ - www.hawzah.net/Article-Aspx?

یکی دیگر از مواردی که مرتبط با قاعده ولایت حاکم می باشد قاعده «الحاکم ولی من لا ولی له» است به موجب این قاعده در مواردی همچون موردیکه شخص صغیر ولی ندارد یا فاقد قیم است یا مواردی چون موردیکه مجنون یا سفیه و محجور فاقد ولی و قیم است از باب حفظ حقوق محجورین و صغار دولت و حکومت اسلامی مسئول است وظیفه حکومت اسلامی در تأمین ولی برای ضعیف از آیه شریفه^۱ «فأما الیتیم فلا تقهر» به وضوح پیدا است همچنین روایت منقول از رسول اکرم (ص):^۲ «من از هر مسلمانی اولی به نفس اویم، کسی که مالی به ارث نهاد برای ورثه اش خواهد بود و اگر دین یا فرزند صغیری باقی گذاشت من عهده دار آن هستم. بنابراین ولایت بر ضعیف در صورت عدم وجود ولی و وصی بر عهده حاکم اسلامی است و حتی در صورت بلوغ صغیر و عارض شدن حجر، ولایت از آن حاکم اسلامی است.^۳ چون با بلوغ ولایت ولی منتفی می شود و با حجر مجدد، دیگر این ولایت برقرار نمی گردد و حاکم در واقع به عنوان ولی عام، ولایت خود را اعمال می کند.

هرگاه دولتی در وظایفی که به موجب قانون در قبال محجورین بر عهده دارد مانند نصب قیم کوتاهی می کند و بدین سبب شخص مجنون یا صغیر

۱- سوره الضحی آیه ۹.

۲- قرضاوی، یوسف، الحلال و الحرام فی الاسلام، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، جلد ۱ صفحه ۴۲۵.

۳- امینی، علیرضا، تحریر الروضه فی شرح اللعمه، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۳۳.

زیانی به دیگری وارد کند می توان دولت را از باب اینکه سبب اقوی از مباشر است مسئول دانست.^۱ و هرگاه خسارات وارده ناشی از تقصیر کارمند دولت (مانند دادستان یا جانشین او) باشد مسئولیت بر عهده شخص او خواهد بود. بنابراین چنانچه شخص صغیر یا مجنون مانند کودکانی که ولی آنها قابل شناسایی نیست مانند کودکان خیابانی که در تمام نقاط ایران و به خصوص شهرهای بزرگ حضور دارند مرتکب فعلی گردند که موجب ورود خسارت به شخص یا اشخاص دیگری گردند به لحاظ لزوم جبران هرگونه خسارت حاکم و به معنای دیگر دولت طبق قاعده «الحاکم ولی من لا ولی له» مکلف است با اختصاص بودجه از ردیف درآمدهای عمومی، تشکیل صندوق های خاص بیمه ای نه تنها وظیفه حمایتی خود را در قبال دفاع از حقوق شهروندان و به خصوص افراد صغیر و مجنون را به نحو احسن انجام دهد بلکه چنانچه افعال زیان بار آنها نیز موجب خسارت گردید و مجبور فاقد ولی یا اموال بود دولت به عنوان ولی عام وارد عمل شده و وظایف حمایتی خود را نسبت به اقدشار آسیب پذیر جامعه انجام دهد بنابراین و با توجه به موازین شرعی و قانونی در موارد قتل عمد، هرگاه مقتول فاقد ولی باشد مطابق قاعده فقهی (الامام ولی من لا وارث له) اگر مجنی

۱- صفایی، سیدحسین، حقوق مدنی، (اشخاص و محجورین) انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۲۰.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooen.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

علیه مجور ولي نداشته باشد و يا شناخته نشود و
يا به او دسترسى نباشد، ولي دم او ولي امر مسلمين
است و رئيس قوه قضائيه با استيذان از ولي امر
و تفويض اختيار به دادستان هاي مربوطه، نسبت
به تعقيب مجرم و تقاضاي قصاص يا ديه حسب مورد
اقدام مي نمايند.^۱

^۱ - moshaver.dostan.blogfa.com/85lo.aspx

د- مسئولیت دولت در قانون مجازات اسلامی و قوانین متفرقه

هر چند قانون مجازات اسلامی عهده دار بیان جرائم و مجازاتهاست، ولی پاره‌ای از مواد آن بر مسئولیت مدنی دولت دلالت دارد که به ذکر آنها می‌پردازیم:

۳-۱- ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی - این ماده، با اندک تغییری تکرار اصل ۱۷۱ قانون اساسی است که با صراحت مسئولیت مدنی دولت را بیان داشته مقرر می‌دارد:

«هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت به وسیله دولت جبران هم شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت اقدام شود.

در این ماده جبران خسارت ناشی از تقصیر قاضی به عهده خود وی گزاده شده، ولی در صورتی که قاضی مرتکب اشتباهی شود و در نتیجه آن خسارتی به کسی وارد شود، خسارت به وسیله دولت جبران می‌گردد.

نکته مهمی که ذکر آن لازم است عبارت از معیار و نحوه تشخیص تقصیر قاضی است که در نتیجه آن مسئولیت از دولت رفع می‌شود و شخص قاضی عهده دار آن می‌گردد که به نظر می‌رسد باید ضرورت‌های ناشی از این حرفه مهم را از یاد نبرد و خطاهایی را که حتی دقیق‌ترین مردم نیز ممکن است در این مقام مرتکب شوند به خاطر داشت

و به رفتار یک دادرس متعارف توجه نمود. بدین ترتیب دادرس زمانی مسئول شمرده می شود و باید از عهد جبران خسارت برآید که به عمد باعث ضرر شود یا بتوان مسامحه و تفریطی را به او نسبت داد و در حقیقت رفتار او با رفتار یک دادرس متعارف و با دقت فاصله بگیرد، ولیکن خطاها و اشتباهات قضائی در زمره لغزش های احتراز ناپایدار است که قاضی را در ازای آن مسئول دانستن با ضرورت های این شغل مهم و پرخطر سازگار به نظر نمی رسد و از اینرو دولت مسئولیت آنرا عهده دار است. گذشته از ماده ۵۸ که دلالت آن صریح بوده و نیازمند مقدمه آیی نیست مواد ۳۳۲، ۲۵۵، ۳۱۲ قانون مجازات اسلامی نیز با این فرض که دیه مسئولیت مدنی است می تواند دلیلی بر مسئولیت مدنی، دولت تلقی گردد. بدیهی است بر اساس اندیشه «مجازات بودن دیه» بموجب مواد مذکور دولت به عنوان کیفر در مواردی دیه می پردازد که چندان معقول نمی نماید ولی پاره ای از اندیشمندان مسلمان دیه را مسئولیت مالی دانسته و به روایات باب دیات استناد ورزیده اند^۱

چه آنکه در روایات موجود ذکری از دیه به عنوان مجازات مطرح نشده است بلکه از آنها استفاده می شود که دیه برای جبران ضرر و زیانهای بدنی تعیین گردیده است به اضافه در روایات، دیه در مقابل «ارش» قرار گرفته است و از طرفی از روایات دیگر استفاده می شود که «ارش» برای جبران ضرر و زیانهای وارده بر بدن، برای جایی که

^۱ - حرعاملی، شیخ محمد بن الحسن، الوسائل الشیعه، ج ۱۹، صص ۱۸۲-۱۸۱.

دیه تعیین نشده در نظر گرفته شده است و از این قرینه می توان چنین استفاده نمود .

که همانطور که «ارش» یک نوع جبران خسارت و ضرر بدنی محسوب می شود ، دیه

نیز که در برابر آن قرار گرفته است باید مانند آن یک نوع جبران خسارت باشد^۱

همچنین می توان دلایل زیر را تقویت کننده اندیشه‌ای دانست که دیه را مسئولیت

مدنی محسوب می کند و نه کیفری :

(۱) اصل شخصی بودن مجازاتها از افتخارات حقوق اسلام است که قرن‌ها بیشتر از

سیستم های جدید حقوقی آن را شناخته و تبیین کرده است و اگر دیه را مجازات

بدانیم ، دیه عاقله مورد نقضی بر اصل مزبور بشمار می آید

(۲) مجازاتهای اسلامی همواره در مقابل معصیت و جرم عمدی است و حال آنکه دیه

در اغلب موارد در مقابل افعال خطائی یا شبه عمد است ، آیا می توان پذیرفت اسلام

شخصی را بر فعلی مجازات کند . که قصد ارتکاب آن را نداشته است ؟

(۳) در روایات برای حیوانی چون سگ دیه مقرر گردیده است^۲ در حالی که بدون

تردید کشتن سگ هر چند دارای منفعت عقلائی و مشروع باشد ، مجازات ندارد ، از

این رو مقصود از دیه جبران خسارت است نه مجازات، فقیه نامدار امامیه شیخ انصاری

^۱- مرعشی ، آیت الله محمد حسن ، فصلنامه حقوقی دادگستری ۱۷، ص ۱۴ .

^۲- البحر العاملی ، الشیخ محمد بن الحسن ، بیسین، ص ۱۶۷

در توجیه تقدیر دیه سگ احتمال داده است که دیه از باب تعیین غرامت و پرداخت خسارت به جهت تقویت چیزی که مورد انتفاع است^۱ باشد .

ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی که دیه را تعریف می نماید تصریح دارد که دیه « مالی » است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است این تعریف نسبت به تعریف قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ واقع گرایانه بر و دقیق تر است. زیرا ماده ۱۰ قانون مذکور دیات را به جزای مالی که از طرف شارع برای جرم تعیین شده، تعریف کرده بود . بنابراین می توان گفت که نظر قانونگذار گرایش به خسارت و غرامت بودن دیه است ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی دیه را « مالی » دانسته است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی او یا اولیاء دم او داده می شود ماده ۳۱۱ قانون مجازات اسلامی به صراحت دیه را خسارت دانسته است .

در برخی موارد پرداخت دیه بعهدۀ عاقله است (ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی) عاقله نیز یک شخص معین نیست و عموماً گروهی از افراد است (ماده ۳۰۷) بنابراین می توان عاقله را به شخص حقوقی تشبیه کرد که ممکن است از یک یا چند نفر تشکیل شده باشد ، و قانونگذار این نهاد را مسئول دانسته است و آنرا به عنوان طرف حق و تکلیف به رسمیت شناخته است (ماده ۳۱۴ همان قانون)

۱- انصاری ، شیخ مرتضی ، کتاب المکاسب ، انتشارات علامه ، ص ۷

اگر جانی در عمد و شبه عمد که دیه به عهده خودش است فرار کند ، دیه از مال او گرفته می شود اما اگر اموالی نداشته باشد از بستگان نزدیک او با رعایت الاقرب فالاقرب گرفته می شود. می دانیم که معمولاً بستگان متشکل از چند نفر می باشد و یک فرد خاص نیست و عموماً «گروه» می باشند بنابراین قانونگذار گروه را مسئول دانسته است .

در برخی موارد نیز دیه بعهدہ بیت المال می باشد (مواد ۳۱۲ و ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی) شکی نیست که بیت المال در بسیاری از موارد دارای حق و تکلیف شناخته شده است و بیت المال نیز یک شخص نیست بلکه نهاد حقوقی است که می توان گفت متعلق به همه جامعه است، النهایه دولت عهده دار اداره آن می باشد و می توان گفت شخصیت حقوقی (به مفهوم عام آن) است که دارای اوصاف و ویژگیهای خاص خود می باشد و از اجزاء مختلفی (که خود نیز شخص حقوقی می باشند) تشکیل شده است .

طبق تبصره ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی با عقد ضمان جریره، طرف عقد، عهده دار دیه طرف دیگر می شود ، بدون اینکه از نظر کیفری مبنایی برای مسئولیت وی وجود داشته باشد بنابراین می توان از این امر ملاک گرفت و در مورد اشخاص حقوقی نیز طبق اساسنامه و قرارداد بوجود می آیند . این اشخاص نیز می توانند

اینگونه مسئولیت ها را به عهده گیرند و مانع عقلی و منطقی و اصولی برای آن وجود ندارد .

طبق قانون مجازات اسلامی در مورد دیه، کودک و دیوانه هم مسئول شناخته شده‌اند، دقیقاً مانند مسئولیت مدنی، که جبران خسارت (پرداخت دیه) از اموال آنان بعهدہ ولی آنها می باشد

قانونگذار در کتاب دیات حکم بسیاری از خسارات را بر اموال و حیوانات را همراه با آسیب و تلف جانی ذکر کرده است و احکام مشابهی برای آن در نظر گرفته است ، این امر مشابهت کامل دیه با جبران خسارت را می رساند و عملاً قانونگذار آن را مسئولیت مدنی تلقی کرده است بنابراین چه شخص حقیقی و چه شخص حقوقی این مسئولیت را بپذیرد و مسول شناخته شود هیچ مانع قانونی ندارد ، مهم این است که مسئولیت به چه شخص قابل انتساب باشد

ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی به صراحت دیه را در ردیف ، عین و مثل و قیمت اموال و ضرر و زیان ناشی از جرم قرار داده است و اصولاً قانونگذار محکومیت به پرداخت دیه را محکومیت کیفری تلقی می نماید و تصریح کرده در کلیه مواردی که محکوم علیه علاوه بر محکومیت کیفری به رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع

نماید در صورت تقاضای محکوم له دادگاه با فروش اموال محکوم علیه بجز مستثنیات دین حکم را اجراء یا استیفاء حقوق محکوم له ، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود.

چنانچه محکوم علیه مدعی اعسارشود تا صدور حکم اعسار و یا پرداخت به صورت تقسیط بازداشت ادامه خواهد داشت در حالی که ماده ۱۳۹ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ هیچ ذکری از دیه نکرده بود ، بنابراین شکی در تغلیب جنبه خسارتی دیه و امکان اعمال بسیاری از قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی نیست به آن وجود ندارد.

ماده ۲ قانون نحوه اجراء محکومیتهای مالی مصوب سال ۱۳۷۷ نیز در حکمی مشابه مقرر کرده است هرکس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود ، چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تا دیه ننماید دادگاه او را الزام به تادیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آنرا ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفاء می نماید و در غیر اینصورت بنابه تقاضی محکوم له ، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تادیه حبس خواهد کرد. ماده ۱۷ آئین نامه اجرائی این قانون نیز در بیان جزئیات چگونگی اجراء احکام مالی، مقرر نموده است: الزام به تادیه محکومیتهای مالی موضوع ماده ۲ قانون مستلزم صدور اجرائیه مطابق قانون اجراء احکام مدنی است به جز محکومیتهایی که به تبع امر کیفری بدون تقدیم دادخواست حاصل شده که در این صورت دستور مرجع صادر کننده حکم به منزله الزام به تادیه است

۲- قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب

۷۳/۱۰/۱۸ تصریح کرده است «چنانچه مأمورین مسلح که مجاز بکارگیری سلاح می

باشند و طبق مقررات مربوطه اقدام به تیراندازی نموده باشند .

و در اثر این تیراندازی شخص یا اشخاص بی گناهی مجروح یا به قتل برسند، شخص

مباشر، هیچ مسئولیتی نداشته، سازمان متبوع آنها مسئول خواهند بود و در اثر این

تیراندازی شخص یا اشخاص بیگناهی مجروح یا به قتل برسند ، شخص مباشر هیچ

مسئولیتی نداشته، سازمان متبوع آنها مسئول خواهند بود»، ماده ۱۳ این قانون مقرر کرده

است «در صورتیکه مأمورین با رعایت مقررات این قانون سلاح بکار گیرند . و در

نتیجه طبق آراء محاکم صالحه شخص یا اشخاص بی گناهی مقتول یا مجروح شده یا

خسارات مالی بر آنان وارد گردیده باشد ، پرداخت دیه و جبران خسارات بر عهده

سازمان مربوطه خواهد بود دولت مکلف است همه ساله بودجه‌ای را به این منظور

اختصاص داده و حسب مورد در اختیار نیروهای مسلح قرار دهد. »

تبصره :

مفاد این ماده در مورد کسانی هم که قبل از تصویب این قانون مرتکب اعمال مذکور

شده اند جاری است ماده یک قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۸۲/۱۰/۹

دارای حکم مشابه می باشد ، متن ماده مذکور چنین است: « هر نظامی که در حین

خدمت یا مأموریت بر خلاف مقررات و ضوابط عمداً مبادرت به تیراندازی می نماید .

علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم می شود و در صورتی که منجر به قتل یا جرح شود علاوه بر مجازات مذکور حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می گردد و چنانچه از مصادیق مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵/۳/۲ باشد به مجازات مندرج در موارد مذکور محکوم خواهد شد.»

تبصره ۱: چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از مجازات پرداخت دیه و خسارت معاف خواهد بود و اگر مقتول یا مجروح مقصر نبوده و بی گناه باشد دیه از بیت المال پرداخت خواهد شد .

تبصره ۲- مقررات مربوط به تیراندازی و نحوه پرداخت دیه و خسارت به موجب قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۷۳/۱۰/۱۸ و آئین نامه های مربوط خواهد بود .

لحن ماده ۱۸۴ قانون کار به گونه ای است که با اندک اغماض می توان گفت که پرداخت دیه را در مواردی که تخلف مربوط به شخص حقوقی است بعهده همان شخص گذاشته است نه مدیران و مسئولین که اشخاص حقیقی هستند زیرا هیچ ذکری از دیه به عنوان کیفر ننموده و بطور کلی اشاره به خسارت نموده است و گویی مسئولیت کیفری در مورد تخلفات قانون کار را منحصر به حبس و جریمه نموده است متن ماده این چنین است :

« در کلیه مواردی که تخلف از ناحیه اشخاص حقوقی باشد ، اجرت المثل کار انجام شده و طلب و خسارت باید از اموال شخص حقوقی پرداخت شود ، ولی مسئولیت جزائی اعم از حبس ، جریمه نقدی و یا هر دو حالت متوجه مدیر عامل یا مدیر مسئول شخصیت حقوقی است که تخلف به دستور او انجام گرفته است و کیفر درباره مسئولین مذکور اجرا خواهد شد.» و ملاک مواد ۱۲،۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ در مورد مسئولیت دولت و کارفرمایان (که بسیاری از کارفرمایان اشخاص حقوقی هستند) از نظر بحث حاضر قابل توجه می باشد .

و سرانجام یکی از بهترین قوانینی که اخیراً به تصویب رسیده و در زمینه بحث حاضر بسیار راهگشا خواهد بود ، قانون ضوابط پرداخت کمک و یا اعانه به افراد و موسسات غیر دولتی موضوع ماده ۷۱ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال ۱۳۷۸ می باشد^۱ که به شرح ماده ۳ آن به صراحت مجوز محکومیت اشخاص حقوقی را صادر کرده و هر گونه شک و تردید را در این زمینه برطرف نموده است به این شرح : دیات قتل نفس و نقض عضو و جرح که پرداخت آن به موجب احکام صادره از مراجع قضائی به عهده دستگاه های اجرائی مشمول این قانون محول می گردد از نظر نحوه پرداخت و احتساب به هزینه قطعی مشمول مقررات این قانون می باشد .

^۱ - روزنامه رسمی شماره ۱۵۹۵۸-۱۶/۹/۱۳۷۸

این ماده را باید سرآغاز تحولی بزرگ در این زمینه دانست و قانونگذار پس از سالها تأخیر و عقب ماندن از واقعیات اجتماعی، چنین حکمی را وضع کرده است اضافه می نماید که وقتی قانونگذار اجازه محکومیت اشخاص حقوقی حقوق عمومی را داده است در حالی که اصل بر آزادی عمل و اقتدار آنها در انجام اعمال حاکمیت است بطریق اولی سایر اشخاص حقوقی رانیز می توان در مواردی که مسئولیت آنها ثابت باشد به پرداخت دیه محکوم نمود، در حالی که از نظر کیفری، دیه را اگر مجازات بدانیم قطعاً هیچگاه ماهیت مجازات را مثل جزای نقدی ندارد و می توان گفت یک درجه خفیف تر از آن است پس بطریق اولی باید بتوان شخص حقوقی متخلف را نپذیرفته است بدین ترتیب وقتی مثلاً شخص حقوقی را می توان جریمه کرد چه مانعی وجود دارد که او را به پرداخت دیه محکوم نمود. در حالی که از نظر کیفری، دیه را اگر مجازات بدانیم قطعاً هیچگاه ماهیت مجازات را مثل جزای نقدی ندارد و می توان گفت که یک درجه خفیف تر از آن است، پس بطریق اولی باید بتوان شخص حقوقی را به پرداخت آن محکوم نمود. از جمله قوانینی که اشخاص حقوقی را قابل مجازات دانسته اند: یکی قانون تعزیرات حکومتی مصوب سال ۱۳۶۷ می باشد که به شرح ماده ۱۲ صراحتاً مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را در مورد توزیع کالای بر خلاف مقررات پذیرفته است یکی دیگر قانون الزام شرکتها و موسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه مصوب سال ۱۳۶۸

است که به شرح ماده شش آن جزای نقدی و تعطیلی موسسه را پیش بینی کرده است
همچنین ماده ده قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی
ایران مصوب سال ۱۳۷۱، مجازات یکسانی برای اشخاص حقیقی و حقوقی در مورد
تقلب در اوزان و مقیاسها در نظر گرفته است اما بعضی قوانین با پذیرش ارتکاب جرم
از سوی شخص حقوقی، فقط مدیران و مسئولین آنها قابل مجازات دانسته است مثل
قانون نظامی صنفی (مصوب سال ۱۳۵۹) یا قانون تأمین اجتماعی (ماده ۱۰۹) مصوب
سال ۱۳۵۴ و نکته دیگر اینکه در بعضی موارد که اشخاص حقوقی مسئول شناخته
می شوند چه در پرونده های مربوط به حوادث ناشی از کار و چه در غیر آن، از نظر
ماهیتی موضوع قابل انطباق با اتلاف یا تسبیب یا فروع آنها در قانون مجازات اسلامی
نمی باشد و. ولی در هر حال قانونگذار جبران خسارت را در قالب دیه مقرر کرده
است در حالی که از مواردی نیست که از نظر حقوق جزای اسلامی دیه برای آن در
نظر گرفته باشد و در اصل نوعی جبران خسارت محض است که می توان آنرا در
حکم دیه دانست .

گفتار دوم: نگاهی به حقوق پاره‌ای از کشورها در خصوص مسئولیت دولت

الف- در خصوص جبران خسارت از طرف دولت

۱- حقوق مصر:

در حقوق و رویه قضایی کشور مصر، مسئولیت دولت و قوای عمومی آن مورد پذیرش قرار گرفته و در موارد بسیاری دولت دارای مسئولیت مدنی شناخته شده است بر اساس قانون مدنی مصر، با وجود دو شرط، مسئولیت ناشی از فعل غیر تحقق می‌یابد و با احراز آن دو شرط مسئولیت مدنی دولت نیز محقق خواهد بود؛ چه آنکه دولت؛ شخصیت حقوقی حقوق عمومی است که توابع و کارمندان بسیاری دارد و مسئولیت مدنی شخص حقوقی همانند افراد و سازمانهای خصوصی وجود دارد و قواعد مسئولیت برای اشخاص حقیقی و حقوقی یکسان است^۱

آن دو شرط عبارتند از اینکه رابطه تبعیت بین دو شخص وجود داشته باشد و شخص تابع و پیرو در حال انجام وظیفه و یا به سبب انجام وظیفه مرتکب خطایی گردد که موجب ورود ضرر به دیگری شود، که در این صورت شخص متبوع و آمر مسئولیت مدنی خواهد داشت اعم از آنکه کارفرما باشد و یا دولت و یا دیگر اشخاص حقیقی یا حقوقی.

بند نخست ماده ۱۷۴ قانون مدنی مصر مقرر می‌دارد:

^۱- اسنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط، ج ۱، ص ۸۰۸

« شخص متبوع مسئول ضرری است که در اثر فعل شخص تابع و پیرو او به دیگری وارد شده است به شرط آنکه آن فعل را در حال انجام وظیفه و یا به سبب آن مرتکب شده باشد »

بنابراین بعد از تحقق و احراز رابطه تبعیت ، برای تحقق مسئولیت متبوع دو شرط لازم است ، نخست آنکه تابع مرتکب خطایی گردد که ضرری به دیگری وارد کند و دیگر اینکه این خطا در حال انجام وظیفه و یا به سبب وظیفه ارتکاب یابد .

از این رو شخص متضرر، در رجوع به شخص متبوع باید ابتدا خطا تابع را ثابت نماید در مواردی اثبات خطا لازم نیست ، بلکه بر اساس خطای فرضی مسئولیت شخص تابع محقق می گردد مثلاً معلم مدرسه دولتی در قبال شاگردان مسئولیت مدنی دارد و این مسئولیت مبتنی بر خطای فرضی است و هر گاه نتواند عدم خطای خود را اثبات کند به مقتضای خطای فرض شده مسئول بوده و به اعتبار اینکه کارمند و تابع حکومت است حکومت مسئول شناخته می شود^۱

مسئولیت مدنی دولت ، تنها قانوناً مورد پذیرش قرار نگرفته بلکه در رویه قضایی کشور مصر نیز مورد پذیرش عملی واقع شده و محاکم مصر در موارد بسیار زیادی دولت را مسئول مدنی شناخته و حکم به جبران خسارت توسط دولت نموده اند که ما به عنوان نمونه ؛ به ذکر بعضی از آنها بسنده می کنیم .

^۱ - ر.ک. همان ، ۱۰۲۳

۱- نگهبانی در هنگام نگهبانی در شب آتش گشود و به شخصی اصابت نمود پیرو آن

دیوان عالی مصر چنین حکم کرد که نگهبان مرتکب خطا شده و بنابراین این حکومت در

برابر آن مسئولیت دارد^۱

۲- دادگاه استیناف مصر در مورد پزشکی که در خدمت بیمارستان است چنین رای داد

که هرگاه مرتکب اشتباه گردد و بجای دارو سمی به بیمار بخوراند و موجب مرگ وی

گردد؛ در عملی از اعمال وظیفه اش مرتکب خطا شده است، بنابراین بیمارستان

مسئول آن خواهد بود^۲

۳- دفتر دادگاهی ابلاغیه حق اعتراض را به موقع به محکوم علیه ابلاغ نمود و در

نتیجه آن مهلت اعتراض او از بین رفت دادگاه استیناف مصر در این مورد با این

استدلال که مدیر دفتر دادگاه (یا مأمور) ابلاغ در عملی از اعمال وظیفه اش مرتکب

خطا شده است حکومت را مسئول شناخت^۳

۴- شخصی به طور مسلح به مأموریتی می رفت که در راه به بعضی از خویشاوندان

خود برخورد کرد در حال ملاقات و سخن گفتن با آنان و در حالی که با سلاح بازی

می کرد، تیری شلیک شد و به بچه ای که در کنار وی بود اصابت نمود در این واقعه

۱- همان، ص ۱۰۲۷

۲- همان، ص ۱۰۲۹

۳- همان، ص ۱۰۲۹

دیوان عالی مصر ، حکومت را مسئول عمل مأمور دانست و ماده ۱۵۲ قانون مدنی

قدیم مصر را مستند حکم خود قرار داد^۱

۵- مأموری اداری جرمی را درباره اشخاص وابسته به حزب مخالف سیاست حکومت

نه با انگیزه شخصی بلکه با هدف راضی کردن حکومت و تقرب به آن مرتکب گردید .

پیرو آن دادگاه جنایی مصر حکومت را مسئول آن دانست و دیوان عالی نیز آنرا تأیید

نمود^۲

پس از ذکر آراء فوق این نکته قابل توجه است که با بررسی آراء محاکم مصر در می

یابیم که احکامی از دادگاههای مصر صادر شده است که مبالغه در مسئول شناختن

دولت بنظر می رسد مثلاً در مواردی صرف اینکه مأموری در حال انجام وظیفه مرتکب

فعلی شده باشد ، فعل او را خطا تلقی کرده و دولت را مسئول آن قلمداد نموده اند ، به

عنوان نمونه ، در قضیه‌ای نگهبانی که عاشق زن شوهرداری شده بود ، از تاریکی شب

و اسلحه‌ای که به طور قانونی در دست داشت سوء استفاده نموده و شوهر وی را به

قتل رساند تا بتواند با او ازدواج نماید . در این واقعه دادگاه در حکم خود حکومت را

مسئول کار نگهبان دانست و چنین استدلال نمود که :

^۱- همان ، ص ۱۰۳۰

^۲- همان ، ص ۱۰۳۱

چون خطایی که از متهم واقع شده است بدین جهت بوده که وی مأمور و نگهبان دولت در شب بوده و سلاحی که از جانب حکومت به او تسلیم شده است و مأموریت او

ارتکاب جرم را بر او آسان ساخته است بنابراین حکومت مسئول عمل اوست^۱
همچنین در حادثه ای دیگر، مستخدم مدرسه‌ای با سوء استفاده از شغل خود به جهت کینه شخصی، ناظم مدرسه را با کارتد از پا در می آورد و در پی آن دادگاه عالی مصر حکومت را مسئول عمل مستخدم می‌شمارد چون وظیفه و شغل وی او را در ارتکاب جرم کمک کرده و فرصت و امکان ارتکاب آن را فراهم نموده است.

پیدا است که پذیرش چنین حکمهایی خلاف منطق حقوقی و عقل سلیم است چه مأمور با انگیزه شخصی مرتکب جرمی شده و در فعل خود متعمد بوده است بنابراین نه تنها از جهت مدنی خود مسئول فعل خویش است، بلکه از جهت کیفری نیز استحقاق مجازات را دارد، به خصوص با ملاحظه اینکه از مأموریت خود سوء استفاده نموده و به حقوق دیگران تجاوز کرده است و بدیهی است که در حالت تجاوز از عضویت در هیئت حاکمه و تشکیلات اداری خارج می‌گردد و بنابراین دولت وظیفه ای در جبران خسارتی که در نتیجه عمل شخصی که هیچ رابطه‌ای با آن ندارد را دارا نیست و اگر چنین کند خلاف عدالت اجتماعی است چرا که خسارت از حق همه جامعه پرداخت می‌گردد. به اضافه ارتکاب جرم در دو مورد مذکور نه در حین انجام وظیفه بوده است

^۱- همان، ص ۱۰۲۸

و نه به سبب آن بلکه تنها به مناسبت دارا بودن وظیفه و اینکه وظیفه ارتکاب جرم را
بروی آسان کرده است به وقوع پیوسته است و حقوقدانان مصر نیز در مورد سوم به
مسئول بدون دولت قائل نیستند^۱

۲- حقوق فرانسه:

قانون مدنی فرانسه در مواد ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ مسئولیت ناشی از فعل دیگری را عنوان
نموده است بند اول ماده ۱۳۸۴ بر مسئولیت ناشی از اشیاء تصریح نموده و اظهار داشته
است « هر کسی مسئول ضرری است که به وسیله اشیاء تحت حفاظت او ایجاد می
شود^۲

بند دوم ماده ۱۳۸۴ مسئولیت کارفرما و اداره نسبت به ضررهای ناشی از اعمال کارگر
و مستخدم اداری را بیان نموده مقرر می دارد: « جبران ضرری که در اثر فعل مستخدم
به دیگری رد حال انجام وظیفه و یا به سبب آن وارد شده است بر عهده کارفرما و
اداره است^۳

قانونگذار فرانسوی در مواردی نیز با وضع قانون خاص دولت را مسئول مدنی
محسوب نموده است مثلاً در سال ۱۸۹۵ قانون خاصی وضع نمود که بر اساس آن در
مواردی که محکوم علیه در جنحه و جنایت حق تجدید نظر دارد و در تجدید حکم

۱- همان ، ص ۱۰۳۲

۲ - *Est responsable Dammage quiest Cause Parle Pait des choses que lon a Sous sa gradeon 6-Dons
les fonctions aux quelles is les not employ*

۳- اسنهوری، عبدالرزاق احمد ، الوسط ، ج ۱، ص ۷۱

برائت تحصیل می کند دولت مسئول پرداخت خسارت وارده بر محکوم علیه شناخته شده است .

ماده ۴۴۶ قانون اجرائات جنائی فرانسه این مسئولیت را تحمل ضرر ناشی از اشتباهات قضائی نامیده است .

البته وجود این مسئولیت به معنی مصونیت مدنی قضات و مأمورین اجرا نیست بلکه مطابق حقوق کشورهای اروپایی که از آن به اختصار سخن خواهیم گفت افعال تقصیرآمیز و نادرست قضات موجبات ضمان و مسئولیت آنان را فراهم می سازد .

همچنین قانونی در سال ۱۹۹۱ و قانونی دیگر در سال ۱۹۲۱ میلادی در مصر وضع گردید که به موجب آن در وضعیت های معینی جبران خسارت قربانیان کارخانه ها به عهده دولت گزارده شده و این راسولیت تحمل ضرر ناشی از دفاع ملی^۱ نامیده اند^۲. نیز براساس قانون مصوب پنجم آوریل ۱۹۳۷ معلمان نسبت به دانش آموزان مسولیت مدنی داشتند، ولی این قانون به موجب قانون مصوب ۲۰ ژوئیه ۱۸۹۹ ملغا گردید و مطابق آن مسولیت دولت جانشین مسولیت معلمان گردید^۳.

۳- حقوق دیگر کشورهای دارای حقوق مدون:

در کشورهای تابع حقوق نوشته مفهوم مصونیت مطلق قضات برای اعمال قضایی خود جایگاهی ندارد، بلکه تئوری مسولیت مدنی قضات، تئوری غالب به نظر می رسد و در

1-Defence national

۲- همان، ص ۷۷۰

۳- همان، ص ۷۷۱

اغلب کشورهای اروپایی سیاست قاطعی رادرمورد جبران خسارات قربانیان و زیان دیدگان از اقدامات مقامات عمومی از جمله قضات اتخاذ می گردند به نحوی که اساساً کلیه افعال تقصیر آمیز نادرست قضات و از آن میان اقداماتی که در حل و فصل اختلافات انجام می دهند، می تواند موجبات ضمان و مسوولیت آنان رافراهم سازد و اصحاب دعوی شرایط خاصی از این حق برخوردارند که به نحو موثری ضرر و زیان ناشی از تخلفات قضایی رامطالبه واستیفاء کنند لذا هر یک از این کشورها روش و آیین ویژه ای را به منظور مطالبه خسارات ناشی از عملکرد قضات توسط طرفین وضع کرده اند که به موجب آن دعوی ضرر و زیان می تواند علیه شخص قاضی و یا دولت طرح گردد. که در صورت اخیر دولت به نوبه خود می تواند در مواردی دعوی متقابل علیه قاضی اقامه نماید.

توضیح اینکه در اغلب کشورها اقامه دعوی مسوولیت مدنی علیه قاضی فقط زمانی ممکن است که خواهان کلیه طرق قانونی جبران خسارت را طی کرده و نتیجه ای نگرفته باشد^۱.

ب - طلعه جدید مسوولیت پذیری دولت:

همانگونه که قبلاً اشاره شد دولت با کاهش دایره و محدوده مسوولیت خود و با افزایش و به حداکثر رساندن مسوولیت کارکنان خود، نوعی احتیاط و دور اندیشی بیجا

^۱ - کریستین هاوس مینجر، «مسوولیت مدنی داوران» ترجمه محمد جواد میر فخرایی، مجله حقوقی دادگستری، شماره چهاردهم، ص ۱۱۲

را ایجاد و همین امر مانع قدرت عمل و خلاقیت و ابتکار کارکنان دولت در انجام وظایف محوله میگردد. اما با تصویب ماده ۲۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۷۹ این دغدغه حداقل در خصوص یکم مورد ویژه و خاص یعنی «واگذار سهام شرکتهای دولتی» مرتفع گردیده است. ماده ۲۴ قانون فوق مرقوم داشته که «دولت مکلف است، مسئولیت مدنی، محکومیت جزایی مالی و قابل خرید محکومیت به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و هر محکومیت قابل خرید دیگر مسولان و مجریان امر و اگذاری (منظور واگذاری سهام شرکتهای دولتی) را در قبال خطاهای غیر عمدی آنان به مناسبت واگذاری، چه به عنوان مسئولیت جمعی و چه به عنوان مسئولیت انفرادی به هزینه خود به گونه ای بیمه کند که بیه گر کلیه هزینه ها مخارجی را که هریک از مسئولان و مجریان امر و اگذاری تحت هریک از عناوین موصوف ملزم به پرداخت آن می شوند؛ بپردازد» لذا همانگونه که ملاحظه میشود باتصویب این قانون دولت خواسته بتدریج دایره مسئولیت و پاسخگویی خود را افزایش و از مسئولیت کارکنان خود بکاهد تا احتیاط و دو اندیشی بی مورد جانشین انجام وظیفه نگردد.

مطالعه در نظام حقوق مسئولیت مدنی دولت در جمهوری اسلامی ایران مبین آنستکه دولت در قوانین و مقررات پراکنده ای مسئولیت برخی از کارکنان و افراد نظیر قضات، کارکنان نیروهای مسلح، اعضاء هیات واگذاری سهام شرکتهای و افراد فراری را

به عهده گرفته و در خصوص سایر کارمندان صرفاً طبق شرایط ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی یعنی در صورت ورود خسارت توسط کارمندان ناشی از نقص وسایل اداره، اقدام به پذیرش مسئولیت نموده است و از این حیث در نظام حقوقی ما، خلاء قانونی وجود دارد. به عنوان مثال سالهاست در اثر فعالیتهای دولت و کارکنانش خسارت زیادی به اشخاص وارد می آید و یا افراد بیگناهی به زندان و بازداشت محکوم میشوند. و هیچ مرجعی مسئولیت اینگونه خسارات را به عهده نمی گیرد. بنابراین لازم است در یک قانون عام و کلی موضوع مسئولیت مدنی دولت و کارکنان آن به صورت مشخص و معین پیش بینی گردد.

ج- لزوم اجتماعی شدن بیمه مسئولیت:

توسعه بیمه های مسئولیت و تامین اجتماعی، سبب شده است که مسئولیت انسان پوشیده و مخفی بماند و احساس واقعی مسئولیت عهده اشخاص به نظر نیاید.^۱ تحولات مسئولیت مدنی، این شاخه از حقوق را به سمت هدفی ویژه هدایت نموده است؛ اثرات بازدارندگی و ضمانت اجرایی حقوقی برای برخورد با افعال زیانبار سنت دیرین حقوق حاکم بر مسئولیت مدنی بود امروزه هدف این حقوق، تضمین دادن به قربانیان حوادث می باشد و بیمه مسئولیت به عنوان ضامن معتبر به این هدف کمک شایان می کند.^۲ توسعه مسئولیت مدنی در صورتی که همراه با بیمه نباشد آثار

1- Savatier Rene , La the obligation Dalloz ,2eme edition , 1969.P.275

2 -- Tunc Andre, Towards aEuropean Civil Code , Kluwer Law international aecond Rivised expanded London,1988.P.6

نامطلوب بیشتری بوجود می آورد. اگر تقصیر مرتکب توسط بیمه پوشش داده نشده باشد ممکن نیست که دادگاه ها نسبت به گسترش مسئولیت مدنی اقدام نمایند و به طریق اولی مسئولیت بدون تقصیر رشدی نخواهد داشت. نگرش تازه به بحث جبران زیان این است که اگر مرتکب بیمه باشد یا می توانسته پوشش بیمه را بدست آورد، استحقاق جبران خسارت برای زیان دیده وجود دارد. به عبارت دیگر در صورتی که سایر اوضاع و احوال و دلایل حادثه اقتضاء داشته باشند که مسئولیتی سنگین تحمیل شود، عرضه بیمه این اثر را دارد که تنگ نظری و واهمه از گسترش و تحمل مسئولیت را رفع می کند^۱.

با توجه به واقعیت در تعریف شبه جرم (*tort*) آمده است؛ این حقوق در ارتباط با توزیع مجدد زیان و خساراتی است که در جامعه حادث شده است^۲. تفکر حاکم بر مسئولیت مدنی بعد از ظهور بیمه بدین صورت است که وقتی شخص بیمه شده ای سبب ورود خسارت می شود، مساله مطرح شده، مفهوم عدالت بین طرفین نیست. این مساله اینگونه ترسیم می شود که آیا شخص زیان دیده ضروری است توسط یک منبع جمعی جبران خسارت گردد؟ برای مثال در صورت صدمه دیدن مسافری که مجانی سوار شده است، قواعد عمومی مسئولیت مدنی اعمال می شود و در بسیاری موارد هم بحث از این مسئولیت به دلایل روانی و شناخت طرفین مطرح نمی شود اما اگر

^۱ -Ibid, p.6.53

^۲ - the law of tort may be said to be concerned with the allocation or redistribution of these losses which are bound to occur in our Society I bid, p. 7.

پوشش بیمه وجود داشته باشد. مساله بدین صورت است که آیا یک مهمان، استحقاق

همان حمایت را که نسبت به سایر مسافران وجود دارد، خواهد داشت یا خیر؟^۱

با وجود این تحولات باید پذیرفت که گسترش بیمه های مسئولیت سبب می شود که

بخش مهمی از مسئولیت های فردی چهره اجتماعی بیابد و به مسئولیت های جمعی

نزدیک شود ... باید حق را به نویسندگانی داد که سخن از تبدیل مسئولیت شخصی به

اجتماعی شدن خطرها می گویند.^۲ زیرا جبران خسارات از طریق وجوه جمعی بعمل

می آید و دو دارایی را مقابل یکدیگر قرار نمی دهد بلکه با توزیع زیان یک دارایی بر

مجموعه ای از دارایی های اشخاص، نوعی مسئولیت جمعی و اشتراکی را بوجود می

آورد و شخصی که به عنوان مسئول قرار می گیرد در اغلب موارد تنها محل عبور

جریان توزیع زیان محسوب می گردد. اینگونه تبدیل شدن به مسئولیت جمعی نباید

موجب انتقاد شود و واقعیت این است که هنوز تاثیر نا مطلوبی از مسئولیت جمعی

دیده نشده و رفتار اشخاص تحت تاثیر این نوع مسئولیت به گونه ای قرار نگرفته است

که آثار مناسب مسئولیت جمعی را تحت الشعاع قرار دهد. کمپانی های بیمه نیز بی کار

نمی نشینند و نسبت به اشخاص بیی مبالات تحمیل بیشتری بعمل می آورند.^۳

1- Starck Boris, *Droit Civil, les obligation, libaires Techniques 1 er edition .Paris ,1972.P.213*

۲- کاتوزیان، ناصر، همان، صص ۴۰ و ۴۱.

۳- *Tunc Andre .OP.cit,P.52.*

همچنانکه تخفیف در حق بیمه ها یا جریمه های مالی و تشویق رانندگان خوب و تنبیه

رانندگان بی مبالات از شیوه های مرسوم در این زمینه ها تلقی می شوند.^۱

د- تشکیل صندوق های تعاون :

به گفته بعضی از مولفان^۲ در مورد حوادث قهریه، چنانچه در اثر طوفان، باد شدید یکی

از درختان خیابان شکسته و روی ماشین یکی از شهروندان سقوط کند و تنها به

خودروی یک نفر آسیب برساند، اینها حوادث قهریه هستند که بنظر در این گونه موارد

باید صندوق حمایتی را ایجاد کند در این موارد، دیگر نمی توان به مسئولیت مدنی آن

هم مسئولیت مدنی دولت اشاره کرد چون نه تعدی و تفریطی از جانب دولت انجام

شده، باید در این موارد از باب تعاون اجتماعی جلو برویم چرا که دولت چیزی نیست

جز بر آیند اراده اشخاص و هزینه ای هم که دولت خرج می کند از دارایی خود مردم

است که البته تنها ۱۷ درصد آن از راه مالیات مستقیم است پس اگر به این تفکر برسیم

که هزینه ای که دولت پرداخت می کند چیزی به غیر از پرداخت مالیات افراد جامعه و

فروش منابع بیت المال نیست دولت هم می تواند از برآیند مالیات ها خسارات

شهروندی که از حوادث قهریه آسیب دیده، جبران کند.

۱- مطالعه بیشتر رجوع کنید به: اژدری - حسن، مقالات حقوقی وکلا و حقوقدانان، ص ۴۹.

۲- کریمی، آیت، مشکلات بیمه شخص ثالث (چند راه حل پیشنهادی) فصلنامه صنعت نفت، شماره ۹، ص ۱۲.

هـ - بررسی اصل رفاه و خیر در حقوق آمریکا

در حقوق مسئولیت مدنی آمریکا علاوه بر اصل تقصیر و اصل در مسئولیت محض یا بدون تقصیر اصل دیگری بنام رفاه و خیر^۱ وجود دارد که در آن چنانچه رفتاری از دید اجتماعی سود آورتر از زیان آن باشد و به همین دلیل و بر پایه نفع اجتماعی تشویق شود و با وجود آن، رفتار مورد نظر و سبب ورود زیان به دیگران شود نحوه جبران خسارت و شخص جبران کننده خسارت دولت است نه مرتکب که کار مفید اجتماعی انجام می دهد، بلکه اجتماع باید با نمایندگی دولت خسارت را تحمل کند. و شامل بیماری ها بد بختی ها و خسارات اتفاقی هم می شود و هدف آن فراهم ساختن حداقل از رفاه برای همه اعضای اجتماع است نه جبران کامل نیازهای آنان. مشخصه دیگر اصل رفاه این است که خسارات اشخاص را بر عهده دولت می نهد نه به خاطر اینکه قربانی حادثه خاص یا بیماری یا بدبختی دیگر شده اند، بلکه قطع نظر از سبب آن، به این دلیل که آنان نیازمند و تنگدستند دو موردی که اصل رفاه به تنهایی نظام جبران خسارات است، مسئولیت جبران ویژه اجتماع است نه فرد خاص یا وجود حقوقی دیگر در اجتماع. در این زمینه، محل تامین غالب جبران خسارت ها دولت است و بخشی از مالیات های عمومی و درآمدها اختصاص به آن می یابد ولی، زمانی که مسئولیت جبران خسارت به عهده قشر ویژه ای از اجتماع است که تامین درآمد

۱- رک، کاتوزیان، ناصر، عصر تجربه حقوق تجربی، اصول جبران خسارت در نظام حقوق آمریکا، مجلسه حقوقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ص ۴.

لازم برای آنرا به عهده دارند اصل مسئولیت شخصی اعمال می شود، اعم از اینکه اصل تقصیر مبنا قرار گیرد، یا مسئولیت محض اصل مسئولیت شخصی. حتی در موردیکه دولت مسئول است، بر طبق قواعد عمومی اجرا می شود و نباید آنرا، تابع «اصل رفاه و خیر» شمرد. بدین ترتیب هر چه در اجرای اصل رفاه باید پرداخته شود بر عهده دولت است، ولی از این امر نباید چنین نتیجه گرفت که تمام مسئولیت های دولت ناشی از اجرای اصل رفاه است.

س - بیمه مسئولیت مدنی سردفتران اسناد رسمی

از آنجایی که مطالبه خسارت تابع قواعد عمومی است مسئولیت سردفتر موكول به احراز رابطه سببیت عرفی بین تقصیر و زیان است. همچنین ضرر باید جبران نشده باشد چون به هر طریقی که از زیان دیده جبران خسارت شود ضرر منتفی شده و امکان مطالبه دوباره آن متصور نیست به طور مثال: اگر خریداری در بیع فاسد که منتهی به تنظیم سند رسمی شده از فروشنده خسارات خود را استیفاء نموده باشد نمی تواند مجدداً به علت تقصیر سردفتر از او نیز مطالبه خسارت کند. همچنانکه در غصب، مالک با دریافت تمام یا قسمتی از مال مغضوب حق رجوع به قدر مأخوذ را به غاصبین دیگر ندارد. اگر چه اسقاط حق رجوع به یکی از مسئولان مانع از رجوع به دیگران نیست مگر اینکه زیان دیده به نوعی از اصل حق خود بر مطالبه زیان انصراف حاصل نماید. لذا در مورد سردفتر اسناد رسمی نیز می توان چنین حکمی را

استقراء و تعمیم داد و مسئولیت سردفتر در قبال خسارت مادی و معنوی بالحاظ اطلاق

اصل لاضرر و قواعد مسئولیت مدنی ثابت می باشد .

شرط برقراری مسئولیت جبران خسارت در نظام حقوقی فرانسه با ضوابط معمول در

حقوق ایران مشابهت دارد چون که حسب ماده ۱۳۸۲ق . م فرانسه اگر چه هر شخص

حقیقی یا حقوقی می تواند برای مطالبه غرامت از سردفتر به دادگستری مراجعه نماید

اما پرداخت خسارت موکول است به اینکه ثابت شود اولاً سردفتر مرتکب تقصیر شده

است ، ثانیاً خسارت نتیجه مستقیم همان تقصیر است ثالثاً علاوه بر آن تحصیل و ارائه

دلایل مزبور نیز بر عهده مدعی است . البته مسئولیت سردفتر در خصوص انجام

نماینده‌گی تابع مسئولیت قراردادی است که در حقوق ایران متعارف نمی باشد و و

نسبت به تقصیر ناشی از رفتار کارمندان دفترخانه تنها در صورتی که حاصل تصدی

امور دفتر باشد بر عهده سردفتر می باشد و نسبت به امور و عملیات خارج از وظایف

کارمند و یا مواردی که حاصل تبانی کارمند و مشتری با یکدیگر است تسری ندارد .^۱

اما نکته حائز اهمیت بیمه الزامی مسئولیت سردفتر است یعنی اینکه مسئولیت مدنی او

در برابر خسارتهای احتمالی دارای پوشش بیمه می باشد و علاوه بر پوشش بیمه ،

صندوقهایی نیز توسط شورای منطقه ای ویا شورای عالی محضرداران تأسیس گردیده

که خسارات ناشی از خطاهای خارج از قرارداد بیمه مسئولیت مدنی را تأمین و تضمین

۱- پایگاه اینترنتی سردفتری فرانسه <http://www.notaires.fr>

می کند و بدین وسیله امنیت لازم را برای مشتری و همچنین سردفتر برقرار ساخته است.^۱

لذا بر خلاف روش جاری در ایران که سردفتر بدون کمترین حمایت بیمه ای و صنفی در برابر مسئولیت سنگین خود تنها می باشد. به واقع نوع نگاه نظارتی مراجع قانونی به مرجع اولیه اجرای وظیفه ثبت اسناد (مباشترین ثبت) بنحو مذکور در قانون اولیه ثبت اسناد و املاک، با قانون فرانسه قرابت بیشتری دارد تا وضع کنونی که سردفتر زیر مجموعه سازمان اداری ثبت و تحت نظارت اجرایی و انتظامی کارکنان اداری ثبت می باشد. مهمتر آنکه در نظام حقوقی فرانسه و تعلیق موقتی قبل از تعقیب جزایی یا انضباطی نیز منوط به تصمیم دادگاه شهرستان است نه صرف تمایل و تصمیم مقامات اداری ثبت، به نحوی که در سیستم حقوقی ما معمول است.^۲

شیوه معمول فرانسه در حقوق آلمان نیز جاری می باشد و خسارات ناشی از خطرهای شغلی مربوط به فعالیت حرفه ای و فعالیت افراد تحت نظارت سردفتر تحت پوشش بیمه اجباری است. که نزد موسسه بیمه محل، مطابق شرایط مقرر از طرف هیأت نظارت برقرار گردیده است. این بیمه شامل همه موارد و هر خسارتی است که علیه

۱- حسینی نژاد، حسینقلی، مجله کانون سردفتران، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۷۷، ص ۳۸.

۲- همان مرجع، صص ۵۹-۶۰.

سردفتر ادعا شود و لیکن در صورت عدم کفایت پوشش بیمه سردفتر، نسبت به مازاد

سردفتر خود مسئول است.^۱

ش) بیمه مسئولیت مدنی صغیر و سرپرست طفل و
مجنون

مؤلفین حقوقی در بررسی ماده هفت^۲ ق.م.م عنوان می کنند که اگر سرپرست مقصر

باشد، از محل اموال خودش ملزم به جبران خسارت است، و در صورت عدم توانایی

در پرداخت، از مال صغیر یا مجنون که مباشر اصلی هستند تأدیه می کند؛ و اگر مقصر

نباشد خود محجورین مستقلاً مسئول هستند. اما با توجه به اینکه این ماده تقصیر

والدین را مفروض دانسته است، با ایراد هر ضرری از سوی صغیر یا مجنون، دو

مسئولیت هم زمان ایجاد می شود یکی ضمان قهری برای خود صغیر و مجنون به

عنوان مباشر فعل زیانبار، و دیگری مسئولیت سرپرست ایشان که ناشی از تقصیر در

نگه داری است، که مسئولیت در نتیجه فعل خویش است نه ناشی از فعل غیر اما

برای اینکه تأدیه خسارت توسط مباشر یا نماینده قانونی او تضمین شده باشد همانطور

که عنوان شد قانونگذار به اشتباه این دو مسئولیت را در هم ادغام کرده است.

۱- سردفتری در کشور آلمان <http://www.bnioth.de>.

۲- ماده ۷-ق.م.م- کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد. و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده نباشد.

اما روش درست برای نیل به این مقصود، چیزی نیست جز ایجاد و اجباری کردن «بیمه مسئولیت»، حتی با تمام تمهیدات اندیشه شده در این قانون، امکان جبران نشدن خسارت باقی است و آن هنگامی است که نه مباشر و نه سرپرست ایشان، هیچ کدام توانایی تأدیه خسارت را نداشته باشند^۱.

با اجباری کردن بیمه مسئولیت و مکلف کردن سرپرست به پرداخت حق بیمه؛ از یک سو خسارات وارده از سوی صغیر یا مجنون بدون جبران باقی نمی ماند، و از دیگر سوی، سرپرست با هزینه کردن حق بیمه در تأدیه خسارت دخیل شده است. جایگزین شدن بیمه گر به جای صغیر و مجنون با فلسفه حقوقی حمایت از محجورین

نیز سازگار است^۲

نتیجه گیری:

با توجه به تمام مطالب عنوان شده چنین می توان نتیجه گیری کرد که:

الف) مسئولیت محجورین بر مبنای نظریه تقصیر استوار نبوده، بلکه بر مبنای قاعده فقهی ضمان است که از احکام وضعیه می باشد.

ب) مسئولیت سرپرست صغیر یا مجنون، با ایراد ضرر از سوی ایشان تحقق می یابد و ناشی از تقصیر در تکلیف نگهداری و مواظبتی است که بر حسب قانون یا قرارداد

۱- درودیان، حسینعلی، مقاله حقوقی «مسئولیت سرپرست صغیر و مجنون» سایت دادگستری.

۲- میرشمسی، فاطمه، مقاله حقوقی «حضانت در فقه امامیه و مذاهب اسلامی» سایت دادگستری.

**جهت خرید فایل word به سایت www.kandooen.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید**

برعهده آنها می باشد ، البته مسئولیت سرپرست قانونی مقدم بر مسئولیت سرپرست

قراردادی است .

ج) ماده هفت ق. م . م دلیل تعارضاتی که در درون خود دارد می بایست اصلاح شود

و لازمه آن ایجاد و اجباری کردن بیمه مسئولیت است بیمه مسئولیت می تواند به

عنوان ضمانت اجرایی عدم انجامن تکالیف سرپرستی مطرح گردد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

فصل سوم:

بررسی نهادهای مشابه با بیمه در فقه و حقوق اسلام

مبحث اول: اشاره به مبانی و پیشینه بیمه در اسلام

اگر امنیت خواهی و تامین، تعاون و همیاری، کمک به ستم دیده و مصیبت زده، روحیه و مشارکت و احساس جمعی، توزیع و تقسیم خسارت و زیان بر دوش افراد جامعه، تقویت روحیه مواسات و غمخواری، ایده جبران ضررهای قابل محاسبه را از اهداف بیمه بدانیم بدین معنا که بیمه زیان های مالی وارده بر افراد را که در معرض مخاطرات قرار می گیرند سبک تر می سازد و خسارت های وارده بر یک فرد را از طریق توزیع خسارت بر سایر بیمه گذاران کاهش می دهد و زمینه روانی و فکری را جهت فعالیت های اقتصادی فراهم می سازد و کسانی که در اثر سوانح و حوادث، دچار نابسامانی و فقر در زندگی شده اند از طریق سرمایه های بیمه ای که بیمه گذاران در آن سهم هستند به آنها کمک می شود. می توان گفت مبانی اندیشه ای بیمه در فرهنگ دینی از جایگاه ارزشمند و مطلوبی برخوردار است.

نا گفته نماند بحث از مبانی بیمه در اینجا نظام بیمه ای به طور عام است نه نظام بیمه ای که وابسته به کمپانی های سرمایه داری و ابزاری در دست آنهاست. اصولاً بحث از مبانی در اسلام، مربوط به ماهیت نظام بیمه گری است.

در اینجا به پاسخ این پرسش ها، اجمالاً اشاره می شود که آیا کمک رساندن به زیان دیده از نظر اسلام مطلوب نیست؟ آیا تعاون و مدد نمودن به آسیب دیده بر اساس

نظام تعاونی و سیستم کمک رسانی آنچنان که در نظام بیمه ای که واسطه به نظام

سرمایه داری نیست، ارزش آن به لحاظ اجتماعی و اقتصادی از صدقه کمتر است؟

توزیع خسارت بر افراد سهامدار در بیمه و کاهش رنج آسیب دیده آیا ارزشمند نیست؟

آیا جبران خسارت هایی که ناشی از خطرها و آسیب هایی که در مورد اشخاص و

اشیاء وارد و ارادی و عمدی نیست و نجات افراد از سنگینی خسارت به وسیله

سهامداران نیست.

قرآن به مسلمانان دستور می دهد که در کارهای نیک همدیگر را یاری دهند^۱ و با

یکدیگر تشریک مساعی نمایند و در کارهای عام المنفعه مانند وقف و انفاق و صدقه

که خیر و برکتش به همه مردم می رسد مسلمانان یکدیگر را معاضدت و پشتیبانی

نمایند.

اصولاً تامین و رفاه نسبی، حقی از حقوق انسان هاست که برخورداری از آن را

خداوند برای همه افراد قرار داده است از این رو رفع نیاز افتادگان و نیازمندان در

مقررات مالی اسلام اندیشیده شده است و از وظایف حکومت شمرده شده است.

تشویق ها و ترغیب ها و توصیه های دینی به مسلمانان در انفاق و ایثار و سرپرستی

یتیمان و اطعام بینوایان و دستورات اکید احکام و جویی اسلام در پرداخت خمس و

زکوه و تعیین بخش مهمی از اموال تحت عنوان اموال عمومی و تعیین مصرف آن که

۱- قرآن کریم- سوره مائده آیه ۳ «تعاونوا علی البر و التقوی»

عمدتاً نیازمندان و در راه رفاه عمومی جامعه می باشد به جهت اهمیتی است که اسلام

برای تامین و رفاه نسبی جامعه قائل است.

بر حاکم اسلامی واجب است حقوق و اموال مربوط به بیت المال را گرفته و به همان

ترتیبی که خداوند برای مصارف آن که فقیران و بدهکاران و در راه ماندگان و در راه

آزاد کردن بردگان و کلیه مصارف عمومی و خیر است خرج کند^۱.

از اصول اجتماعی در تعالیم ادیان توحیدی، احیاء و تقویت حس خیر خواهی در

انسانها و ایجاد روحیه همکاری و تقارب بین انسانها بر پایه اصول انسانی و معنوی

است.

این که در متون دینی آمده است انسانها از یک مبدأ آفریده شده اند^۲ و معرفت به این

که همه از یک دیگرند و نوعی: ارتباط بین انسانها در اصل آفرینش بر قرار است

احساس اشتراک در اصل وجود و هستی را در انسانها زنده می گرداند و کمک متقابل

را در جامعه معنی دار می سازد. در این نگرش انسان هر کمکی که به دیگران نماید

نتیجه آن به خود وی بر می گردد و او از یاری نمودن به دیگران به لحاظ معنوی و

باطنی نیز سود می برد.

۱- قرآن کریم- سوره توبه، آیه ۵۹ «انما الصدقات للفقراء و المساکین...»

۲- محدث نوری، مستدرک الوسائل. جلد ۱۲، ص ۸۸ حدیث «فالناس بنو آدم و آدم خلق من تواب»

گفتار اول: نقش تعاون و همیاری در پیدایش نهاد بیمه

روحیه همیاری یکی از بنیان های تاسیس بیمه به شکل ابتدائی آن بوده است. گروه های انسانی در گذشته شیوه ای را جهت مقابله با پیش آمدهای احتمالی و مخاطرات پیش بینی نشده که امکان مواجه شدن هر یک از اعضاء گروه انسانی با آن می رفت اختراع کردند بدین گونه هر عضو تعهد می نمود که در شرایط عادی مبلغی را برای تشکیل صندوقی جهت کمک به افراد که دچار خطر و خسارت می شدند بپردازد و یا در برخی مواقع در هنگام ضرورت و نیاز کمک هایی جمع آوری و بر طبق اصول مورد توافق به فرد نیازمند اعطاء می گردید با این تعریف از بیمه ابتدای می توان گفت عمل بیمه گری مباشرت در امر تعاونی است. در بیمه اعم از بیمه تعاونی و خصوصی، تعاون و مشارکت در دفع خطر و زیان وجود دارد. بیمه گذاران در جبران خسارت هایی که به برخی از آنها وارد می شود همکاری دارند منتهی در بیمه تعاونی، همیاری به صورت مستقیم است و در بیمه خصوصی تعاون غیر مستقیم است. چون تجمع تعداد فراوانی از بیمه گذاران و متقاضیان بیمه در شرکت بیمه زمینه تشکیل سازمان بیمه را فراهم نموده است که دفع خطرها را بر عهده دارد. اگر چه عمل بیمه گذاران در پرداخت حق بیمه به سازمان بیمه تبرعی نیست و به قصد وانگیزه فردی و نفع مادی، حق بیمه را پرداخت می نماید تا خود را از آثار زیان بار خطرها حفظ کنند لکن می توان گفت بیمه در تمام اشکال آن متضمن روح تعاون و همکاری است زیرا

در صدق تعاون و مشارکت لزوماً تبرع شرط نیست یه عنوان مثال صاحبان حرفه ها و شاغلان در ادارات و سایر افراد که به امور عام المنفعه و مردمی می پردازد و نیازهای مردم را مرتفع می سازند. کار آنها مصداق مفهوم عام مشارکت و تعاون، است در عین این که مزد خود را دریافت می کنند با توجه به این معنی، بیمه را می توانیم به صورت یک حرکت حمایتی جمعی تحلیل کنیم که «افرادی از جامعه دور هم دیگر جمع شده اند مبالغی را در نظر گرفته اند یا پرداخت کرده اند که اگر حادثه ای برای افراد این جمع پیش آمد کرد آن مبلغ به حادثه دیده پرداخت شود» در بیمه اصل تعاون و همیاری در جبران خسارت های طبیعی یا خسارت هایی که ناشی از قصور و اهمال انسانهاست به خوبی مشهود است.

تعاون، نوعی همکاری و مساعدت متقابل افراد با یک دیگر است تا بر مشکلات و خطرهای اجتماعی که از حیثه اقتدار و اراده افراد خارج است فایق آیند.

در ادیان الهی عموماً و در دین مقدس اسلام خصوصاً^۱ تعاون و همکاری و کمک متقابل و روحیه جمعی مورد توصیه قرار گرفته و تعالیم دینی حتی احکام عبادی اسلام روحیه جمع گرایی را مورد خطاب قرار داده است قرآن مسلمانان را به اجرای اصول تعاون در زمینه امور نیک توصیه می نماید.^۲

۱- جهت بررسی تعاون در ادیان به کتاب « تعاون در اسلام و ادیان » نشوته منوچهر خدایار ص ۴ محبی: انتشارات بعثت سال ۱۳۳۹ مراجعه شود..

۲- حر عاملی، و سائل الشیعه، جلد ۱۱، ص ۵۸۶ .

اصولاً هر چیزی که از زمینه همکاری در راه نیکی و رفاه عمومی و رفع نیاز مادی و معنوی انسانها حکایت می کند مورد تشویق و تأکید اسلام قرار گرفته است. در فرهنگ اسلامی، جنبه های عاطفی و اخلاقی و انسانی جایگاه ارجمند و والایی دارد. احساس مسئولیت همگانی و تامین نیازهای اساسی دیگران و راهنما ورزیدن به سرنوشت هم کیشان مسلمانان بلکه همه آنها یک اصل مهم مسلمانی خوانده شده است.^۱

الف- بررسی نمونه های تاریخی مرتبط با نهاد بیمه

بررسی تاریخی نشان می دهد تعاون و کمک به نیازمندان و ستمدیدگان و تلاش در جهت رفع مشکلات آنها سابقه تاریخی ممتدی در فرهنگ اسلامی دارد که به چند نمونه از آنها اشاره می شود.

۱- حلف الفضول- حلف الفضول پیمانی است که پیامبر اسلام قبل از رسالت در آن شرکت و بعد از رسالت از آن با شکوه و عظمت یاد کرد.
داستان حلف الفضول نمونه روشنی از تعاون و همکاری جوانمردان قریش در دفاع از ستمدیدگان غریب و نا آشنا بود که زیر چتر حمایت انسانهای با فضیلت قرار می گرفتند.

۱- حر عاملی، همان منبع ص ۵۵۹ .

پیامبر اسلام (ص) در مورد حلف الفضول فرمود: « لقد شهدت حلفاً فی دار عبدالله بن

جدعان لو دعیت الی مثله لا جَبْتُ و مازاده الاسلام تشدیداً.^۱

«در سرای عبدالله بن جدعان در پیمانی حضور یافتم اگر در اسلام هم به مانند آن

دعوت شوم اجابت می کنم و اسلام استحکام چیزی بر آن نیفزوده است.»

ارزش چنین پیمانهای در حمایت ستمدیدگان و جبران خسارت ها، به روشنی از کلام

رسول خدا (ص) مشهود است.

سخنی راکه پیامبر اسلام در مورد این گونه پیمانهای باشکوه ابراز نموده اند نشانگر این

حقیقت است که اسلام از هر نوع پیمانی که در جهت حمایت از مظلوم باشد و مفهوم

حمایتی و امنیت شغلی و تأمین آرامش را داشته باشد استقبال و حمایت می کند.

معاهده مدینه- نخستین اقدامی که پیامبر اکرم (ص) به عنوان حاکم اسلامی در ایجاد

نظام سیاسی اسلام در آغاز ورود به مدینه انجام داد، دو معاهده قرار بود که یکی بین

طوایف مسلمانان انصار دیگری بین مسلمانان از یکسو و یهودیان از سوی دیگر بر

قرار ساختند.

در عهد نامه ای که بین مسلمانان منعقد نمودند و به عنوان اولین قانون اساسی مکتوب

از آن نام برده می شود اموری در آن معاهده در جهت تحکیم جامعه نوپای اسلامی

موردتوجه و تأکید قرار گرفت.

۱- آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، دانشگاه تهران، چاپ چهارم ص ۶۶

یکی از فزاینده‌های آن عهدنامه که متمم تکافل اجتماعی و مشارکت جمعی می باشد چنین است: «ان المومنین لایترکون مفرحاً بینهم ان بعطوه بالمعروف فی فداء او عقل» «مومنان هیچ فردی را که در اثر فشار قرض از پا در آمده است نباید به حال خود واگذارند و بر اساس عدالت و نیکوکاری در فدیة آزادی اسیران و پرداخت دیه و خونبها به او کمک نمایند» بدین ترتیب می بینیم همیاری و مشارکت در رسیدگی به امور ناتوانان به عنوان یکی از اصول جامعه اسلامی آن زمان مورد تأکید قرار گرفته است و از نخستین روزهای تأسیس جامعه اسلامی مورد توجه حاکم اسلامی پیامبر اسلام (ص) بوده است و پس از آن با وضع احکام و مقررات در تقویت بنیانهای انسانی و اخلاقی و اجتماعی تأیید و توسعه یافته است.

ب- رابطه اصل کفالت همگانی با نهاد بیمه

تأمین کامل وسائل زندگی افراد جامعه و بر خورداری آنها از نعمتهای الهی یکی از اهداف نظام حکومتی اسلام است. بخشی از تأمین این هدف بر عهده دولت است و بخشی بر عهده تک تک افراد جامعه، که از این وظیفه اسلامی به اصل کفالت همگانی تعبیر می شود یعنی افراد جامعه نسبت به هم دیگر مسئولیت متقابل دارند این اصل حاکی از لزوم تأمین نیازهای حیاتی و ضروری افراد جامعه است که در چارچوبه قوانین و مقررات دینی، مسلمانان جهان کفالت یک دیگر را بر عهده داشته باشند اسلام اصل کفالت عمومی را فرضیه ای مانند سایر فرایض، لازم الاجرا دانسته است. برای

آشنایی بیشتر با این اصل بعضی از حقوقی را متذکر می‌شویم تا میزان این مسئولیت همگانی را بهتر دریابیم. در حدیث صحیح از سماعه آمده است که «از امام جعفر صادق(ع) پرسیده شد که گروهی دارای مال و ثروت بسیار و عده ای سخت در تنگنایند به طوری که زکات هم در امور شان گشایش نمی‌دهند؟ آیا درست که در این دوره عده ای سیر و عده ای دیگر گرسنه بسر برند؟»

اما صادق(ع) پاسخ داد مسلمانان با هم برادرند نباید به یکدیگر ستم روا داشته وهم دیگر را خوار دارند نباید محرومیت هم راضی باشند.

به استناد حدیث فوق وسایر احادیث که در این زمینه نقل شده، مسلمانان نباید نیاز دیگران را نادیده گرفته و خویشان را غیر مسئول تلقی کند بلکه موظف است به وظیفه اجتماعی کفالت عمل نموده و به کمک افراد بشتابید و از آنها رفع نیاز کند.

اسلام کفالت همگانی را با اصل اخوت اسلامی مربوط گرفته تا نشان دهد که اصل مسئولیت متقابل اجتماعی از نظر علمی از مسأله اخوت دینی ریشه می‌گیرد.

حاجت هایی که به استناد حق مزبور (اصل اخوت اسلامی) باید بر آورده و ارضاء شوند آنهایی که از لحاظ اقتصادی، ضروری و لازم تشخیص داده می‌شود.

اسلام جهت تقویت احساس دینی و انگیزه های عاطفی و ایجاد مسئولیت متقابل همگانی یکی از امور مطلوب دین را «ادخال السرور علی المومن» معرفی کرده است و در تفسیر آن در متن حدیث آمده است که «محبوبترین کار نزد خداوند عزوجل،

شادمانی را بر مومن وارد نموده است. و آن عبارت است که گرسنگی او را سیر نماید،

گرفتاری اش را گشایش بخشد و دین و قرض او را اداء نماید»^۱

و در احادیث فراوانی، همدردی و غمخوارگی «مواساء» از نشانه های مسلمانان و شیعه

بودن شمرده شده است این احادیث در جلد ۱۱، وسائل الشیعه «ابواب خلل المعروف»

از پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) فراوان نقل شده است و مضمون کلی این

روایات اموری چون کمک ورزیدن به نیازمندان و شفاعت نمودن در رفع سختی و

گرفتاری آنهاست که سخت مورد تأکید و تشویق امامان علیهم السلام قرار گرفته

است.^۲

مسئولیت دولت در تأمین اجتماعی در کنار مسئولیت متقابل همگانی امت اسلامی،

محدود و منحصر به مسلمانان نیست لذا افرادی که در قلمرو دولت اسلامی زندگی

می کنند نیز اگر به علتی مانند پیری نتوانند کار کنند، هزینه زندگیشان از بیت المال

اسلامی تأمین می شود از علی (ع) نقل شده است که امام (ع) بر پیرمردی در مانده گذر

کرد که گدایی می کرد امیرالمومنین (ع) پرسید این چه موضعی است؟ پاسخ داده شده

شخصی است نصرانی.

۱- حر عاملی، رسائل الشیعه، جلد ۱۱، ص ۵۷۰.

۲- همان، ص ۲۲۲.

امام (ع) فرمود: تا وقتی جوان بوده از او کار کشیدید، اینک که پیر و درمانده شده
طردش کرده اید مخارج او را بیت المال بپردازید.^۱

گفتار دوم - ضمان جزیره و تاریخچه پیدایش آن در حقوق اسلامی

ضمان جزیره با عقد موالات عبارت از این است که: کسی بار ضایت و میل خویش با
دیگری پیمان بندد و او را ولی خود گیرد تا ضامن جنایات احتمالی و خطایی او شود
و در صورت سر زدن جنایت خطایی از ناحیه او که موجب ضرر و زیان به جان و مال
دیگری شود، ضامن طبق این عقد، خسارات های حاصله را جبران و دیه او را ارث
می برد اما او از ضامن ارث نمی برد مگر آنکه او نیز متقابلاً ضامن یک دیگر شوند
ضامن جزیره یا ولاء ضامن به دو صورت منعقد می شود اگر هر دو نسبت به یک
دیگر ضامن شوند صیغه عقد ضامن جزیره بدین صوت است: «با تو پیمان می بندم که
مرا یاری کنی و من تو را یاری کنم و شر دشمن را از من دفع کنی و من شر دشمن را
از تو دفع کنم و دیه مرا بپردازم و من دیه ترا پرداخت کنم و تو از من ارث ببری و من
از تو ارث برم و دیگری قبول کند. اگر یکی ضامن دیگری شود و بالعکس او ضمانت
متقابل نداشته باشد صیغه عقد ضامن جزیره چنین است. «با تو پیمان می بندم که مرا
یاری کنی و دشمن را از من دفع کنی و دیه مرا پرداخت نمایی و از من ارث ببری و
دیگری قبول کند.»^۲

۱- همان، ص ۴۹

۲- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، جلد ۳ ص ۶۴۷

پیمان ضامن جریره در دوره جاهلت مرسوم بوده و افراد بر اساس این پیمان از یک دیگر میراث می برند و اگر فردی می خواست نزدیکانش را از میراث خود محروم کند با بیگانه ای پیمان ضامن جریره می بست تا تنها او وارث اموالش باشد.

ضامن جریره در تمام موارد تایید دین اسلام قرار نگرفت، و در ابتدا ظهور اسلام مدتی پیمان ضامن جریره مرسوم بوده و بعد از آن، حکم ارث بری بر اساس ضامن جریره، به اسلام و هجرت ملغی شد یعنی هر گاه مسلمانی را فرزندی می بود که هجرت ننموده بود ارث آن مسلمان را باقی مهاجران می برند نه فرزندش و بعد از آن این هم به آیه «اولو الارحام» و به قرابت منسوخ شد.^۱

تنها موردی از ضامن جریره در شریعت اسلام پذیرفته شد عبارت است از این که: اولاً فردی به پیمان ضامن جریره اقدام می نماید که وارث دیگری از طبقات ارث فرزندان و نزدیکان و عصبه و ولاء عتق نداشته باشد. ثانیاً ضامن جریره و پرداخت دیه تنها در مورد جنایات و جراحات خطایی، مورد توافق قرار گیرد و دیه ای که به جای قصاص بر آن مصالحه و تراضی شود مشمول حکم ضامن جریره نیست.^۲

در عقد ضامن جریره به غیر از شروطی که در صحت عقد معتبر است شرط دیگری معتبر نیست اما به لحاظ ماهیت پیمان ضامن جریره تنها چیزی که در صحت ضامن

۱- قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۷۵، ۷۱

۲- نجفی، محمد حسن، همان، ص ۶۴۸

جریره معتبر است و قوام ضمان جریره به آن وابسته است این است که در ضمان

جریره بر سر «عقل» و «ارث» توافق شود چنانچه دو طرف عقد ضمان جریره یه یکی

از این دو بدون التزام به دیگری توافق نمایند ضمان جریره صحیح نیست.^۱

یعنی اگر فقط بر پرداخت دیه از جانب ضامن یا فقط بر ارث بردن ضامن بدون تعهد

به پرداخت دیه توافق و تراضی شود ضمان جریره باطل است.

الف- بررسی فقهی ضمان عاقله

در حقوق اسلامی قتل خطایی^۲ نیز مسئولیت مدنی دارد بدین معنا اگر کسی از روی

خطا مرتکب قتل یا جنایتی شود باید مبلغی که اندازه آن در فقه اسلامی مشخص شده

است به عنوان دیه با بازماندگان مقتول که اصطلاحاً «ولی دم» نامیده می شوند یا به

خود مجنی علیه پرداخت شود.

در حقوق اسلام «دیه» در دو مورد اعتبار شده است:

۱- در قتل و جنایت عمد در صورتی که جای قصاص بر «دیه» صلح و تراضی باشد.

حکم ابتدایی در قتل و جنایت عمدی، قصاص است یعنی کسی که قتل یا جنایتی را

عمداً مرتکب شده است باید قصاص شود. چنانچه اولیاء دم یا خود مجنی علیه با

جانی تراضی نماید و جای قصاص بر گرفتن «دیه» صلح نمایند قصاص که حق

شخصی است که «به» دیه تبدیل شود.

۱- ابوالقاسم ابن احمد یزدی، ترجمه فارسی شرایع الاسلام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ چاپ ششم، جلد ۴، ص ۱۵۶۵

۲- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، جلد ۲، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۲۵۹

۲- در صورتی که قتل یا جنایت واجد شرایط قصاص نباشد مانند قتل خطایی یا قتل شبیه عمد، که در این دو مورد، حکم ابتدایی شریعت مقدس بر ثبوت «دیه» می باشد.^۱
پرداخت دیه در صورت اول یعنی صلح و تراضی و هم چنین در قتل خطایی شبیه عمد بر عهده خود جانی است اما در قتل و جنایت خطا (از جانب موضحه به بالا) دیه بر عهده عاقله است، یعنی شارع حکم نموده است که عاقله طبق شرایط و ضوابط، دیه مقتول یا مجنی علیه را از ناحیه قاتل پرداخت نماید. پرداخت دیه بر عهده عاقله تقریباً نزد فقیهان مسلمان اجماعی است.^۲

ب- تعریف عاقله

عاقله به حسب از کلمه عقل اشتقاق یافته است و عقل به معنای «بستن» و «منع» و «نهی» و «دیه و خونبها» آمده است، عاقل را نیز که از «عقل» مشتق است بدان جهت عاقل گفته اند که خود را حفظ نماید و خویشتن را از هواهای نفسانی باز می دارد و عقلش او را از ورود در مهالک نگه می دارد و حفظ می کند. ریسمانی که دستان شتر را با آن می بندند عقال گویند.

با توجه به منشأ اشتقاق عاقله که عقال می باشد، پرداخت کننده دیه از بدان جهت عاقله نامیده اند شتر دیه را در آستانه در خانه ولی دم عقال می کند و یا از قاتل، تحمل

۱- ابوالقاسم بن احمد یزدی، ترجمه فارسی شدايع الاسلام، جلد ۴- ص ۱۹۷۰

۲- طوسی، (شیخ الطایفه) محمد بن الحسن، مبسوط، جلد ۸، ص ۱۷۳

عقل یعنی «دیه» می نماید. یا از عقل به معنای منع است چون پرداخت دیه، قاتل را از

قتل یا کسان مقتول را از انتقام، منع می کند.^۱

شیخ طوسی در وجه تسمیه عاقله می گوید در جاهلیت، عشیره و کسان قاتل با

شمشیر از او دفاع می کردند هنگامی که دین اسلام آمد، بستگان قاتل با مال از قتل او

منع می نمودند به همین جهت پرداخت کننده دیه را عاقله نامیده اند چون از قتل قاتل

مانع می شود.^۲

پرداخت دیه در جنایت خطایی از سوی عاقله بر حسب ترتیب میراث است یعنی به

همان ترتیب که ایشان از کسی که باید دیه او را بپردازند ارث می برند به لحاظ حکم

شرعی به همان ترتیب، متعهد هستند که دیه مقتول یا مجنی علیه را از سوی جانی

پرداخت نمایند.

و عاقله عبارتند از:

۱- عَصَبَه

۲- معتق

۳- ضامن جریره

۴- امام

۱- نجفی، محمد حسن، جواهر الحکام، جلد ۱۵، ص ۵۴

۲- طوسی، محمد بن الحسن، همان، ص ۱۷۳

ج- تعریف عصبه

به لحاظ معنای لغوی، عصبه جمع عاصب است و مقصود از آن نزدیکان ذکوری است که نزدیکی ایشان به شخص به وسیله نزدیکان ذکور (پدر و پسر و پسر پسر و پدر پدر و برادر و عمو و غیره) باشد.

طریحی در مجمع البحرین می گوید عصبه مرد و فرزندان و نزدیکان پدری او هستند. در صحاح اللغة^۱ آمده است، عصبه مرد فرزندان و نزدیکان از جانب پدرند و می گوید ایشان را از آن جهت عصبه گفته اند چون او را احاطه نموده اند پدر یک طرف خویشاوندی است، فرزند طرف دیگر و عمو یک جانب و برادر جانب دیگر است. و یا نزدیکان ذکور را از آن جهت عصبه گفته اند که برای حمایت از او، او را احاطه نموده اند. در جواهر الکلام آمده است آن چه از «عصبه» فهمیده می شود ایشان نزدیکان ذکور از جانب پدر هستند «المتقربون بالاب من الرجال» شیخ طوسی در معنای عصبه می گوید: ایشان برداران و برادرزادها و عموها و عموزادها و عمو پدر و جدی و فرزندان ایشان هستند.^۲

بنابر مشهور، عصبه خویشان ذکور پدری جانی هستند مانند برادران پدری و عموها و فرزندان ذکور آنها و عصبه به لحاظ معنای لغوی و عرفی به نزدیکان پدری اختصاص دارد و نزدیکان مادری را شامل نمی شود و در این که پدران به بالا و پسران به پایین

^۱- فارابی الجوهری، صحاح اللغة، جلد ۲، ص ۶۹۳

^۲- نجفی، محمد حسن، همان، ص ۵۱۹

در عصبه داخل اند و به طوری که حتی پدران و پسران را هم شامل شود یا خیر؟

اختلاف است، بدون شک پدران و پسران از همین جمله اند.^۱

بنابر این نزدیکان ذکوری که از جانب پدر با انسان نسبت داشته باشد اصطلاحاً عصبه

می شوند و شامل پدران اجداد و فرزندان و برادران پدری و فرزندان آنها و عموها

و عموزاده ها می شوند عصبه در زمره عاقله هستند و از آن جهت عصبه را عاقله

نامیده اند که باید دیه قتل و دیه در جراحات را از جراحات موضعه به بالا بپرازند.

همان گونه که در میراث، خویشان در ارث بردن مقدم بر ارث بردن ولایی هستند در

پرداخت دیه نیز، ایشان مقدم اند یعنی عصبه در مرتبه نخست از عاقله قرار دارند، و

پرداخت دیه بر عهده بستگان ذکور که عاقل و بالغ و ثروتمند باشند می باشد چنانچه

عصبه نبود یا توانایی پرداخت دیه را نداشت آزاد کننده (معتق) و پس از آن ضامن

جریره و سپس امام، همچون ترتیب نظام میراث، ملزوم و متعهد به پرداخت دیه هستند.

گفتار سوم: بررسی و تطبیق نهاد بیمه با نظام عاقله در حقوق اسلام:

پس از ذکر کلیاتی از مبحث و ضمان عاقله و نظام خاصی در سیستم حقوقی اسلام در

این موضوع اندیشیده شده است که به نظام عاقله مصطلح شده است و همانندی

فراوانی با بیمه امروزی دارد.

۱- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، جلد ۲، ص ۲۶۲

اصل نظام عاقله که پیش از اسلام رواج داشته و شارع مقدس الان نیز آن را پذیرفته و تایید نموده است حکمی است که بر اساس عادت نیک و همیاری بین گروه های خاصی، ابتناء یافته است و این نظام در جهت تخفیف زیان مالی که ناشی از قتل و غیره می باشد در دین اسلام مشروعیت یافته است.

نظام عاقله به مشخصه های زیر قابل کشف و دریافت است.

الف- بین ضمان عاقله و مبحث ارث نوعی تطابق و هماهنگی وجود دارد یعنی همان گونه که در مبحث ارث مرتبه خویشان و نزدیکان متوفی در میراث، بر ولاء عتق و ولاء ضمان جریره و ولاء امامت مقدم است در ضمان عاقله، عهد و عصبه (مردان بالغ از اهل عشیره) و معتق (آزاد کننده) و ضامن جریره و امام در پرداخت دیه بر حسب همان ترتیب مذکور در ارث، در اینجا اعتبار شده است و تعهد هر کدام در پرداخت دیه از مراتب بعدی ضمان عاقله پس از فقدان مرتبه قبلی ملحوظ شده است^۱.

ب- همراهی امتیاز مثبت و منفی- به این معنا که پرداخت غرامت و خسارت در ضمان عاقله با ارث بردن، در کنار هم دیده شده است یعنی اگر عاقله در موردی باید خسارت و غرامت بپردازد در جای دیگر هم ذینفع است به عبارت دیگر نوعی تلازم بین غنیمت و غرامت در این جا وجود دارد و این امتیاز مثبت و منفی متلازم، از مصادیق قاعده (من له الغنم فعليه الغرم) محسوب می گردد.

۱- نجفی، محمد حسن، همان، ص ۵۳۱.

ج- در نظام عاقله تنها مسئولیت و ضمانت جنایت خطایی بر عهده عاقله است و مسئولیت قتل و جنایت عمدی یا خطای شبه عمد بر عهده و خود جانی است و حتی چنانچه جانی با ولی دم یا مجنی علیه تراضی نماید و قصاص به دیه تحویل شود باز مسئولیت پرداخت غرامت و دیه بر عهده خود جانی است و عاقله هیچ تعهد شرعی در پرداخت دیه از قسم دوم ندارد.^۱

از طرفی با نگاهی به نظام بیمه ای نیز در می یابیم تنها خطرهای و خسارت های غیر عمد و ناشی از خطا و قصور، بیمه پذیر است و خسارتی که از قصد و عمد بیمه گذار ناشی شده باشد از ناحیه بیمه گر جبران نمی شود و بیمه گر هیچ گونه تعهدی نسبت به آن موارد ندارد. علت چنین تصمیمی هم در نظام عاقله و هم در نظام بیمه ای روشن است چون اگر تقصیر و جنایت عمدی بیمه گذار، بیمه پذیر باشد در جامعه نابسامانی و ارتکاب جنایت رواج می یابد زیرا جانی احساس می کند در قبال جنایات خود مسئولیتی ندارد.^۲

گفتار اول: تطبیق بیمه و ضمان جریره در حقوق اسلامی:

یکی از موارد نظام عاقله که ضمان جریره می باشد همانندی بیشتری از سایر موارد، با بیمه دارد. چون در ضمان جریره حمایتی اختیاری و مبتنی بر اساس عقد قرارداد، از خطا کار می شود بر خلاف ضمان عاقله (در عصبه) که این حمایتی طبیعی و به لحاظ

۱- نجفی، محمد حسن، همان

۲- گرجی، ابوالقاسم، همان .

شرعی، حکمی قهری است یعنی در ضمان عاقله (عصبه) امتیاز مثبت و منفی در هر دو قهری و مستقیماً مجعول شارع است اما در ضمان جریره این امتیاز بر اساس عقد و قرارداد و تابع اراده و پیمان طرفین است. از این رو می بینیم در عقد موالات یا ضمان جریره نوعی رابطه حقوقی ایجاد می شود که ناشی از اراده طرفین است و بر اساس تعهد آن ها ضمان جریره قوام و استقرار می یابد یعنی شخصی که متعهد می شود غرامت مالی مترتب بر جنایت خطایی دیگری را به پردازد در مقابش شخص متعهد (ضامن) از طرف دیگر قرار داد ضمان جریره، در صورت وفات او، ارزش ارث می برد. از مقایسه ضمان جریره و بیمه معلوم می گردد که عقد ضمان جریره صورت زنده ای از یکی از صورت های بیمه به نام «بیمه مسئولیت» است که امروزه رواج دارد چون عقد موالات و اجد تمام ارکان عقد بیمه مسئولیت است.

عقد بیمه مانند هر عقد دیگری مشتمل بر ایجاب و قبول و طرفین قرارداد (بیمه گر و بیمه گذار) و موضوع (شخص یا مال و نظایر آن) عوض و معوض (مبلغ و قسط بیمه ای) می باشد عقد ضمان نیز عقدی مشتمل بر ایجاب و قبول است ضامن جریره حکم بیمه گر را دارد چون ضامن مانند بیمه گر متعهد به پرداخت غرامت در صورت وقوع جنایت احتمالی است طرف دیگر در عقد ضمان جریره که نقش مضمون عنه و مضمون له هر دو را دارد به منزله بیمه گذار است مبلغ مورد بیمه همان غرامتی است که ضامن در صورت وقوع جنایت خطایی می پردازد و قسط بیمه ای همان حق

میراث بری وی است که بر اساس توافق عقد ضمان جریره، برای وی ایجاد شده است و خطر مورد بیمه نیز همان جرم و جنایت خطایی و احتمالی است که ممکن است از مضمون عنه سر بزند.

بیمه مسئولیت عقدی است که به موجب آن بیمه گر متعهد می شود خسارت وارده از ناحیه بیمه گزار بر اشخاص دیگر را جبران نماید. موضوع بیمه مسئولیت، خسارتی است که شخص به واسطه ارتکاب غیر عمدی بر دیگران وارد می آورد شرکت بیمه در چنین حالتی خسارت وارده را می پردازد. مثلاً در مورد حوادث رانندگی مالک یا راننده ماشین نسبت به ضرر و خسارتی که از ناحیه آنها در حوادث رانندگی به دیگری وارد می آید ضامن هستند ضررها ممکن است مالی یا جانی باشد که مستلزم پرداخت خسارت یا دیه است این التزام و تعهد را مسئولیت مدنی می نامند فردی یا شرکت بیمه قرار داد می بندد که مسئولیت مدنی خود را نسبت به شخص ثالث که مورد زیان و خسارت قرار می گیرد بیمه نماید، بیمه مسئولیت به حوادث رانندگی منحصر نیست و در نظام بیمه ای قلمرو گسترده ای دارد و بیمه گذار می تواند با بستن قرار داد، تمام مسئولیت های مدنی خود را به جز مسئولیت مدنی ناشی از عمد را بیمه نماید.

با مقایسه بین ضمان جریره که سابقه ای به سابقه فقهات بلکه شریعت اسلام دارد با بیمه مسئولیت مدنی، و شباهت فراوان بین این دو پیمان که هر دو پیمانی اختیاری و ناشی از توافق دو اراده است و نوعی توازن بین منفعت و غرامت در آن برقرار است

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

برخی از دانشمندان حقوق اسلامی از مشروعیت و صحت ضمان جریره بر درستی

بیمه استدلال نموده اند و یا ضمان جریره را همان بیمه مسئولیت دانسته اند.^۱

۱- ر.ک. القرضاوی، یوسف، الاسلام و قضا یا الساعه، ص ۲۱

گفتار دوم: مقایسه بیمه شخص ثالث با ضمان عاقله و ضمان جریره:

عده ای برای مشروعیت بخشیدن به بیمه شخص ثالث، ضمان عاقله را نوعی بیمه اجباری خانوادگی و ضمان جریره در زمان گذشته را، از مصادیق بیمه شخص ثالث دانسته اند^۱ و بدین ترتیب به مطابقت آنها حکم کرده اند. مطابقت ضمان جریره با بیمه بدین صورت است که: عقد بیمه مانند هر عقد دیگری، مشتمل بر ایجاب و قبول، طرفین قرار داد (بیمه گر و بیمه گذار)، موضوع (شخص، مال و نظایر آن)، عوض و معوض (مبلغ و قسط بیمه ای) است. عقد ضمان جریره نیز عقدی مشتمل بر ایجابات و قبول است. ضامن در ضمان جریره، حکم بیمه گر را دارد چون ضامن مانند بیمه گر، متعهد به پرداخت غرامت در صورت وقوع جنایت احتمالی است. طرف دیگر در عقد ضمان جریره که نقش مضمون عنه و مضمون له، هر دو را دارد بمنزله بیمه گذار است. مبلغ مورد بیمه همان غرامتی است که ضامن در صورت وقوع خطائی می پردازد و قسط بیمه ای، همان حق میراث بری وی است که بر اساس توافق عقد ضمان جریره، برای وی ایجاب شده است. خطر مورد بیمه نیز همان جرم و جنایت خطائی و احتمالی است که ممکن است از مضمون عنه سر بزنند.

حال سؤال ما این است که، آیا بین بیمه و ضمان جریره و یا ضمان عاقله، وجه تشابه به نحوی که بتوان آنها را مانند یکدیگر دانست وجود دارد؟ به عبارت دیگر آیا امکان

۱- یوسف القرضوی، الاسلام و قضایا الساعه، ص ۲۱ و ابولقاسم گرچی، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۷.

ایجاد تامین نسبت به دیه بوسیله بیمه شخص ثالث از طریق این شباهت ظاهری وجود

دارد؟

در پاسخ باید گفت که اگر چه بیمه شخص ثالث توانسته است که بسیاری از خسارت‌ها را جبران کند و در حقیقت نوعی تعاون و کمک مالی برای خسارت دیده به حساب می آید اما باید گفت که وجود شباهت صوری در این مورد و احیاناً موارد دیگر، برای تطبیق واقعی و حقوقی این دو تأسیس حقوقی متفاوت، کافی نیست زیرا:

۱- اگر بنخواهیم به صرف جبران خسارت بودن و تعاون و کمک مالی که بیمه شخص ثالث برای خسارت دیده دارد آن را با ضمان عاقله و ضمان جریره مطابقت داده و بگوئیم که بیمه، همان ضمان عاقله و ضمان جریره در زمان گذشته می باشد در حقیقت فرقی با حنفی ها نخواهیم داشت زیرا آنها نیز اهل نصرت بودن را علت حکم ضمان عاقله دانسته اند و به همین علت حکم ضمان عاقله را توسعه بخشیده و به موضوعات دیگر نیز سرایت داده اند. (آنان در گذشته اهل دیوان و در زمان حاضر سندیکا^۱ را مسئول پرداخت دیه دانسته اند). در حالیکه ما نظر حنفی ها را قبول نداشته و معتقدیم که اهل نصرت بودن برای عاقله حداکثر در حد یک قید می باشد و نمی توان تنقیح مناط نموده و حکم را به افرادی غیر از عاقله ولو اهل نصرت باشند، سرایت داد.

۱- سندیکا: اجتماع عده ای از مردمان صاحب شغل واحد یا همانند یا مرتبط به قصد دفاع از منافع مربوط به حرفه خود. رک به محمد جعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق .

۲- بنابر عقیده ای دیه ماهیتاً مجازات می باشد و مجازات هر شخصی را خود او باید متحمل شود اما پرداخت دیه توسط عاقله و یا ضامن جریره شخص، با اینکه بر خلاف اصل شخصی بودن مجازات ها می باشد اما با اهداف کلی نظام حقوق جزای اسلام سازگار بوده است بر خلاف بیمه که با پرداخت دیه، زمینه را برای از بین بردن حفظ مصلحت نفوس که یکی از مصالح ۵ گانه می باشد فراهم نموده است.

۳- ضمان جریره یا ولای موالاه، گذشته از آنکه در مکاتب فقهی دیگر به غیر از حنیفه و زیدیه پذیرفته نیست، استثنایی بر اصل شخصی بودن مجازات ها می باشد و دلیل خاص دارد و چیزهای دیگر را نباید بر آن مقیاس کرد^۱.

در نظام حقوقی معاصر، با وجود نظام اجتماعی حاکم بر جامعه ایران. امکان عمل به احکام ضمان عاقله وجود ندارد و عدم قابلیت اجرای احکام ضمان عاقله وجود ندارد و عدم قابلیت اجرای احکام ضمان عاقله با آن ترتیبی که در قانون مجازات اسلامی مقرر شده است، محرز و مسلم است بنابراین، شایسته است، قوه مقننه در این موارد قانونی تجدید نظر اساسی بنماید. عمل شرکت های بیمه در انعقاد قرارداد بیمه مسئولیت حقوقی و بیمه شخص ثالث (دیه) راه حل خوبی است برای رفع پاره ای از مشکلات جامعه در ارتباط با دیه ناشی از جرایم رانندگی، ولی این اقدام کافی نیست و افراد زیادی هستند که به خاطر عجز از پرداخت دیه در زندان بسر می برند. لذا باید

۱- خامنه ای، سید محمد، بیمه در حقوق اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اسفند ۵۹، ص ۱۶۱.

با استفاده از روح حاکم بر حکم ضمان عاقله و با نگرش به سابقه تاریخی این حکم که صورت بیمه متقابل و دو جانبه دانست^۱، ضابطه ی ایجاد نمود تا آحاد ملت و در همه جرایم خطایی تامین داشته باشند تا اگر افرادی بدون آنکه جرمی مرتکب شوند که قابل سرزنش باشد و به خاطر عدم شکن مالی و نبود پشتوانه و حامی در زندان بمانند. راهکار مناسب، ایجاد و تقویت صندوق دیات با مشارکت همه آحاد مردم از طریق اخذ وجوه معین به نحو قانونی و واریز آن به صندوق مورد نظر است که از این طریق جایگزین مناسبی برای عاقله بوجود آورد.

۱- اصلانی- نعمت ا...، تحلیل مسئولیت عاقله در حقوق کیفری اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام جعفر صادق (ع) تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۱.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

فصل چهارم:

مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در حقوق

ایران و سایر کشورها

مبحث اول :

بررسی اجمالی قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری زمینی :

خسارات و حوادث زیانبار و غمبار ناشی از حوادث رانندگی در کشور ما روز به روز در حال افزایش است و لزوم وجود قواعد خاص و قاطعی که حقوق زیان دیده را به سهولت جبران کند، بیش از پیش احساس می شود. اینک در کشور ما بیمه مسئولیت جبران زیان های ناشی از حوادث رانندگی، به موجب قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی مصوب سال ۱۳۴۷، اجباری است و خسارت ناشی از این حوادث علی الاصول، بر مالک وسیله نقلیه تحمیل می شود. مگر این که دارنده، وقوع یک عامل خارجی را که سبب شده رابطه علیت بین حادثه زیانبار و وسیله نقلیه قطع شود، اثبات کند. به موجب قانون مذکور، زیان دیده نیازی به اثبات تقصیر دارنده ندارد. همچنین مقررات دیگری در قانون مجازات اسلامی، در خصوص جبران خسارات ناشی از تصادم، منحصرأ در مورد راننده وسیله نقلیه مقرر شده است که با توجه به نوع وسیله نقلیه، حکم به جبران خسارت می نماید. نهایتاً تقصیر راننده وسیله نقلیه موتوری، می تواند در مسئولیت دارنده موثر باشد.

آنچه در این پایان نامه بررسی می شود، مسئولیت دارندگان وسیله نقلیه، به جبران خسارت ناشی از حوادث رانندگی در حقوق ایران، همراه با مطالعه تطبیقی مختصر حقوق کشور فرانسه، مصر و سیستم کامن لاو است.

انسان از دیر باز برای حمل و نقل کالا و جابجایی مسافر از وسایل نقلیه گوناگون استفاده می کرده است. در جهان امروز که دنیای سرعت و ارتباطات است، وسایل نقلیه به نحو شگرفی دگرگون شده و تحولات بسیاری در جهت ایجاد سرعت و در عین حال امنیت، در این وسایل پدید آمده است. در بین وسایل نقلیه عصر حاضر، اتومبیل از جایگاه ویژه ای برخوردار است. استفاده از این وسیله به نحو چشمگیری توسعه یافته و هر روز نیز گسترده تر می شود. به موازات این گسترش، خطرات ناشی از این وسیله نیز افزایش یافته و ما هر روز شاهد زیان های و مالی مربوط به آن هستیم که متأسفانه رقم این خسارات در کشور ما رو به افزایش است.

به جهت اهمیت موضوع و به منظور حفظ حقوق زیاندیدگان از خسارات ناشی از وسایل نقلیه موتوری و بخصوص حوادث رانندگی، قانونگذاران اکثر کشورهای دنیا، اقدام به تدوین قوانین خاص نموده اند. در کنار این قوانین، مقررات مربوط به بیمه اجباری مسئولیت، بیش از پیش به یاری زیاندیدگان شتافته است. در بین کشورهای خارجی، زلاندنو مهمترین گام را برداشته است و با سیستمی شبیه به تامین اجتماعی، کلیه خسارات مادی ناشی از حوادث رانندگی را جبران می کند. در ایالت کبک کانادا نیز از سال ۱۹۷۷، بیمه اتومبیل و جبران خسارات ناشی از حوادث رانندگی، به تشکیلات اداری واگذار شده است. نیمی از ایالات متحده امریکا، در دهه ۱۹۸۰-۱۹۷۰ از قوانینی بهره مند شده اند که همه خسارات زیاندیدگان را بطور مبنایی جبران می کند.

گفتار اول:

مسئولیت مدنی دارنده وسیله نقلیه موتوری زمینی در حقوق ایران:

در کشور ما مسئولیت مدنی دارنده وسیله نقلیه موتوری، یعنی مسئولیت جبران خسارت ناشی از حوادث رانندگی، از قانونی مربوط به بیمه مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی مصوب سال ۱۳۴۷، استخراج می شود. با توجه به قانون فوق الذکر آنچه از آن پس مطالعه خواهد شد عبارتست از:

۱- وسیله نقلیه مورد بحث کدام است؟

۲- شخص مسئول کیست؟

۳- مبنای مسئولیت چیست؟

۴- چه خساراتی قابل جبران است؟

۵- عوامل رفع مسئولیت کدام است؟

هنگامی که به سبب دخالت یک وسیله نقلیه خسارتی به بار می آید، اولین پرسشی که در ذهن وارد می شود، این است که مسئول کیست، به بیان بهتر این سوال مطرح می شود که خسارت به بار آمده را چه شخصی باید جبران کند؟ در سیستم های حقوقی نظیر حقوق ایران، که مسئولیت مدنی (مسئولیت جبران خسارت) علی الاصول مبتنی بر تقصیر است. یافتن شخص مقصر و اثبات تقصیر او، زیانده را با دشواری روبرو ساخته و گاه جبران خسارت را غیر ممکن می سازد. به این دلیل، وجود قوانینی که

بتواند بدون اثبات تقصیر، مسئولیت را بر شخصی که قانون، او را مسئول فرض کرده یا مسئولیتی مطلق بر او تحمیل نموده، بیش از پیش احساس می شود. امروزه با توجه به خسارات سنگین ناشی از حوادث رانندگی، اکثر کشورها بدون توجه به اختلافی که در سیستم های حقوقی آنان وجود دارد، به دنبال تحقق یک هدف مشترک، یعنی تضمین و تامین حقوق زیاندریده هستند و به همین دلیل قواعد مربوط به جبران این گونه خسارات در این کشورها به یکدیگر نزدیک شده است. در کنار این قوانین، بیمه مسئولیت، نسبت به خسارات ناشی از حوادث رانندگی، اجباری است تا بدین وسیله زیاندریده بتواند خسارت خود را بدون خطر مواجه شدن با شخص مسئول جبران کند.

در حقوق ایران تا سال ۱۳۴۷ که قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی (بیمه شخص ثالث) به تصویب رسید، خسارات ناشی از وسایل نقلیه از جمله تصادفات رانندگی، با توجه به مقررات عمومی مسئولیت مدنی مندرج در قانون مدنی (ماده ۳۳۵ این قانون و قانون مسئولیت مدنی)، جبرانی می شد. ولی چون مسئولیت موضوع این مقررات، مبتنی بر تقصیری است که باید زیاندریده آن را اثبات کند. این تکلیف دشوار، اغلب زیاندریده را به مقصود نمی رساند. اما بعد از سال ۱۳۴۷، قانون بیمه اجباری، به کمک زیاندریدگان شتافت و یا شناسایی یک مسئولیت خاص که به مسئولیت عینی بسیار نزدیک است، این دشواری را آسان نمود. در عین حال این اشکال هنوز باقی است که با فقدان قانون خاص در مورد خسارات ناشی از وسایل

نقلیه، و بخصوص حوادث ناشی از رانندگی، ما ناچار هستیم در این مورد از قانون بیمه استفاده کنیم: علاوه بر قانون مذکور بسیاری از احکام مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی راه، باید در قانون مجازات اسلامی جستجو کرد (مواد ۳۳۶ و ۳۳۷). در مقررات پراکنده نیز، احکامی در این مورد می توان یافت. نظیر قانون ایمنی راه ها مصوب ۷ تیر ۱۳۴۹، قانون رسیدگی به خسارات ناشی از تصادفات رانندگی وسیله نقلیه موتوری مصوب ۱۳ آذر ۱۳۴۵ و قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرائم رانندگان مصوب ۳۰ خرداد ۱۳۵۰.

احکام مذکور عمدتاً ناظر به مسئولیت راننده است. متنها در مواردی که راننده مرتکب خطایی در بروز خسارت نشده باشد و در صورتی که مالک مسئولیت خود را بیمه کرده باشد، زیان دیده می تواند خسارت خود را از بیمه دریافت کند. برای نمونه، ماده ۴ قانون ایمنی راه ها و راه آهن مصوب ۱۳۴۹/۴/۷، چنین مقرر می دارد: « ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسایط نقلیه غیر مجاز، عبور دادن دام در آزاد راه ها و همچنین توقف وسایط نقلیه در خطوط عبور ممنوع است. هر گاه به دلایل مذکور حادثه ای رخ دهد که منجر به ضرب یا جرح یا قتل یا خسارت مالی شود، راننده ای که وسیله نقلیه او مجاز به حرکت در آزاد راه باشد، نسبت به موارد فوق مسئولیتی نخواهد داشت ... » عدم مسئولیت راننده مذکور، مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود.

مشابه این مقررات را در ماده ۸ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرائم رانندگی، مصوب سال ۱۳۵۰ نیز، می توان دید. به موجب این قانون هر گاه عابر پیاده، در عبور از محل سواره رو و غیر مجاز، با وسیله نقلیه ای تصادف کند و راننده آن هیچ تقصیری مرتکب نشده باشد، زیان دیده می توان برای جبران خسارت خود، از مقررات بیمه استفاده نماید. اما باید توجه داشت که اگر دارنده. مسئولیت خود ا بیمه نکرده باشد، زیان دیده نمی تواند به استناد قوانین مذکور، برای جبران خسارت خود به شخص دارنده مراجعه کند:

زیرا اولاً: بیمه، پرداخت خسارت را در مواردی در برابر دریافت حق بیمه تقبل می کند

که در صورت فقدان چنین بیمه ای نمی توان مسئولیتی بر دارنده تحمیل نمود.

ثانیاً: مقررات مربوط به عدم مسئولیت راننده نسبت به خسارات وارده بر اشخاص

ثالث (که خود مقصر بوده اند)، منحصر به عبور پیاده از محل ممنوع یا برزگراه ها و

محل های غیر مجاز است، که این موارد، نسبت به مقررات ماده ۱ قانون بیمه اجباری،

خاص محسوب می شود و مسئولیت عام دارنده را از این حیث تخصیص می دهد.

در کشور فرانسه تا سال ۱۹۸۵، خسارات ناشی از وسایل نقلیه با توجه به بند ۱ ماده

۱۳۸۴ قانون مدنی این کشور، جبران می شد که هر چند با فرض مسئولیت

برای محافظ شیء ای، از زیان دیده حمایت می کرد اما اختصاص به حوادث رانندگی

نداشت، به همین جهت در ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ مقررات جدیدی در خصوص جبران

خسارات ناشی از حوادث رانندگی به تصویب رسید که اختصاص به نحوه جبران همین خسارات داد.

در سیستم کامن لاء، مسئولیت به جبران خسارت ناشی از حوادث رانندگی تحت عنوان مسئولیت مطلق^۱ قرار دارد که به کمک آن زیان دیده می تواند بدون نیاز به اثبات تقصیر شخص مسئول، خسارت وارده بر خود را جبران کند^۲.

مسئولیت مطلق مسئولیتی است که حتی با اثبات دخالت قوه قاهره نیز منتهی نمی شود و در هر حال بر شخص مسئول تحمیل می گردد؛ مانند مسئولیت غاصب در حقوق ایران.

الف) وسیله نقلیه چیست؟

وسایل نقلیه انواع مختلف داد، بعضی با قدرت موتور در روی زمین حرکت می کند، بعضی در هوا و برخی در آب حرکت می کنند. اما وسیله نقلیه مورد بحث ما بنا به تعریف ماده ۱ قانون بیمه اجباری مسئولیت (ق.ب.ا.م.) عبارتست از: وسایل نقلیه موتوری زمینی، انواع تریلر و یدک کش متصل به این وسایل و قطارهای راه آهن و به موجب ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون مذکور منظور از وسیله نقلیه موتوری زمینی، هر نوع وسیله ای است که با قدرت موتوری زمینی با ریل حرکت می کند. بنابراین وسایل

1- Strict liability

2- Prosser (William) the law of torts, west publishing co. 1971. p 486

نقلیه دریایی، هوایی یا وسایل نقلیه غیر موتوری زمینی، مانند دوچرخه و چرخ دستی از شمول قانون و موضوع بحث ما خارج است.

بر خلاف حقوق ایران در قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ فرانسه، قطارهای راه آهن از شمول قانون مربوط به حوادث رانندگی خارج شده اند.

لازم به ذکر است که تریلر و یدک کش، هنگامی که متصل به وسیله موتوری باشند،

مشمول قانون بیمه اجباری هستند: بنابراین هر گاه مثلاً بر اثر حرکت یدک کشی که از وسیله نقلیه جدا شده و در کناری متوقف است. زیانی به بار آید. قواعد عمومی

مسئولیت مدنی حاکم است نه قانون بیمه اجباری. در حالیکه بر عکس. اگر این یدک

کش متصل به وسیله نقلیه باشد (ولو وسیله در حال حرکت نباشد) و از آن جدا شده و

خساراتی به بار آید. خسارات وارده، بر اساس قانون بیمه اجباری جبران می شود. به

بیان دیگر وسایل متصل به وسیله موتوری، مستقلاً وسیله موتوری محسوب نمی شوند

بلکه اتصال آن ها به وسیله نقلیه موتوری است که آن ها را مشمول قانون قرار داده

است. علاوه بر این، خسارات ناشی از محمولات وسایل نقلیه نیز، با استفاده از قانون

مذکور جبران می شود؛ مثل خسارات ناشی از پرتاب آجر از کامیون حامل آن.

لازم نیست وسیله نقلیه موتوری در حال حرکت باشد، بلکه زیان های ناشی از وسایل

نقلیه متوقف نیز، مشمول همین قانون است. به عبارت دیگر، خسارات باید عرفاً

منسوب به وسیله نقلیه باشد: مثلاً هر گاه بر اثر سر ریز شدن نفت از تانکر حمل نفت،

آتش سوزی ایجاد شود. این حادثه منسوب به وسیله نقلیه است. هر چند تانکر در حال حرکت نباشد.

(ب) شخص مسئول کیست؟

قانون بیمه اجباری مسئولیت، (مصوب سال ۱۳۴۷) شخص مسئول را چنین معرفی کرده است: کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی ... اعم از اینکه شخصی حقیقی یا حقوقی باشند. مسئول جبران خسارات بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسیله نقلیه مزبور یا محمولات آنها، به اشخاص ثالث وارد می شود ...

قانون مذکور و تعریف ارائه شده، این سوال را در ذهن ایجاد می کند که منظور از دارنده وسیله نقلیه کیست؟ آیا دارنده همان مالک است یا اینکه می توان شخصی را که بر وسیله نقلیه تسلط دارد یا متصدی آن است نیز مسئول شناخت؟ به عبارت دیگر آیا می توان در حقوق ایران، معنایی مترادف آنچه در حقوق فرانسه برای واژه *Gardian* (دارنده) می شناسند، شناخت؟ در حقوق فرانسه منظور از گاردین (محافظ) شخصی است که اداره و کنترل شیء ای را در دست دارد و هر گاه از شیء ای تحت کنترل او خسارتی به بار آید، بدون نیاز به اثبات تقصیر، مسئول جبران آن خسارت است. اما با توجه به مفاد ماده ۱ قانون بیمه اجباری مسئولیت، (ق.ب.ا.م.) که دارنده وسیله نقلیه را مکلف به بیمه کردن مسئولیت خود نموده است و نیز ماده ۳ همان قانون که مقرر می دارد: از تاریخ انتقال وسیله نقلیه، کلیه تعهدات ناشی از قرارداد بیمه، به منتقل الیه

وسیله نقلیه منتقل می شود..» می توان چنین استنباط کرد که منظور از «دارنده» همان مالک وسیله نقلیه است نه متصرف در آن^۱ زیرا نمی توان متصرف در وسیله نقلیه را که ممکن است به آسانی تغییر یابد مکلف به بیمه مسئولیت نمود بنابراین آسانترین راه دستیابی به جبران خسارت، مسئول دانستن شخصی است که نزدیکترین رابطه با شیئی دارد و این شخص حتی اگر خود متصرف وسیله نقلیه نباشد مالک آن است به همین علت در خسارات ناشی از حوادث رانندگی جبران خسارت توسط شرکت بیمه صورت می گیرد و به عبارت دیگر مسئولیت جبران خسارت بر مالک تحمیل می شود حتی اگر راننده مالک وسیله نقلیه نباشد مگر این که راننده ای که مالک نیست مرتکب جرمی شده باشد که در اینصورت شخصاً مجازات می شود در مواردی که مالک وسیله نقلیه مسئولیت خود را بیمه نکرده باشد باز هم مسئول جبران خسارت خواهد بود در اینصورت زیان دیده مجبور است با طرح دعوی علیه مالک، خسارت خود را مطالبه کند این راه منافاتی با امکان مراجعه مالک به شخص زیان رساننده مانند سارق اتومبیل یا شخصی که وسیله نقلیه را به امانت گرفته ندارد، مثلاً هرگاه شخصی که مسئولیت خود را بیمه نکرده اتومبیل خود را در اختیار دوستش قرار دهد و بر اثر تصادم زیانی به دیگری وارشد شود زیان دیده می تواند خسارت خود را از مالک دریافت کند و مالک نیز می تواند برای آنچه به او زیان دیده پرداخته به دوست خود (در صورتی مقصر

۱- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، شماره ۳۰۸۰

باشد) مراجعه کند بیمه نمودن مسئولیت این حسن را دارد که زیان دیده بدون نیاز به طرح دعوی می تواند با طی مراحل تشریفات لازم (از قبیل گزارش افسر متخصص و ترسیم کروکی تصادم) به شرکت بیمه مراجعه کرده و خسارت خود را دریافت کند. در قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ فرانسه، تصریحی در خصوص مسئولیت مالک وسیله نقلیه دیده نمی شود اما به نظر دکتترین این کشور، شخص محافظ یا راننده به تناسب مورد مسئول خواهد بود اما مالک بودن اماره ای است برای مسئولیت در سیستم کامن^۱ مالک اتومبیل مسئول جبران خسارت ناشی از وسیله نقلیه خودش است اما در عین حال گاهی ممکن است راننده مسئول شناخته شود

در آلمان، اتریش، سوئیس و ژاپن مسئولیت مطلق ناظر به تصرف وسیله نقلیه است در حقوق مصر مسئولیت جبران خسارت هنگامی به مالک تحمیل می شود که بتوان او را محافظ *Gardian* وسیله نقلیه دانست.

گفتار دوم: مبنای حقوقی مسئولیت مالک وسیله نقلیه

منظور این است که مسئولیت مالک وسیله نقلیه، بر مبنای کدام تئوری حقوقی استوار است؟

برخی از حقوقدانان^۳ سه نظریه را مهم تر از نظریات دیگر دانسته اند:

(۱) فرض تقصیر برای دارنده

^۱ -John,G.Fleming An.Introduction to thr Law of tort , 2nds edition p.422

۲- آلسنهوری، احمد، الوسیط، القا، دارلسهضه العربیه القا، جلد ۱، ش ۷۲۶

۳- کاتوزیان، ناصر، همان

۲) تخلف از تعهد مربوط به حفاظت وسیله نقلیه

۳) مسئولیت بدون تقصیر بر مبنای نظریه خطر

الف) با توجه به ماده ۱ (ق. ب. ا. م) که دارنده وسیله نقلیه مسئول جبران خسارت معرفی می کند، فرض تقصیر برای دارنده صحیح به نظر نمی رسد. ممکن است گفته شود با توجه به این که در حقوق ایران، مبنای مسئولیت مدنی بر تقصیر استوار است، قانونگذار در این مورد نیز مسئولیت دارنده را بر تقصیر بنا نموده ولی به منظور سهولت جبران خسارت برای دارنده وسیله نقلیه «فرض تقصیر» نموده است اما چنانکه گفتیم با توجه به ماده ۱ قانون مذکور و اثبات بی تقصیری دارنده نمی توان او را از مسئولیت مبرا ساخت، بنابراین ناچار از این نظر دست بر می داریم.

ب) ممکن است گفته شود مسئولیت دارنده وسیله نقلیه به سبب تخلف از وظیفه ای است که بر عهده داشته به عبارت دیگر چون مالک وسیله نقلیه ا زمال خود بخوبی مراقبت نکرده در نتیجه خسارتی به دیگری وارد شده پس او مسئول جبران آن است این نظریه هر چند با مسئولیت مقرر قانون بیمه اجباری سازگارتر است اما مبنای منحصر مسئولیت محسوب نمی شود زیرا اگر چنین بود مالک می توانست اثبات کند که به نحو احسن وظیفه خود را انجام داده و به این ترتیب از مسئولیت شانه خالی کند در حالی که می دانیم مالک جز با اثبات دخالت یک علت خارجی، مانند قوه قاهره نمی تواند از مسئولیت رها شود.

ج) مسئولیت بدون تقصیر بر مبنای «نظریه خطر» پیروان نظریه خطر عقیده دارند شخصی که محیط خطرناکی به وجود آورده و از فعالیت خود منتفع می شود بدون نیاز به اثبات تقصیر او یا هر علت دیگر، مسئول جبران خسارت معرفی کرده، ممکن است مبنای این مسئولیت را بر پایه نظریه خطر استوار انگاشت اما با کمی دقت می توان دریافت که این مسئولیت مطلق نیست، مثلاً اگر مالک وسیله نقلیه اثبات کند که به سبب جریان سیل، اتومبیل او به وسیله نقلیه دیگر برخورد کرده است میتواند از مسئولیت معاف شود بنابراین همواره نمی توان این مسئولیت را مبتنی بر نظریه خطر و آن را یک مسئولیت مطلق دانست.

از جمع نظریات مذکور با توجه به حکم ماده ۱(ق. ب. ا. م) در این زمینه می توان اعتقاد داشت مبنای مسئولیت دارنده وسیله نقلیه موتور در حقوق ایران، با نظریه تعهد به حفاظت نزدیکتر است^۱ زیرا هر مالکی متعهد است از اموال خود به نحوی مراقبت کند تا به دیگران آسیب نرسد این عقیده از طرفی جبران خسارت زیانده را وابسته به اثبات تقصیر مالک نمی کند و از این حیث سود زیانده است و از طرف دیگر به مالک امکان می دهد که با اثبات فقدان رابطه سببیت (و نه اثبات بی تقصیری) از مسئولیت رها شود.

۱- نظری، ایراندخت، مسئولیت مدنی مالک، رساله دکتری دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۳۲.

در حقوق فرانسه ماده ۲ قانون ۱۹۸۵ در مورد حوادث ناشی از رانندگی، تنها یک عامل را سبب معافیت از مسئولیت معرفی کرده و آن تقصیر زیان‌دیده است هنگامی که علت منحصر حادثه باشد، هر چند آن علت، منحصر وصف قوه قاهره، را داراست اما با توجه به مقررات دیگر این قانون، می‌توان مبنای مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی را در این کشور به نظریه خطر مسئولیت مطلق نزدیک تر دانست در سیستم کامن لاو، مسئولیت جبران خسارت ناشی از حوادث رانندگی تحت عنوان مسئولیت مطلق بررسی می‌شود و مالک وسیله نقلیه گاه مسئول جبران خسارت ناشی از تقصیر راننده هم شناخته می‌شود در این سیستم برای توجیه مسئولیت مالک، از نظریه نمایندگی استفاده شده و سلطه و اقتدار مالکانه بر وسیله نقلیه، مبنای اصلی مسئولیت است بنابراین هرگاه شخصی داخل اتومبیل خود نباشد، اما توسط راننده او خسارتی ایجاد شود چون راننده کارمند و نماینده مالک محسوب می‌شود مالک وسیله نقلیه مسئول جبران خسارت خواهد بود.

در حقوق مصر، مبنای مسئولیت مالک وسیله نقلیه همان مبنای مسئولیت محافظ شی‌ای است که بر اساس آن تصیر وی مفروش است بنابراین زیان دیده از حوادث رانندگی کافی است ثابت کند مالک وسیله نقلیه دارای عنوان محافظ بوده یعنی بر وسیله خود تسلط و کنترل داشته است.^۱

۱- اسنهوری، همان، ش ۷۲۶

گفتار سوم: خسارات قابل جبران بر مبنای قانون بیمه اجباری

خساراتی که دارنده وسیله نقلیه به موجب قانون سابق الذکر مسئول جبران آن است خسارات بدنی و مالی ناشی از حوادث رانندگی است تبصره ۱۵ قانون مذکور مقرر می دارد: «منظور از حوادث مذکور در این قانون، هر گونه تصادف، سقوط، آتش سوزی، یا انفجار وسایل نقلیه موضوع این ماده و نیز خساراتی است که از محمولات وسایل مزبور، به اشخاص ثالث وارد می شود» از این تعریف استنباط می شود که هر چند وسیله نقلیه در ایجاد خسارت دخالت دارد اما الزاماً و همواره این خسارت ناشی از تصادف دو وسیله نقلیه نیست بلکه خسارت ناشی از تصادف از خسارات شایع ناشی از حوادث رانندگی است. بنابراین هرگاه بر اثر اتصالی سیم برق اتومبیل متوقف در کنار خیابان آتش سوزی ایجاد شود و خسار به بار آید، این خسارت از مصادیق خسارات ناشی از حادثه رانندگی مذکور در قانون بیمه اجباری است. تصریح قانون در این مورد به زیان دیده کمک می کند به جای توسل به قواعد بیمه عمومی مسئولیت که او را با دشواری اثبات تقصیر مالک مواجه می کند به کمک قانون بیمه اجباری صرفاً با اثبات دخالت وسیله نقلیه در ایجاد خسارت، زیان خود را از مالک وسیله نقلیه مطالبه کند.

در مورد خسارات ناشی از حوادث غیر از تصادم، چنانکه گفته شد، لازم نیست وسیله نقلیه در حال حرکت باشد بلکه کافی است رابطه سببیت بین وسیله نقلیه و خسارت تولید شده وجود داشته باشد.

اما در مورد خسارات ناشی از تصادم، با توجه به معنای لغوی تصادم (برخورد هر یک از دو شیء به دیگری لازم است برخورد دو وسیله نقلیه، نتیجه حرکت هر دو وسیله باشد در نتیجه اگر بر اثر برخورد یک وسیله در حالت حرکت با یک وسیله متوقف، خسارتی به بار آید، این واقعه مشمول ماده ۳۳۵ یا ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی نخواهد بود. هرچند ممکن است در مواردی ملاک این دو ماده محقق و حکم آن جاری باشد بنابراین می توان گفت عنوان تصادف، ظهور دخالت هریک از دو وسیله نقلیه به صورت جزء سبب در پیدایش برخورد خسارت را نقش دارد^۱

برعکس حقوق ایران، در قانون سال ۱۹۸۵ فرانسه، تعریفی از حوادث رانندگی به عمل نیامده و این امر سبب بروز اختلاف بین حقوقدانان این کشور شده است برخی از ایشان حادثه را منحصر به حوادث ناشی از حرکت وسیله نقلیه می دانند و عده‌ای دیگر با تفسیر موسع همه خسارات را حادثه می نامند^۲ در هر حال سازمان قضایی این کشور اعتقاد دارد که قانون سال ۱۹۸۵ در مورد خسارات ناشی از اتومبیل متوقف نیز قابل اعمال است اما مخالفین و موافقین این عقیده در یک امر متفق القول هستند و آن

۱- شهیدی، مهدی، مجموعه مقالات حقوقی، نشر حقوقدان، چاپ دهم، ص ۱۳۱

۲- Viny. Genevive. traite de droit Civif. Les condition de La responsabilite, 2nd edition, 1991. N.981.

این است که وسیله نقلیه باید در حادثه دخالت داشته باشد (*La notion d,*)

(*implication*)

از تطبیق دو قانون ایران و فرانسه ، بخوبی برتری مقررات قانون ایران به چشم می خورد زیرا با تعریف حادثه رانندگی و تقسیم آن به خسارات ناشی از تصادم و خسارت ناشی از غیر تصادم ، قانون را به همه حوادث خسارت زا تعمیم داده و از ایجاد ابهام و اختلاف عقاید ، نظیر آنچه در حقوق فرانسه دیده می شود جلوگیری کرده است

لازم به توضیح است که قانون بیمه اجباری در ماده ۱ ، کلیه دارندگان را ملزم به جبران خسارات بدنی و مالی وارد به اشخاص ثالث معرفی کرده است خسارات مالی عبارت است از تلف عین یا منفعت یا کسر قیمتی که از حادثه رانندگی ناشی می شود خسارات بدنی نیز جنبه مالی دارد زیرا منظور جبران هزینه هایی است که برای معالجه صدمات بدنی و یا جرح ناشی از حوادث رانندگی پرداخت می شود . و در آن جبران زیانهای نقص عضو ، از کارافتادگی ، یا فوت زیان دیده مورد نظر است . در حالی که بهتر بود خسارات به مادی و معنوی تقسیم می شد برخی از حقوقدانان^۱ با تفسیر ماده ۴ آیین نامه و ماده ۱ قانون مورد بحث عقیده دارند برای رفع این ایراد باید گفت زیانهای ناشی از نقص عضو یا فوت اعم از زیانهای مادی یا معنوی است که از این راه

۱- کاتوزیان ، ناصر ، حقوق مدنی ، ضمان قهری ، جلد ۲-۱ ، ش ۳۱۴ .

به اشخاص ثالث می رسد اما زیانهای ناشی از تحمل درد و رنج ناشی از صدمه بدنی همچنان غیر قابل جبران باقی می ماند در حالی که امروزه در اکثر سیستمهای حقوقی جبران زیانهای ناشی از تحمل درد و رنج ناشی از صدمات بدنی و محروم ماندن از لذت زندگی سالم، تحت عنوان خسارت وارد بر اشخاص، قابل مطالبه است^۱ دادگاههای فرانسه، خسارت ناشی از صدمه های روحی را که حاصل از دست دادن سلامت یا درد و رنج ناشی از بیماری است تحت عنوان خسارات معنوی قابل جبران دانسته اند.

بی مناسبت نیست که بدانیم به موجب ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری برای جبران زیانهای بدنی وارد بر اشخاص ثالث که به علت بیمه نبودن، وسیله نقلیه بطلان قرارداد بیمه، فرار کردن یا شناخته نشدن مسئول حادثه به طور کلی برای جبران خسارت خارج از بیمه نامه، صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارتهای بدنه» تأسیس شده که خسارت زیاندریده در موارد فوق الذکر از محل این صندوق جبران می شود.

الف) نقش راننده در مسئولیت مدنی

هر چند مسئولیت مقرر در قانون بیمه اجباری، ناظر به مسئولیت دارنده وسیله نقلیه است اما مقررات دیگری در حقوق ایران وجود دارد که ناظر به مسئولیت راننده است می دانیم که الزاماً همواره راننده مالک وسیله نقلیه نیست اما همیشه راننده در تصادف

¹ -Clerk and Lindsell, tort. 1th edition, 1995 .p.1437

دخالت دارد در اینصورت چگونه می توان بین مقررات مختلف جمع کرد و شخص
مسئول را یافت ؟ گفتیم که قانون بیمه اجباری دارنده وسیله نقلیه را مشمول می
شناسد ، اما قانون مجازات اسلامی در حادثه تصادم ، از راننده صحبت می کند ، در
مورد خسارات ناشی از غیر تصادم شکی نیست که مالک وسیله نقلیه مسئول است اما
در مورد حادثه تصادم ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد : « هرگاه بر اثر
برخورد دو سوار ، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند ، در صورتی که تصادم
و برخورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچ یک مقصر نباشند ،
هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از
یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آنها مساوی باشد یا متفاوت ، اگر یکی از
آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است » در این مورد باید به نکات زیر توجه کرد :

اول (قانون مجازات اسلامی نسبت به قانون بیمه موخر التصویب است بنابراین در
مورد حوادث ناشی از تصادم بر آن قانون حکومت دارد این قانون در صدد بیان
مجازات شخص متخلف است و جبران خسارت را به عنوان مجازات بر شخص مجرم
که الزاماً راننده است تحمل می کند بنابراین ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی ناظر به
مسئولیت نهایی بر مبنای اتلاف است و به همین جهت بدون توجه به تقصیر طرفین
منحصراً در مقام بیان مسئولیت راننده به عنوان مباشر ضرر بوده است .

دوم) قانون مجازات اسلامی خسارات ناشی از تصادم همه انواع وسایل نقلیه را بیان می کند اما قانون بیمه اجباری ناظر به خسارات ناشی از وسایل نقلیه موتوری زمینی است و چون از این حیث، نسبت به قانون مجازات، قانون خاص محسوب می شود باید آن را در مورد خاص خود اجرا نمود. بنابراین هرگاه دو وسیله نقلیه غیر موتوری با یکدیگر تصادم کنند مسلماً قانون بیمه اجباری حاکم نخواهد بود. اما درخصوص وسایل نقلیه موتوری صرف نظر از مسئولیت شخصی راننده، نهایتاً به موجب (ق. ب. ا. م) خسارت به مالک تحمیل می شود

سوم) هر چند قانون مجازات اسلامی در مقام بیان مسئولیت راننده است اما نهایتاً تقصیر راننده در تعیین طرفی که باید خسارت را پردازد موثر است در این صورت به موجب قانون بیمه اجباری، خسارت از بیمه گر اتومبیلی دریافت می شود که راننده آن مقصر بوده است به این ترتیب مسئولیت بر مالک وسیله نقلیه تحمیل می شود (خسارت از شرکت بیمه دریافت می شود و حق بیمه را مالک وسیله نقلیه می پردازد) اما هرگاه مالک وسیله نقلیه وسیله خود را بیمه نکرده باشد و راننده در حادثه تصادف مقصر شناخته شود، زیان دیده ناگزیر از طرح دعوی علیه مالک یا راننده است و به استناد مسئولیت مقرر در قانون بیمه اجباری، که در حال دارنده را مسئول می شناسد می تواند خسارات خود را از راننده دریافت کند همچنین می تواند به استناد قانون

مجازات اسلامی علیه راننده اعلام شکایت نماید اما مالکی که راننده وسیله نقلیه او مقصر بوده و ناگزیر از پرداخت خسارت شده است .

می تواند به راننده مقصر مراجعه کند و آن چه را به زیان دیده پرداخته ، از او مطالبه کند و این همان مسئولیت نهایی است که گفتیم بر عهده راننده است همچنین شرکت بیمه که به زیان دیده خسارت پرداخته می تواند به راننده مقصر مراجعه نماید و هرگاه هیچ یک از دو راننده وسایل نقلیه ای که باهم تصادم کرده مقصر نباشد هریک نیمی از خسارت طرف دیگر را می پردازد این مسئولیت که مبتنی بر اتلاف است ناظر به مباشر ضرر می باشد و به این علت بدون توجه به تقصیر هر دو طرف را مسئول می شناسد و از این حیث به مقررات قانون بیمه اجباری نزدیک است

در هر حال همچنانکه برخی از حقوقدانان^۱ عقیده دارند هنگامی که راننده دو وسیله نقلیه یا یکی از ایشان مقصر باشد اثبات این تقصیر سبب نمی شود قانون بیمه اجباری کارایی خود را از دست بدهد بلکه اثبات تقصیر نشان میدهد که حادثه دو مسئول دارد: دارنده و راننده مقصر ، یا به عبارت دیگر در حوادث ناشی از تصادم دو وسیله نقلیه ، تقصیر راننده نشان می دهد که می توان از مسئولیت مقرر در قانون بیمه اجباری ، علیه دارنده استفاده کرد .

۱- کاتوزیان ، ناصر ، همان منبع ، شماره ۳۱۲

بنابراین هرگاه خسارت ناشی از تصادم دو وسیله نقلیه موتوری زمینی باشد مسئول جبران خسارت خواهد بود اعم از اینکه راننده مالک باشد یا نباشد ابدیهی است هرگاه عمل راننده جرم باشد و مجازات تعزیری در بر داشته باشد این مجازات بر راننده تحمیل می شود (ماده ۷۱۴ قانون تعزیرات) نیز خسارات ناشی از محکومیت جزایی و پرداخت جرائم را، از شمول بیمه موضوع قانون مذکور خارج دانسته است.

گفتار چهارم: عوامل رافع مسئولیت

منظور از عوامل رافع مسئولیت، موانعی است که سبب می شود عیبرغم وجود خسارت و ضرر مسئولیت منتفی شده یا کاهش یابد تأثیر عوامل رافع مسئولیت همواره یکسان نیست بطوریکه گاه مسئولیت را به کلی منتفی می کند گاه آنرا کاهش میدهد مسئولیت مقرر علیه دارنده وسیله نقلیه در حقوق ایران ناشی از وظیفه مراقبت و نگهداری اوست که به مسئولیت عینی بسیار نزدیک است و با اثبات بی تقصیری دارنده از بین نمی رود. اما هرگاه دارنده اثبات کند حادثه بر اثر یک علت خارجی بوده که به وسیله آن رابطه علیت بین وسیله نقلیه و حادثه زیانبار قطع می شود از مسئولیت بری خواهد شد البته هرگاه دارنده اتومبیلی که با اتومبیل دیگر تصادف کرده و خسارت به بار آورده ثابت کند که خسارت وارده بر اثر تقصیر دوست او بوده که رانندگی را بر عهده داشته، نمی تواند از مسئولیت شانه خالی کند و قانون بیمه اجباری او را مسئول جبران خسارت می شناسد اما اگر ثابت کند که تصادف بر اثر

وقوع سیل بوده؛ به علت فقدان رابطه سببیت بین حادثه زیانبار و دخالت وسیله نقلیه دارنده از مسئولیت معاف می شود.

علل خارجی که سبب می شوند رابطه علیت بین حادثه زیانبار و خسارت قطع شود به سه دسته تقسیم می شود هر چند تحقق هر یک از این عوامل با دیگری متفاوت است اما اثر آنها یکسان است و سبب معافیت کلی یا جزئی شخص مسئولی می شود این علل عبارتند از:

الف) قوه قاهره و حوادث ناگهانی

ب) تقصیر زیان دیده

ج) فعل شخص ثالث

الف) قوه قاهره و حوادث ناگهانی^۱

هر چند معمولاً قوه قاهره به حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله اطلاق می شود. اما نباید آن را منحصر به این حوادث دانست، زیرا خود حادثه نقشی در رفع مسئولیت ندارد بلکه اثر آن مورد توجه قانونگذار است. خصوصیات قوه قاهره را می توان از مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ ق.م (هر چند در مورد تعهدات قراردادی است) و از معنای قوه قهریه استنباط کرد. بنابراین می توان گفت قوه قاهر حادثه ای است:

- ۱- خارجی و غیرقابل انتساب به شخص مسؤول؛ ۲- بطور متعارف غیرقابل پیش بینی؛ ۳- غیرقابل اجتناب، به نحوی که شخص مسؤول قادر به دفع آن نیست.

^۱ -Force majeure et cas for tuit

منظور از غیرقابل پیش بینی بودن این نیست که حادثه هرگز امکان پذیر نیست بلکه کافی است دلیل خاص بر قابلیت پیش بینی آن وجود نداشته باشد. ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی نیز، مسؤلیت جبران خسارت ناشی از تصادمی را که به سبب قوه قهریه حادث شده باشد، منتفی دانسته است.

خصوصیات مذکور، در حقوق فرانسه، نیز برای قوه قهریه ذکر شده است.^۱ علیرغم این که در اکثر سیستم های حقوقی، قوای قاهره از عوامل رافع مسؤلیت شناخته شده است، در قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ فرانسه، قانونگذار این کشور، «فرس ماژور» را از عوامل رافع مسؤلیت ندانسته است. در عین حال هنگامی که تقصیر زیانداخته علت منحصر حادثه باشد، مسؤلیت منتفی می شود و این ایراد به ذهن می رسد که آیا تقصیر زیانداخته در این مورد، وصف قوه قاهره را ندارد؟ مگر اینکه معتقد باشیم، منظور از قوه قاهره همان حوادث طبیعی است نه اثر آن.

بنابراین مثلاً هرگاه بر اثر جاری شدن سیل، اتومبیلی حرکت کند و به اتومبیل دیگر برخورد نماید و خسارت ایجاد کند، به موجب قانون ۱۹۸۵ فرانسه، می توان دارنده را مسؤل شناخت. اما اگر زیانداخته ناگهان خود را جلوی اتومبیل در حال حرکتی بیندازد که راننده آن تمام احتیاطات لازم را رعایت کرده، بر حسب مورد، دارنده یا راننده مسؤل خواهد بود. حوادث خارجی به حوادثی اطلاق می شود که از ناحیه

¹ - Starck, *Droit Civil, les obligations* 2nd edition, 1972.

شخص مسؤول نیست و از حوادث قهری نیز محسوب نمی شود، ولی در عین حال در مسؤولیت مؤثر است؛ مثل جنگ یا اعتصاب.

ب- تقصیر زیان‌دیده

تقصیر زیان‌دیده^۱ و قبول خطر در سیستم کامن لائو^۲ دیر باز مطرح بوده و به قاعده « اقدام» در فقه نزدیک است. تقصیر زیان‌دیده هنگامی شخص مسؤول را از مسؤولیت معاف می کند، که علت منحصر حادثه باشد و رابطه علیت بین حادثه و دخالت وسیله نقلیه را قطع کرده باشد؛ مثلاً شخصی ناگهان خود را جلوی اتومبیل در حال حرکت بیاندازد. ماده ۳۳۳ قانون مجازات اسلامی، یکی از مواردی را که تقصیر زیان‌دیده علت منحصر حادثه بوده، سبب معافیت را مسؤولیت دانسته است. ماده مذکور چنین مقرر می دارد: « در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است، اگر عبور نماید و راننده ای که با سرعت مجاز و مطمئن در حرکت است و وسیله نقلیه اش نیز نقص فنی نداشته ولی در عین حال راننده قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نماید و منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد، راننده ضامن دیه و خسارت وارد شده نیست». هر چند این ماده ناظر به عدم مسؤولیت راننده است ولی به موجب قانون بیمه اجباری، چون مسؤولیت بر مالک تحمیل می شود، عدم مسؤولیت راننده به سبب تقصیر زیان‌دیده (که

¹ - Contributor negligence

² - Prosser, the law of torts, N.65.p.416

به سبب قطع رابطه سببیت بین حادثه رانندگی و ورود خسارت شده)، عدم مسؤولیت مالک را به دنبال خواهد داشت.

ج- فعل شخص ثالث^۱

شخص ثالث غیر از زیان‌دیده و شخص مسؤول است اما هرگز عمل او علت منحصر حادثه باشد، سبب می شود مسؤولیت دارنده وسیله نقلیه منتفی شود؛ مانند کسی که دیگری را هل دهد و جلوی اتومبیل در حال حرکت بیاندازد.

در حقوق فرانسه، که قوه قاهره از عوامل رافع مسؤولیت به شمار نیماهد، عمل شخص ثالث نیز در حوادث رانندگی، از عوامل معاف کننده محسوب نمی شود. با توجه به

افزایش روز افزون خسارات ناشی از وسایل نقلیه بخصوص تصادفات رانندگی، وجود قانون خاص، در خصوص جبران اینگونه خسارات، در کشور ما بیش از پیش احساس

می شود. هر چند قانون بیمه اجباری، مسؤولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی، از جهات بسیاری، قانون مفیدی به نظر می رسد ولی این اشکال هنوز باقی است که ما

به جای قانون خاص، ناچار هستیم قواعد مسؤولیت مدنی را از قانون بیمه استخراج کنیم؛ بعلاوه تعداد احکام قانونی، مثل مقررات مذکور در قانون مجازات اسلامی، سبب

سردرگمی و آشفتگی در آرای قضایی و نهایتاً اتخاذ تصمیمات نادرست خواهد شد. بنابراین بجاست که قانونگذار ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان - که در این راه

کوشیده اند- قانونی خاص جهت تضمین حقوق زیان‌دیدگان حوادث رانندگی، با

¹ - *Fait duntier*

توجه به نیازهای روز جامعه و تکامل مقررات و احکام مسؤلیت مدنی، تدوین نماید. بعلاوه قانون بیمه همواره نمی تواند تمام زیانهای ناشی از حادثه رانندگی را جبران کند، بخصوص خسارات ناشی از صدماتی که به مرور بر اثر حادثه در شخص زیان دیده به وجود می آید؛ مثلاً آنچه به تدریج سبب از کار افتادگی او می شود، اغلب بلا جبران می ماند. در راه رسیدن به این هدف، قانون خاص، همراه با قانون تکامل یافته بیمه، با حذف تشریفات زائد اداری، لازم است تا زیان دیده به سهولت به جبران خسارت وارد بر خود دست یابد و اشخاص نیز با توجه به مدد قاطعیت قانون، بیش از پیش مراقب اعمال و اموال خود باشند. متأسفانه امروز در کشور ما تشریفات زائدی در شرکتهای بیمه وجود دارد که سبب می شود زیان دیده، عطای آنها را به لقایشان ببخشد.

مبحث دوم: نقش منابع جایگزین جبران خسارت در قانون بیمه اجباری

گفتار اول: بررسی ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری

حوادث ناشی از رانندگی وسایل نقلیه هر روز اتفاق می افتد حوادثی که از اهمیت بیشتری نسبت به دیگر حوادث برخوردار است. می توان گفت که این حوادث مهمترین و شایعترین شبه جرایم است که دست کم در نیم قرن اخیر دادگاه ها را به خود مشغول کرده است اصول حاکم بر این حوادث تغییر یافته و در برخی نظامهای حقوقی نظیر کامن لا، به عنوان یکی از انواع افعال زیان بار (*Tort*) به صورت مستقل

بررسی می شود و حقوق حاکم بر این افعال زیان بر (*law of tort*) شامل آنها نمی

شود.

الف: اهمیت حقوق حاکم بر حوادث رانندگی

در کشور فرانسه نیز به موجب قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ اصول مستقل و جدیدی برای این

حوادث تدوین شد که جای مقایسه تطبیقی از طرف قانون گذار ایرانی و پذیرش نکات

مثبت آن را دارد آندره تنک یکی از نویسندگان مشهور در زمینه مسئولیت مدنی می

گوید: « همانند برخی نویسندگان من معتقدم که قلمروستی (*Tort*) و حقوق مسئولیت

مدنی می بایست به دو بخش *accident law* , *Tort law* تقسیم شود ؛ قسم نخست

باید از اعمال و رفتار عمدی بحث کند و قسم دوم از تصادف ،قانون جدید می بایست

مسئولیت مدنی را از تصادفات جدا کند .فصلی که تصادف را دربرمی گیرد حداقل

شامل حوادث ناشی از کار،حوادث رانندگی و پزشکی می باشد^۱.

به دلیل اهمیت و ویژگی این بخش از مسئولیت مدنی گفته شده است که قواعد

عمومی مسئولیت به شکل مرسوم خود در این زمینه قابل اجرا نیست و نتایج نادرستی

به بار می آورد^۲ از آنجا که وسایل نقلیه موتوری امری حیاتی برای زندگی محسوب

1-Tunc.Andre, *Towards a European Civile, Kluwer ,Law InTernational,aecond Revised and expended* ,1988,p.464

۲- کاتوزیان ناصر ،الرام های خارج از قرارداد ، جلد اول ،مسئولیت مدنی ضمان قهری ،موسسه انتشارات وچاپ و دانشگاه تهران،چاپ

دوم ، ۱۳۷۸، ص ۸۹۵

می شود و به عبارت دیگر در هر حال راه خود را از میان اجتماع می گذرانند ، این حرکت باید توأم با اصل غرامت باشد تا حقوق دیگران تضییع نشود.

یکی از مهمترین تحولات در این زمینه را می توان به دخالت و حضور نهاد بیمه^۱ بازگردانید. با دخالت بیمه در حوادث رانندگی ، دیگر حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر حکومت ندارد و هدف اصلی به گفته کربنیه نویسنده فرانسوی جبران خسارت و بیمه گر شخصیت اصلی در تحقق خارجی این امر می باشد.^۲ حقوق مسئولیت مدنی با ظهور بیمه دچار تحولات عدیده ای شده است که از جمله می توان اشاره داشت به افول نظریه تقصیر ، حذف برخی از عناصر مسئولیت مدنی ، اقبال و تشویق قضات به صدور حکم به مبالغ بالای خسارت ، تفسیر صد در صد قانون به سود زیان دیدگان ، افزایش دعوی و ظهور دعاوی مهم در نظام های پیشرفته مسئولیت مدنی به نام «دعوی مستقیم زیان دیده علیه بیمه گرمسئولیت»^۳ که در حقوق ایران مورد عنایت رویه قضایی قرار ندارد از آثار مهم دیگر می توان به وجود و حیات «طرح های تکمیلی پوشش مسئولیت مدنی» اشاره داشت که در کنار نهاد بیمه مسئولیت مدنی ، وظیفه جبران خسارت زیان دیدگان را دارد.

1-insurance

3-assurer de La Responsabilite Fction directe Contre

۲- کا توزیان ، ناصر، همان ص ۵۹۸

ب- طرح های تکمیلی پوشش مسئولیت مدنی:

در اهمیت این طرح ها و صندوق های ذخیره برای جبران خسارت اشخاص همین بس که گفته شود؛ اگر حقوق مسئولیت مدنی بدون بیمه، حیات نخواهد داشت، بیمه مسئولیت مدنی نیز بدون این طرح ها قادر به ایفای وظیفه خود نخواهد بود. در مواردی که اجرای اصول بیمه برای جبران خسارت اشخاص به دشواری می گراید احساس عمومی بر این است که زیان به نحوی دیگر جبران شود و همین امر ضرورت توسل به طرح های تکمیلی بیمه اجباری مسئولان مدنی را آشکار می کند.^۱ انواع این طرح ها و نظام های حقوقی عبارتند از:

۱- صندوق جبران زیانهای ناشی از عمل مجرمانه^۲

این طرح در سال ۱۹۶۴ در انگلستان تدوین شد و بهترین طرحی است که جبران خسارت را توسط دولت مقرر می کند. این الگو را نمی توان نوعی سیستم غیر تقصیر (*NO-fault*) تلقی کرد زیرا جبران شده از آن فقط براین اساس نقض مقررات جزایی «تجاوز»^۳ مقرر شده و بدیهی است در این شبه جرم، تقصیر وجود دارد. در این طرح اشخاصی استفاده می کنند که از نظر مسئولیت مدنی نیز استحقاق جبران زیان داشته باشند. با تحولات تازه در این صندوق در سال ۱۹۹۵ اصولی بر آن حاکم شد از جمله

۱- دکتر علی آبادی، ایرج، صندوق تامین خسارت های بدنی، فصلنامه بیمه مرکزی ایران، شماره چهارم، سال دوم، ص ۷

^۲- *criminal in Juries Compensation Bord*

^۳- *Tres Pass*

طبقه بندی جرایم، نحوه دخالت زیان دیده در ایجاد زیان و تعیین حداکثر زیان تا سقف ۲۵۰ هزار دلار برای هر تجاوز و کل مبلغ پرداختی از صندوق تا سقف ۵۰۰ هزار دلار.

پارلمان به صورت مستقیم بودجه آن را تعیین می کند و زیان دیدگان حق دارند به صورت مستقیم علیه صندوق طرح دعوا کنند تا پس از اثبات شرایط خود و بررسی دفاع صندوق در دعوا، حکم شایسته صادر شود.^۱

۲- کنسر سیوم بیمه گران اتومبیل انگلستان^۲

این طرح در سال ۱۹۴۶ و به دنبال تاکید و زیر حمل و نقل به وجود آمد هدف آن است که بیمه گر مکلف به پرداخت بخشی از درآمد خود به صندوق مرکزی طرح باشند تا از این طریق خسارت زیان دیدگانی را که توسط رانندگی بیمه نشده به وجود می آمد جبران کند.^۳ هر حکمی از طرف دادگاهها صادر می شود مورد قبول این صندوق است و اعتراض نسبت به آن به عمل نخواهد آمد.

۳- سیستم جبران خسارت غیر تقصیری^۴

تحولات اجتماعی و حقوقی که در زمینه عناصر مسئولیت مدنی به وجود آمد در برخی از نظامهای حقوقی منجر به حذف تقصیر گردید به ناچار خود را با سیستم تازه ای

1- Lunney mark .Oliphant Ken, tort Law , Text and mat erial , oxford university press , London 1976 p.6

2- Bureau The moter insurer

3- Lunney Mark Oliphant K EN , OP. CIT, P 26-

4-No fault System for Compensation

تطبيق داد. این سیستم که به دلیل عدم توجه به ارزیابی شخصی یا نوع افعال زیان بار
و عدم تمرکز جهت احراز تقصیر در اوضاع واحوال حادثه، به سیستم جبران غیر
تقصیری مشهور است، اکنون طرفداران قابل توجهی دارد. اجمالاً در این طرح، هدف
اعمال مسئولیت مدنی نیست، بلکه هدف جبران زیان به هر نحو ممکن است و به
جای رجوع به شخص مسئول به مبلغی قابل اعتماد و جمعی مراجعه می شود، دیگر به
دنبال حقوق وقواعد آن نخواهیم بود بلکه به دنبال بازگرداندن وضع زیان دیده
می باشیم. افراطی ترین طرحی که بی گمان در تعارض با حقوق مسئولیت مدنی است
و سبب افزایش بی مبالاتی ها خواهد شد که با تحولات خود، اخیراً تعدیل شده
است، فلسفه حاکم بر آن نیازمند بحث دیگری است.

۴- صندوق تضمین خسارت اتومبیل^۱

این صندوق از سال ۱۹۵۱ در فرانسه به وجود آمد تا در موارد بیمه نبودن اتومبیل و
متواری شدن مسئول حادثه، خسارت زیان دیده را جبران کند این صندوق در واقع
جایگزین بیمه گر است که به شرط تابعیت فرانسوی زیان دیده یا یکی از کشورهای
جامعه اروپایی و وجود اقامتگاه او در فرانسه یا کشوری که با فرانسه رفتار متقابل دارد،
جبران زیان می کند زیان دیده علیه صندوق طرح دعوی می کند و صندوق تمام
دفاعیات را در قبال رفتار زیان دیده خواهد شنید زیان دیده باید ثابت کند هیچ راه

^۱-Fonds de gran tie automobile

جبرانی برای او وجود ندارد. علاوه بر این شرایط دیگری نیز وجود دارد که در هنگام طرح دعوی، اثبات آنها متوجه زیان دیده خواهد بود که ما بحث پیرامون آن ها فارغ می باشیم.

۵- صندوق تامین خسارت های بدنی

به موجب ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۲۶ شهریور ۴۷ « برای جبران زیان های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت بیمه نبودن وسیله نقلیه بطلان قرارداد بیمه، تعلیق قرارداد، تعلیق تامین بیمه گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه گر، قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی بر این جبران خسارت های خارج از شرایط بیمه نامه (به استثنای موارد مصرح در ماده ۴) صندوق مستقلی به نام صندوق تامین خسارت های بدنی تاسیس می شود که به وسیله شرکت سهامی ایران اداره خواهد شد.

اداره این صندوق فعلا به موجب بند ۶ ماده ۵ قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گر مصوب سی ام خرداد ۵۰ به بیمه مرکزی ایران واگذار شده است و قانون مورد اشاره از قلمرو عام برخوردار است و « تمام فلسفه وجودی صندوق تامین خسارت های بدنی در همین نکته خلاصه می شود که عامیت قانون به هم نخورد و جز همان کسانی که خود قانون خواسته است به هر علت از این چتر حمایتی استفاده نکنند (مثلا متصرفان غیر

قانونی و وسایل نقلیه موتوری با رانندگان فاقد گواهینامه رانندگی (از مزایای آن استفاده نمایند) زیرا جامعه نمی تواند نسبت به حقوق زیان دیدگان بی تفاوت بماند صندوق در موارد نیاز به صرف اثبات ورود صدمه باید به جبران خسارت آنها اقدام کند^۲ در خصوص ماهیت هدف شیوه جبران و میزان تحمل مسئولیت از سوی این صندوق بحث کمتری شده است و رویه های غلط در نحوه اداره آن و برخورد مراجع قضایی با آن سبب انحراف این صندوق شده است.

گفتار دوم - بیان رویه نادرست قضایی در خصوص محکومیت صندوق

در عمل دادگاهها در صورت حدوث تصادفات رانندگی و متواری بودن مسئول حادثه به صدور حکم مستقیم علیه صندوق که جزء در موارد خاص منظور همان «صندوق تامین خسارت های بدنی است» می پردازند این در حالی است که اولاً دعوی مطروح و پرونده مورد نظر بر اساس آیین دادرسی کیفری و دعاوی جزایی شکل گرفته و ثانیاً بدون دفاع صندوق صورت می گیرد ثالثاً صندوق را شریک و یار بیت المال تصور می کنند و به پرداخت مبلغ دیه ابتدا از محل صندوق و سپس از بیت المال اقدام می نمایند. رابعاً بعضاً حتی مقید به محدوده و قلمرو صندوق در جبران خسارت نبوده و تعیین سقف مسئولیت صندوق را با توجه به آیین نامه هیأت وزیران، خلاف قانون

^۱- دکتر علی آبادی، ایچ، همان

^۲- دکتر جانعلی، محمود صالحی، حقوق زیان دیدگان، بیمه شخص ثالث، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران ۱۳۷۲، ص ۱۸۲

دانسته اند. برای نقد این رویه که به نظر خلاف قانون است به بررسی دقیق آن با

استفاده از آرای صادر شده دادگاهها و نظرات نویسندگان می پردازیم.

جایگاه حقوقی صندوق و منافع ارتزاق آن

صندوق در سال ۱۳۴۷ به وجود آمد و مطابق آیین نامه مصوب ۱۳۴۸^۱ منابع درآمد ذیل را خواهد داشت .

۱- سه درصد از حق بیمه دریافتی موضوع قانون سال ۴۷

۲- مبلغی معادل حق پرداخت نشده هر وسیله نقلیه موتوری زمینی برای آن مدتی که از اول تیر ۴۸ در زمان اجرای قانون مشمول بیمه بوده و بیمه نشده یا نشود از دارنده وسیله نقلیه.

۳- مبلغی که صندوق پس از پرداخت خسارت بدنی به زیان دیدگان بابت خسارت پرداختی و هزینه های متعلقه از مسئولان حادثه وصول خواهد کرد.

صندوق بیمه گر به معنی مصطلح نیست زیرا اولاً رابطه قراردادی با دارندگان وسایل نقلیه ندارد و ثانیاً حق بیمه ای نیز از آنها دریافت نمی دارد و حتی مراجعه به دارنده وسیله نقلیه را هم در مواردی دارد^۲ صندوق وظیفه جبران خسارت رانسبت به اشخاص معین در وضعیت های مشخصی دارد و پس از اثبات این وضعیتها، با استفاده از مفهوم قائم مقامی می تواند برای دریافت خسارت پرداختی مسئول نهایی مراجعه

^۱- روزنامه رسمی شماره ۷۳۳۸ مورخ ۳۱ فروردین ۱۳۴۹

^۲- دکتر علی آبادی، ایرج، همان، ص ۸

کند و هزینه ها و مبالغ پرداختی را مطالبه نماید. از سوی دیگر صندوق در جایگاهی قرار گرفته است که به لحاظ اهداف خود نمی تواند فارغ از اصول حقوقی دیگر و بر مبنای سیستم غیر تقصیری (*NO-Fault*) قواعد مسئولیت مدنی را کنار نهاده و منبع جبران زیان در هر وضعیتی باشد. به عبارت دیگر شرط تحقق مسئولیت صندوق، احراز ارکان مسئولیت مدنی دارنده وسیله نقلیه موتوری است نه متواری شدن وی یا شناخته نشدن و نظایر آن. این امر ما را به احراز یکی از مهمترین اشتباهات رویه قضایی رهنمون می گردد که در ذیل به آن اشاره می شود.

الف - محکومیت صندوق و حذف حق دفاع

اگر تصور نماییم که مفهوم دعوی به معنی «خواستن چیزی به زیان دیگری به رسم منازعه»^۱ دارای عناصری است که این عناصر جز با حفظ اصل راهبردی حق دفاع و تناظر تحقق نمی یابند، آنگاه می توان به قبح محکومیت اشخاص، بدون اعطای این حقوق به آنها پی برد، توضیح این که مفهوم دعوی و آثار حقوقی ناشی از آن دایره مدار تنازع و حدوث اختلاف بین اشخاص است که پس از طرح نزد دادگاه بر اساس اصول دادرسی به آن رسیدگی خواهد شد. در این رسیدگی بین اصول و تشریفات تفاوت است، تشریفات دادرسی را می توان حذف کرد، لیکن اصول قابل خدشه نیست و فرض بر آن است که به عنوان قیود لازم الاجرا و ضروری هر نوع حکم قانون و محکومیت وجود

^۱ - دکتر جعفری لنگرودی، مجد مجعفر، دانشنامه حقوقی، جلد دوم، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۶، ص ۴۹۷

^۲ - همان، ص ۵۶۹

دارند. با حفظ این مقدمه اکنون باید به وضعیت صندوق و محکومیت آن بوسیله رویه قضایی، بدون اجازه دخالت در دعوی پرداخت که با گزارش تصادف رانندگی نزد مراجع قضایی آمده است.

معمول است که در پرونده های کنونی پس از احراز متواری بودن مسئول حادثه یا شناخته نشدن آن به پرداخت دیه مصدوم یا مقتول از محل صندوق اقدام می شود. برای مثال در یکی از آرای دادگاهها آمده است « .. چون سعی و تلاش در جهت شناسایی و دستگیری مقصر حادثه منجر به نتیجه مطلوب نشده و خونی از انسان مسلمانی ریخته شده و خون انسان مسلمان نیز محترم است و احترام به آن نیز بهای خون می باشد و فلسفه تاسیس صندوق در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۴۷ نیز علی الظاهر همین است. لذا دادگاه ... صندوق تامین خسارت های بدنی مندرج در ماده ۱۰ قانون مورد اشاره مستقر در شرکت سهامی بیمه ایران را به پرداخت ... در حق شاکی محکوم می نماید.^۱

این رویه به طور قطع نادرست است و دلایل آن را می توان به این شرح بیان داشت.
۱- معیار مقدماتی عدالت در زمان های دور وجود داشته و برای مثال در یونان قدیم «
محتوی وجوه اصلی عدالت طبیعی مانند؛ وظیفه استماع گفته های طرفین، به شکل

^۱ - دادنامه شماره ۷۶۱ - ۸۳/۴/۱۸ در پرونده شماره ۵۶۸/ ۸۳/ شعبه دوم دادگاه عمومی کامیاران

کلی به رسمیت شناخته شده بود^۱ وقتی در آن روزگار چنین تلقی وجود دارد، چرا در

این زمان چنین عدالتی مراعات نگردد.

۲- گفته شد در کلیه نظامهای حقوقی که طرح های تکمیلی مسئولیت مدنی دارند (نظیر

فرانسه یا انگلستان) زیان دیده باید به طرفیت صندوق مخصوص، اقامه دعوی کند

وارکان ادعای خود را اثبات نماید. همین وضعیت در مورد صندوق موضوع ماده ۱۰

قانون حاکم است.

آیا زیان دیده نباید چنین اثبات کند که شرایط وضعیت قانونی دریافت زیان وارده را

دارد و آیا حق صندوق نیست که خلاف ادعای زیان دیده ثابت کند اصولاً عدم طرفیت

بیمه گر در دعاوی مسئولیت مدنی و ناشناخته ماندن «دعوی مستقیم زیان دیده علیه

بیمه گر» سبب تحمیل یک وضعیت غیر منتظره علیه شرکت های بیمه شده است و

چون حق مخالفت با آرای کیفری را نیز ندارند و از طرفی به حسن نیت واصل اعتماد

در روابط بیمه ای پای بند می باشند و در مسیر اجرای حکم، مانعی ایجاد نمی کنند لذا

هر بار که بدون دخالت آنها حکمی صادر می شود انواع مختلف حقوق اساسی آنها

تضییع می شود و تبانی بسیار دو طرف برای مطالبه دیه از بیمه صورت می گیرد این

وضعیت به طریق اولی اقتضا دارد که از صدور حکم علیه صندوق اجتناب شود زیرا

دعاوی معمولی که بیمه گر طرف مستقیم حکم نیست و این نتایج منفی به بار می آید

^۱ - جان کلی، تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه دکتر محمد راسخ، نشر طرح نو، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲، ص ۷۳

، به طریق اولی چون صندوق طرف مستقیم و محکوم علیه حکم است، مجبور به تحمل زیان و سکوت نسبت به رای می باشد.

بیمه گر حداقل می تواند به پرداخت خسارت و تعهدات قراردادی در مقابل بیمه گذار مبادرت ننماید و با رای مخالفت کند لیکن صندوق همین حق را نیز ندارد و اگر به صورت ناشایست محکوم شد، حق اعتراض نخواهد داشت.

۳- حق صندوق است که مطابق آیین نامه مصوب خود، به پرداخت خسارت اقدام کند و حکم محکومیت مستقیم در هیچ جای مقررات پیش بینی نشده است مطابق ماده ۶ آیین نامه مصوب ۴۸ «چنانچه خسارت وارده بر اثر حادثه ای باشد که مسئول حادثه فرار کرده باشد و یا پس از تحقیقات کافی شناخته نشده باشد، زیان دیدگان می توانند ظرف سه ماه از تاریخ وقوع حادثه به صندوق مراجعه و باتسليم مدارک لازم تقاضای جبران خسارت نمایند»

ماده ۹ این آیین نامه نیز بیان می دارد؛ «مقامات انتظامی که به حوادث وسایل نقلیه موتوری زمینی رسیدگی می کنند در صورتی که متوجه شوند مسئول حادثه فاقد بیمه نامه موضوع قانون بیمه شخص ثالث است یا درموردی که مسئول حادثه فرار کرده یا شناخته نشده باشد موظفند یک نسخه از صورت مجلس و گزارش خود را درمورد حادثه برای اطلاع صندوق ارسال دارند» و ماده ۱۰ نیز بیان می کند «صندوق تامین پس از دریافت درخواست غرامت زیان دیدگان و وصول پرونده خسارت

و اطلاعیه بیمه گر در مورد مطالبه خسارت زیان دیدگان و مدارک و اسناد لازم دیگر مدارک واصله را مورد بررسی قرار می دهد و با توجه به مقررات این آیین نسبت به پرداخت خسارت اقدام می کند.

حال با توجه به این مقررات که جملگی با دستور قسمت اخیر ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری تدوین شده اند آیا تردیدی در بطلان رویه قضایی و محکومیت مستقیم صندوق باقی می ماند. آیا صندوق نباید بر مبنای طبیعی دعاوی، تقاضای اشخاص را رسیدگی و تصمیم بگیرد و در صورت رد این تقاضا، به تقدیم دادخواست علیه آن و مطالبه خسارت از مجرای آیین دادرسی و حفظ حق دفاع خواننده ای صندوق اقدام شود؟ علت رسیدگی صندوق نسبت به تقاضای دریافت خسارت چیست؟ آیا در صورت حکم محکومیت مستقیم اساساً رسیدگی وجود دارد؟ آیا حق صندوق نیست که اثبات کند ماده ۱۲ آیین نامه محقق شده است؟ در این ماده می خوانیم: « در صورتی که زیان دیدگان از مراجع دیگری مانند سازمان بیمه های اجتماعی یا سازمان بیمه کارمندان دولت یا صندوق های ویژه جبران خسارت غرامت دریافت نمایند، صندوق غرامتی نخواهد پرداخت و هیچ یک از بیمه گران و سازمان های بیمه ای و صندوق های ویژه جبران غرامت حق مراجعه و تقاضای استرداد خسارت پرداخت شده به اشخاص ثالث را از صندوق تامین خسارت های بدنی ندارد » صدور حکم

مستقیم در پرونده کیفری نه راه اعتراض باز است و نه اثبات این شرایط که مسئولیت صندوق را مرتفع می‌کند.

۴- یکی از علل اصلی اشتباه رویه قضایی ایران و محکومیت مستقیم صندوق در پرونده کیفری عبارت از تصور وحدت ماهیت «دیه» و «خسارت بدنی» موضوع ماده ۱۰ قانون ۱۳۴۷ می باشد، بی گمان دیه دارای جنبه جزایی نیز می باشد و به هر حال نوعی مجازات بر شمرده شده است (هرچند ماهیت حقوقی نیز دارد و در حقیقت آثار هریک رادخود جمع کرده است) لیکن خسارت پرداختی از طرف صندوق هرگز به معنای دیه یا هر نهاد کیفری مشابه آن نیست بلکه نوعی جبران زیان و درحقیقت از آثار «دولت با رفاه اجتماعی و تضمین اجتماعی»^۲ می باشد و فلسفه آن همچنان که گفته شد اعاده وضع به زیان دیدگان و کمک به آنها در جبران صدمات و زیانهای وارده است و حتی قابل مقایسه با مسئولیت مدنی نیست، زیرا بنا به فرض مسئول حادثه شخص دیگری است و صندوق با پرداخت خسارت، قائم مقام زیان دیده در رجوع به مسئول می شود

باتوجه به تفاوت اساسی دیه و جبران خسارت صندوق، معلوم نیست علت ادغام آنها و صدور رای مستقیم از مجری کیفری علیه صندوق چیست؟ امری که هرگز درحوزه

۱- دکتر کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، ص ۵۷

^۲-social security and state

حقوق جزا نیست چرا بطور مستقیم وبدون مراجعه اولیه به صندوق و در صورت امتناع

آن همراه با طرح دعوی با تقدیم دادخواست مقرر، مورد حکم قرار می گیرد؟

۵- حضور صندوق در دعوی مستقل این امکان را می دهد که شرایط تحقق مسئولیت

خود را که مورد ادعای زیان دیده می باشد، متفی اعلام کند گفته شد درموارد

مشخص باید به جبران خسارت از صندوق اقدام کرد و دراین مورد صندوق حق دارد

با اثبات معلوم بودن مسئول حادثه یا شناخته شدن وامکان حضور وی یا اعتراض به

نظریات کارشناسی واثبات تقصیر خود زیان دیده ونظایر آن به رفع مسئولیت خود

اقدام کند.نتیجه این است که برای رعایت زیان دیده باید با تقدیم مدارک خود به

صندوق مطالبه خسارت کند و در صورت عدم تمکین صندوق به تقدیم دادخواست

علیه آن مطابق مقررات اقدام نماید دراین راه تمام حقوق خوانده دعوی برای صندوق

وجود دارد زیرا در این زمان مانند هر مدیون ممتنعی است که به هر دلیل دین خود را

ایفا ننموده وچاره ای جز رجوع به دادگاه و مطالبه وجوه بابت «خسارت» ونه هر

عنوان دیگر وجود ندارد با این توضیح،تمام دادنامه های صادره از دادگاه جزایی که

بصورت مستقیم صندوق را محکوم نموده اند فاقد مبنای تحلیلی ونوعی رویه نا

صحیح وتضییع حقوق بیت المال است.

۶- صندوق و بیت المال: یکی دیگر از موارد بطلان رویه قضایی، مقایسه صندوق و بیت

المال بعنوان دو منبع پرداخت خسارت و دیه قتل می باشد.

توضیح اینکه در قانون مجازات اسلامی بر اساس فقه امامیه، برای رعایت حرمت خون مسلمان (لایطل دم امرء مسلم) هرگاه انسان مسلمانی کشته شود و به قاتل دسترسی نباشد دیه قتل از بیت المال پرداخت می شود (موارد ۳۱۳، ۱۶۰، ۲۵۵ و تبصره ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی) به موجب ماده ۱۰ قانون ۱۳۴۷ نیز هرگاه مسئول حادثه فرار کند و یا شناخته نشود خسارت از صندوق پرداخت می شود.

این موارد به ظاهر هیچ تعارضی با یکدیگر ندارند و هر یک در محل خود اجرا خواهد شد ولی این نتیجه مورد قبول رویه قضایی نیست و بدون توجه به تفاوت جوهری آنها و جایگاه شخصیت حقوقی هر یک قلمرو آنها را ادغام و مخلوط و درحقیقت آشفته کرده است بسیار دیده شده در تصادفات رانندگی که منجر به قتل شخصی می شود رویه قضایی دیه مقتول را به صورت طولی (یعنی ابتدا از صندوق و نسبت به مازاد تعهد صندوق، بیت المال) یا به نحو عرضی (صندوق یا بیت المال به صورت مستقل) عهده صندوق و بیت المال قرار می دهد بدون اینکه از خود سوال کند موقعیت حقوقی این دو چگونه است؟ آیا انتخاب آنها به نسبت قاضی است؟ آیا با وجود بیت المال که پس از انقلاب و با حاکمیت قواعد فقهی دیات بوجود آمده صندوق موضوع ماده ۱۰ در این موارد فاقد الزام است و در حقیقت حکم آن در این موارد نسخ شده می باشد؟ قبل از پاسخ به این سوالات و روشن نمودن مبنای نادرست رویه قضایی، لازم است به برخی از آراء صادر شده در این خصوص اشاره ای داشته باشیم.

نخست محکومیت طولی: بدین نحو که درمورد قتل ناشی از تصادفات رانندگی ابتدا صندوق محکوم شده است و بدنبال آن بیت المال: «تصادفی در ... قم ... به وقوع پیوسته و موتور سیکلت سوار بلا فاصله محل را ترک و متواری می گردد و عابر... به علت ضربه مغزی و عوارض ناشی از آن فوت می نماید. سعی دادگاه جهت شناسایی متهم حادثه به نتیجه نرسیده علی هذا دادگاه با احراز حدوث حادثه و فوت مرحوم به لحاظ عدم شناسایی متهم اولیا دم می توانند به استناد ماده ۱۰ قانون بیمه به صندوق بیمه مرکزی ایران جهت دریافت بیمه مراجعه و چنانچه به علت عدم کفایت وجبران پرداختی از سوی بیمه مرکزی اولیاءدم می توانند باقیمانده دیه را مستندا به ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی از بیت المال دریافت نمایند»^۱ صرفنظر از ایراد به رأی از حیث ذکر ماده ۱۰ قانون مصوب ۱۳۴۷ این رای تا جایی که مستلزم محکومیت صندوق نیست بلکه حق مراجعه به آنرا اشاره می کند صحیح است اما قسمت دوم که بیانگر ادغام صندوق و بیت المال است ایراد دارد که در ادامه خواهد آمد.

درخصوص اعلام بستگان آقای .. مبنی بر اینکه نامبرده در خیابان در اثر تصادف از بین رفته با توجه به اینکه شخص مقصر در تصادفات شناسایی نگردیده دادگاه به استناد ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه رای به پرداخت دیه متوفی توسط صندوق تامین خسارتهای بدنی زیر نظر

^۱ - دادنامه شماره ۳۰۹ - ۸۳/۵/۶ - شعبه ۱۱۶ دادگاه جزایی قم در پرونده شماره ۲۸۴/۱۱۶/۸۳

بیمه مرکزی ایران و ما به التفاوت کسری دیه کامل مرد مسلمان از صندوق بیت المال در حق اولیاء دم صادر و اعلام می نماید.^۱

دوم: محکومیت عرضی: «در خصوص گزارش مامورین مبنی بر قتل غیر عمدی مرحوم... بر اثر بی احتیاطی در امر رانندگی و متواری شدن راننده خودرو... دادگاه ضمن احراز وقوع جرم مستنداً به مواد ۲۹۷، ۲۹۳، ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری در قبال اشخاص ثالث، بیمه مرکزی ایران مکلف به پرداخت یک دوم دیه کامله مرد مسلمان در حق اولیاء دم متوفی نمایند»^۲

صرفنظر از نگارش نادرست قسمت اخیر رای و استفاده از فعل جمع و عدم تناسب فعل «نمایند» با فاعل جمله، مشخص می شود که این دادگاه تمام دیه متوفی (زن) را برعهده صندوق قرار داده است.

ب- تحلیل مساله و بیان اشتباه رویه قضایی:

برای تعیین این بحث لازم است به مقایسه ای میان صندوق و بیت المال پردازیم.

با بررسی تحلیلی می توان به نکات ذیل نائل آمد:

۱- درحالی که صندوق «خسارت» یا زیان بدنی را جبران می کند بیت المال «دیه» مقتول را می پردازد.

^۱ - دادنامه شماره ۸۰۷ مورخه ۸۳/۴/۳۰ شعبه ۳۷ دادگاه عمومی شیراز، پرونده شماره ۳۷/۸۳/۴

^۲ - دادنامه شماره ۹۵۴ مورخه ۸۳/۷/۲۰ شعبه ۱۵ دادگاه عمومی جزایی شهر ری، پرونده شماره ۱۴۶/۱۰۵/۸۳

۲- صندوق منحصر در حوادث رانندگی است ولی بیت المال قلمرو عام دارد و قتل

ناشی از هر حادثه ای را در بر می گیرد.

۳- بیت المال دیه قتل را با یکی از شرایط ذیل می پردازد عدم دسترسی به قتل و

شناخته شدن او- فرار قاتل- عجز از اثبات قتل در قسامه و انحلال اماره لوث ولی

صندوق علاوه بر فرار مسئولیت حادثه یا شناخته نشدن آن به هنگام حضور او و بیمه

نبودن یا بطلان یا تعلیق قرار بیمه یا تعلیق تامین بیمه گر یا ورشکستگی او، به پرداخت

مبادرت می کند.

۴- بیت المال متولی پرداخت دیه «قتل» است و همانطور که در ادامه خواهد آمد غیر از

آن قابل پذیرش نیست ولی صندوق صدمات بدنی را نیز شامل می شود.

تحقق ماده ۱۰ قانون و مسئولیت صندوق منوط به احراز و اثبات مسئولیت عامل صدمه

و شخص متواری است به عبارت بهتر باید شخص دیگری مسئول باشد تا صندوق

جبران کند. لیکن مسئولیت بیت المال نیازی به «اثبات مسئولیت» قاتل فراری و شناخته

شده ندارد و به محض تحقق قتل و «مردد بودن» بین مشروعیت این قتل (مثلاً بدلیل

دفاع مشروع) با نامشروع بودن آن و عدم احراز مشروعیت آن مستقر خواهد شد.

به تعبیر دیگر «مشروع بودن» قتل مانع تحقیق مسئولیت بیت المال است مثلاً ممکن

است قتل از روی دفاع مشروع صورت گیرد ولی قاتل متواری گردد در این حالت اگر

دفاع مشروع ثابت شود مسئولیت منتفی است ولی اگر دفاع مشروعی به اثبات نرسید

ودر عین حال ، غیر قانونی بودن قتل نیز ثابت نگردید ، بیت المال باید دیه را پرداخت کند ولی صندوق در صورت تردید در مشروع یا نامشروع بودن صدمه و قتل ، مسئولیتی ندارد و تنها با اثبات نامشروع بودن آن (و تحقق مسئولیت شخص اصلی) مسئول خواهد بود.

۶- یکی دیگر از تفاوت‌های صندوق و بیت المال در مسأله تغلیظ دیه است که در خصوص بیت المال بعضاً پذیرفته می شود لیکن در مورد صندوق قابل پذیرش نیست با عنایت به وجوه تمایز صندوق و بیت المال ، اقدام رویه قضایی در محکومیت هم زمان (عرضی - طولی) صندوق یا بیت المال صحیح نیست و باید توجه داشت منابع مالی که صندوق یا بیت المال را پوشش می دهد در قانون ، مشخص شده و از هم جدا باشند .

در قانون بودجه هر سال مبلغ معینی برای پرداخت دیه در موارد قانونی تخصیص می یابد در حالی که منبع مالی صندوق همانطور که سابقاً بیان شد، مستقل و جداست. بنابراین چگونه می توان به اختیار مسئولیت را عهده صندوق بیت المال قرار داد و در حقیقت نظم مالی آنها را به هم ریخت . به این ترتیب با توجه به مقررات عام دیات و شمول آن نسبت به دیه کامل و نیز محدودیت تعهد صندوق، باید گفت در هر مورد که قتلی صورت می گیرد و به قاتل دسترسی نیست، بیت المال ، تعهدی ندارد (نظیر بطلان قرار داد بیمه یا ورشکستگی بیمه گر) تنها فرض مورد تردید هنگامی است که

در قتل ناشی از تصادف رانندگی، در عین اینکه متهم حضور دارد و ابتدائاً بیت المال مسئولیتی ندارد لیکن به دلایل دیگر نظیر تحقق ماده ۳۱۳ ق.م.ا، بیت المال متعاقباً مسئولیت پیدا کند و قرار داد بیمه نیز باطل باشد یا به حالت تعلیق درآید در این مورد از یکسو بیت المال به لحاظ ماده ۳۱۳ ق.م.ا، و صندوق به لحاظ ماده ۱۰ مسئولیت بیت المال قرار داد درست است که مسئولیت بیت المال خلاف اصل می باشد لیکن در این مورد از مصادیق قاعده مذکور (خلاف اصل بودن مسئولیت بیت المال) نیست. علت این است که اولاً ظهور ماده ۱۰ برزبان بدنی و جبران خسارت ناظر بر غیر قتل است یا حداقل در مورد قتل، باید قدر متیقن آنرا در نظر گرفت. ثانیاً بیت المال به لحاظ عدم محدودیت سقف تعهد و پذیرش تغلیظ دیه در آن، اولی از صندوق است

ج- صدمات بدنی و نقش بیت المال:

آیا بیت المال تنها در صورت قتل و عدم دسترسی به قاتل عهده دار دیه می باشد یا علاوه بر قتل، صدمات بدنی دیگر را نیز پوشش می دهد؟ در فقه، اکثریت قاطع پاسخ منفی داده اند^۱ و تنها یکی از فقهای^۲ معاصر چنین بیان داشته که «در صورتی عدم امکان استیفاء از ضارب؛ حاکم می تواند از بیت المال پرداخت کند» در قانون مجازات اسلامی نیز پاسخ منفی است زیرا پرداخت دیه از بیت المال، امری است

^۱ - مجموعه نظریات مشورتی فقهی، در امور کیفری، جلد اول، معاونت آموزشی و تحقیقات قوه قضائیه، چاپ دوم، ۱۳۸۲، تهران،

ص ۱۴۸

^۲ - آیت الله العظمی بهجت، همان منبع

خلاف اصل که تنهادر قتل آن هم با شرایطی تجویز شده است و صدمات بدنی هیچ

تفاوتی نسبت به سایر صدمات و ناشناخته بودن مرتکب ندارد

میرزای نائینی و شیخ موسی خوانساری نیز به صراحت اعلام می کنند اگر قاعده

لاضرر بتواند وجود حکمی را ثابت کند لازم می آید که فقه جدیدی تأسیس شود و

هر خسارت از بیت المال یا از مال اغنیاء تدارک گردد^۱ اما رویه قضایی که در اینجا

نیز بدون تحلیل اصولی به راه نادرست خود ادامه می دهد و برای پرداخت صدمات

بدنی در صورت عدم دسترسی به عامل صدمه بیت المال را ترجیح میدهد

برای مثال در یکی از آراء دادگاه ها آمده است: «در خصوص اتهام راننده متواری و

ناشناس ... دایر به ایراد صدمه بدنی غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی درامر رانندگی ..

در اجرای ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری

زمینی درمقابل اشخاص ثالث و ماده ۶ آئین نامه صندوق تأمین خسارتهای بدنی و

ملاک ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی و مواد ۴۴۲، ۳۶۷، ۴۹۵ و تبصره ۲ ماده ۳۰۲

قانون مجازات اسلامی مجموعاً پرداخت دو فقره چهار، پنجم از یک، پنجم از یک،

دوم دیه کامل و نیز سه درصد دیه کامل از محل صندوق تأمین خسارتهای بدنی در

محدوده تعهدات مالی مصوب در حق زیان دیده به عهده شرکت بیمه مرکزی ایران

می باشد و ذی نفع می تواند جهت وصول مابه التفاوت دیه و ارش معینه و مازاد

۱- به نقل از دکتر ناصر کاتوزیان، همان منبع، ص ۱۵۴

تعهدات مالی مصوب صندوق تأمین خسارتهای بدنی از محل بیت المال وفق مقررات اقدام نماید»^۱

در رأی دیگر نیز با بیان این که با « وحدت ملاک ماده ۲۵۵ قانون مجازات، بیت المال باید مازاد خسارت را پردازد » به تحمیل دیه صدمه بدنی عهده بیت المال مبادرت نموده است دادگاه متوجه نیست که از امور خلاف اصل نمی توان ملاک گرفت و با استناد به وحدت طریق یا ملاک ، امر استثنایی را گسترش داد ، اگر خون مسلمان محترم است مال او نیز محترم است چرا که مسائل و زیانهای مالی که دسترسی به عامل زیان ممکن نیست یا قادر به پرداخت زیان نیست، از بیت المال گرفته نمی شود؟ پاسخ روشن است. دلیل ندارد بداقبالی و حوادث روزمره ،جملگی بر بیت المال تحمیل شود.

زندگی اجتماعی قواعد خود را دارد و هیچ کس به صورت مطلق ، بیمه بیت المال نیست .

د- بررسی سقف تعهدات صندوق و تحمیل ناروای رویه قضایی

مطابق قسمت اخیرماده ۱۰ قانونی مصوب ۱۳۴۷ «سازمان، وظایف و صلاحیت صندوق تأمین خسارت های بدنی به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران تهیه و به تصویب وزیران خواهد رسید» آیا تعیین سقف تعهدات

۱- دادنامه شماره ۱۹۷۶، ۸۳/۷/۱۱ شعبه پنجم دادگاه عمومی قرچک ، پرونده شماره ۵/۱۲۶۹/۸۳

صندوق از سوی هیات وزیرانی که در آخرین مصوبه خود (شماره ۲۲۷۸۰ تا ۲۹۹۸۵ به مورخ ۸۳/۷/۲۲ روزنامه رسمی شماره ۱۷۳۷۵ مورخه ۸۳/۷/۲۹) معادل هشتاد میلیون ریال مقرر شد قانونی است؟ تصور عده ای این است که با توجه به عموم ماده ۱۰ و اطلاق آن نسبت به «جبران زیانهای بدنی وارد به اشخاص ثالث» یا «جبران خسارتهای خارج از شرایط بیمه نامه» و ماده ۶ قانون مذکور که پرداخت کلیه خسارات را مقرر داشته و در مورد دخالت صندوق در حقیقت جانشینی صندوق را به جای بیمه گر مقرر کرده اند محدودیت پرداخت خسارت فاقد وجهت است و صندوق مکلف به جبران کامل زیان وارد می باشد و چون مطابق اصل ۱۷۰ قانون اساسی آیین نامه خلاف قانونی قابل اجرا در دادگاه نیست لذا این محدودیت از سوی دادگاهها قابل ترتیب اثر نخواهد بود^۱ این عقیده صحیح نیست و بدون دقت در وضعیت حقوقی صندوق و تحلیل ماهیت طرحهای تکمیلی بیمه مسئولیت مدنی و تحولات پیشرفته در نظامهای مسئولیت ابراز شده است.

اولا هدف از این طرح ها رقابت کامل با مسئولیت مدنی نیست و اساسا از قواعد آن نیز در مواردی پیروی نمی کنند بلکه دولت برای گسترش عدالت اجتماعی و توزیعی و حمایت از نیروی انسانی خود در آخرین مرحله آنهم در عمده ترین حادثه زیانبار

^۱ - اقلیت قضات دادگستری تهران در جلسه مورخ ۸۱/۳/۲ کمیسیون ماهانه حقوقی و قضایی چنین عقیده ای داشته اند فنقل از مجموعه دیدگاههای حقوقی و قضایی قضات دادگستری استان تهران جلد سوم نشر اشراقیه، چاپ اول ۱۳۸۲ ص ۵۸

یعنی حوادث رانندگی اقدام به تاسیس این نهاد حقوقی می کند و منظور پاسخ به تمام نیازها و ضروریات نیست.

ثانیا در کشورهای دیگر عینا همین وضعیت وجود دارد و تعیین سقف تعهدات طرحهای تکمیلی بیمه مسئولیت در اختیار دولت می باشد ثالثا تعیین میزان صلاحیت و حدود وظیفه صندوق مطابق ماده ۱۰ از لوازم اختیار تام وضع کننده آیین نامه است که با توجه به منابع در آمد دولت به تعیین سقف تعهدات اقدام می کند بنابراین رویه قضایی باید در این جهت حرکت کند و نظم عمومی مالی و بودجه ای دولت را دچار اختلال ننماید .

با بررسی آراء صادره از دادگاهها نمی توان بدرستی متوجه شد که پرونده مربوط به حوادث رانندگی چگونه از دادسرا به دادگاه ارسال منتهی به صدور رای از محل صندوق شده است. مطابق تبصره ۳ ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۱۳۸۱ در برخی جرایم دادسرا حق ورود و انجام تحقیقات را جز در موارد استثنایی ندارد و در سایر موارد وظیفه انجام تحقیقات و صدور کیفرخواست در صورت احراز جرم بر عهده این نهاد می باشد

با توجه به مقررات این قانون مخصوصا ماده ۱۴ که نحوه رسیدگی دادگاه عمومی جزایی را پیش بینی می کند و مقرر می دارد این دادگاه فقط به جرایم مندرج در کیفر

خواست رسیدگی می کند این سوال مطرح می شود که در فرض ناشناس بودن راننده

مقصر و مسئول حادثه چگونه می توان به صدور کیفرخواست مبادرت ورزید؟

می دانیم که کیفرخواست باید حاوی نام و مشخصات متهم باشد ولی این امر در فرض

ما قابل تصور نیست بنابراین تکلیف داد سرا در این مورد چیست و چگونه پرونده

مختومه می گردد؟

در این خصوص رویه قضایی بدون کیفرخواست به ارسال پرونده به دادگاه پس از

انجام تحقیقات ویاس از یافتن متهم اقدام می کند این رویه تا حدی که متضمن

پرداخت دیه ازبیت المال است صحیح بنظر می رسد زیرا از سویی امکان عقلی صدور

کیفرخواست ممتنع است و دادسرا نیز خود حق صدور حکم پرداخت دیه از

بیت المال را ندارد اذا نتیجه منطقی این است که پرونده به دادگاه ارسال شود تا

پرداخت دیه از بیت المال رامورد حکم قرار دهد لیکن این اقدام در فرض صدمات

بدنی ناشناس بودن مسئول حادثه، صحیح نیست زیرا اولاً گفته شد که دادگاه به

صورت مستقیم حق صدور حکم علیه صندوق را ندارد ثانیاً چنین صدماتی نیز از

سوی بیت المال قابل پرداخت نیست و اساساً دادگاه در این موارد حق دخالت نخواهد

داشت.

گفتار سوم : موانع و راهکار های توسعه بیمه
مسئولیت مدنی

توسعه رشته های مسئولیت مدنی نشان دهنده توسعه سیستم قضایی و قوانین
پیشرفته تر یک جامعه می باشد . به هر میزان که در یک کشور سیستم قضایی
پیشرفته تری وجود داشته باشد ، بدلیل حمایت از زیاندیدگان جامعه ، موسسات دولتی
و خصوصی مسئولیت بیشتری را در قبال دیگران احساس کرده و خود را موظف به
اجرای آن می دانند بنابراین در زیر موانع توسعه این رشته از بیمه در کشور و راههای
پیشرفت آن در چندین مورد بیان می شود :

الف) موانع توسعه رشته بیمه مسئولیت مدنی

- ۱- ناشناخته بودن بیمه های مسئولیت مدنی نزد مردم و عدم وجود تبلیغات و
فعالیت های لازم برای شناسایی این رشته از بیمه به مردم
- ۲- عدم وجود نظارت کافی بر قوانین موجود در خصوص این بیمه .
متأسفانه قوانین فعلی که بنحوی مربوط به این رشته از بیمه می شوند به درستی اجرا
نمی گردد. به عنوان مثال بیمه اجباری شخص ثالث علیرغم اینکه اجباری بوده و
داراری قانون خاص هم می باشد با وجود گذشت ۳۰ سال از لازم الاجرا شدن آن
پیشرفت چندانی در کشور نداشته اتومبیل های زیادی در سطح کشور حرکت می کنند
بدون اینکه دارای بیمه نامه شخص ثالث باشند در حالیکه در قانون بیمه شخص ثالث
ضمانت اجرایی برای چنین اتومبیل هایی پیش بینی شده و آن جلوگیری از تردد این

قبیل و سایل توسط مأمورین راهنمایی و رانندگی است وجود بیشتر از یک میلیون

اتومبیل بدون نشانگر این است که چقدر به این ضمانت اجرا توجه شده است .

۳- عدم استفاده از وجود افراد متخصص و خبره در این رشته :

این رشته به دلیل داشتن جنبه های حقوقی نسبت به سایر رشته ها از پیچیدگی بیشتری

برخوردار است و لذا نیازمند افراد متخصص تری می باشد . در حالیکه در کشور ما

تصور می رود همانند سایر نهادهای دولتی این است که خاصیت

اشتغالزایی بیشتری داشته و منبع درآمدی برای عده آیی از افراد باشد بدون توجه به

اینکه آیا در این باره مهارتی داشته و دانش این کار را آموخته اند یا خیر ؟

۴- عدم وجود شرایط بیمه هایی که استاندارد شده باشد

ما به جزء در بیمه اجباری شخص ثالث و بیمه مسئولیت حرفه ای پزشکان ؛ برای هیچ

نوع بیمه مسئولیت دیگری ، شرایط مصوب و هماهنگی نداریم ؛ بنابراین هر کدام از

شرکتهای بیمه بر حسب مورد ، شرایطی را در نظر می گیرند که این باعث عدم

هماهنگی و صرف زمان زیاد برای صدور این نوع بیمه نامه ها می شود .

۵- نبود هماهنگی و ارتباط بین شرکتهای بیمه و محاکم قضایی کشور در زمینه دعاوی

مربوط به بیمه مسئولیت بطوریکه بسیاری از محاکم هنوز با این قبیل دعاوی آشنایی

ندارند و در نتیجه توجه کافی برای فیصله دادن سریع به این پرونده ها وجود ندارد .

۶- طولانی بودن مراحل تصفیه خسارت در رابطه با این رشته مراحل رسیدگی تشکیل پرونده و اظهار نظر در خصوص قابل پرداخت بودن یا نبودن خسارت صرف زمان زیادی را به دنبال دارد. و همین خود باعث دلسردی و بی اعتمادی بیمه گزاران می شود.

۷- نبود سیستم قضایی مناسب برای دفاع از اشخاص زیان دیده

۸- عدم آگاهی و احساس مسئولیت افراد جامعه نسبت به حقوق دیگران بسیاری از مردم نسبت به حقوق و تکالیفی که در قبال همدیگر دارند آگاهی ندارند و خود را ملزم به رعایت آنها نمی دانند و روی آوردن به بیمه مسئولیت نیز مستلزم این است که در مرحله اول ما خود را در قبال هم مسئول بدانیم و برای احتراز از این مسئولیت احتمالی به بیمه متوسل شویم.

۹- عدم تکمیل و اصلاح بعضی از قوانین کشور مانند قانون مسئولیت مدنی قوانین جزایی نظیر دیابت متناسب با نیازهای جدید مردم.

۱۰- وجود برخی از مشکلات اقتصادی از جمله نداشتن قدرت خرید کافی برای تقاضای این رشته از بیمه که می تواند از عوامل موثر در پایین نگه داشتن بازار این بیمه باشد.

ب) راههای توسعه بیمه‌مسئولیت

- ۱- استفاده از نیروی انسانی ماهر و مجهز و کارآزموده از میان کسانی که در این زمینه تحصیل کرده و تجربه آموخته اند .
- ۲- تبلیغات صحیح و اصولی به مردم ؛ و آگاه کردن آنها نسبت به این نوع بیمه بطوریکه با روشهای درست مردم را ترغیب به خرید این بیمه کرده تا بازار بالقوه کشور به بالفعل تبدیل شود . باید با آموزش های لازم مردم را متوجه مسئولیتهایی که ممکن است متوجه آنها شود نمود و حس آینده نگری آنان را تقویت کرد.
- ۳- تبعیت از قانون و نظارت بر اجرای دقیق و صحیح مفاد آن توسط مسئولین مربوطه ، وضع و تصویب قانون به تنهایی کافی نیست بلکه این اجرای قانون است که به آن معنا و مفهوم می دهد . بنابراین باید بر اجرای قوانین نظارت لازم باشد و ضمانت اجراهای مؤثر و مفیدی نیز برای مواقع تخلف از آن موجود باشد .
- ۴- تشکیل یک گروه متخصص از میان کلیه کارشناسان شرکتهای بیمه کشور که در زمینه بیمه مسئولیت تخصص دارند ، برای طراحی رشته هایی از بیمه مسئولیت که با وضعیت اقتصادی مردم کشور تناسب داشته باشد.
- ۵- وضع قوانین مناسب و کاربردی و بهبود سیستم قضایی کشور به منظور دفاع از اشخاص زیان دیده .

۶- تشکیل یک مرجع اختصاصی به منظور رسیدگی و حل و فصل اختلافات ناشی از

تفسیر یا اجرای قوانین بیمه مسئولیت مدنی

۷- کاهش دادن مراحل تصفیۀ خسارت ضمن رعایت الزامات حقوقی و فنی

به منظور جلب رضایت بیمه گزاران و افزایش اعتماد آنها

۸- ایجاد شبکه های قوی بازاریابی همراه با آموزش توسط متخصصین ماهر و

۹- بررسی تطبیقی وضعیت بیمه مسئولیت مدنی در سایر کشورها و بخصوص در

کشورهایی که توانسته اند پیشرفتهای قابل توجهی در این باره بدست بیاورند و استفاده

از تجربیات و راه های آنها

۱۰- تهیه و ارائه بیمه نامه های جدید و متنوع متناسب با نیاز متقاضیان کشور .

درست است که بیمه در کشور ما یک تقلید و نمونه برداری از غرب است ولی ما

باید بتوانیم این صنعت را بومی کنیم و آنرا متناسب با شرایط موجود در کشور از

لحاظ حقوقی ، فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی و ... درآوریم . لذا در زمینه بیمه

مسئولیت هم باید بیمه نامه هایی را طراحی کنیم که با توجه به نوع کارها و

فعالیت های معمول در جامعه ممکن است بدانها نیاز باشد .

۱۲- اجازه تاسیس شرکتهای بیمه به بخش خصوصی .

این مسئله ضمن اینکه انگیزه بیشتری به افراد برای ارائه خدمات بهتر می دهد ، از

ورود اشخاص زیادی و ناکارآمد نیز جلوگیری می کند . و تنها افرادی را به کار

می‌گمارد که دارای تخصص و تجربه کافی در این زمینه باشند. ضمن اینکه به تازگی مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأسیس شرکتهای بیمه ایرانی با صد درصد سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در مناطق آزاد کشور موافقت کرده است و این می‌تواند اولین گام مؤثر در این راه باشد.

علاوه بر مواردی که فهرست وارد جهت توسعه بیمه‌های مسئولیت مدنی بیان شد، در این راه ما بیشتر از هر مسئله‌ای نیازمند کار آموزشی و فرهنگی هستیم.

بیمه زائیده تمدن جدید است و برای فرهنگ و اقتصاد چند هزار ساله ما مهمان نسبتاً تازه واردی حساب می‌شود که هنوز بیگانه است و بومی نشده است. طبیعتاً هر

پدیده‌ای که از جوامع پیشرفته به کشورهای عقب مانده وارد می‌شود در برخورد دو فرهنگ با کاستی‌هایی مواجه می‌شود و نمی‌تواند کارایی اولیه خود را داشته باشد.

بنابراین قبل از هر چیز مسئولین مربوطه باید شیوه‌های درست کار کردن با آن را بیاموزند، و آن را در قالب یک پدیده‌ای که در خدمت تسهیل کار و رفاه مردم است

درآوردن و متناسب با شرایط و وضعیت موجود در کشور نه صرف نمونه برداری و تقلید از سیستم بیمه در کشورهای غربی از طرفی نیز باید اطلاعات و آگاهی‌های لازم

در اختیار مردم قرار گیرد و مردم با تمام مزایایی که از این طریق می‌تواند عاید آنها شود مطلع گردند و بدون تردید برنامه‌های بیمه باید به گونه‌ای عملی، در زمینه

فرهنگ ایرانی اجرا شود، تا اعتماد و احترام متقابل افزایش پیدا کند.

نتیجه گیری :

نظر به اینکه نهاد بیمه یک تأسیس حقوقی جدید در نظام حقوقی ما می باشد و مزایا و محاسن این تأسیس جدید در جبران زیان های وارده به اموال و حتی اعضاء بدن و پرداخت خسارات جانی حتی در صورت فوق زیان دیده آشکار می باشد ضمناً با توجه به شخصی بودن شاخه های علم و فنون جدید و با توجه به حقوق و تکالیف افراد جامعه نسبت به یکدیگر ضرورت گسترش بیمه های مسئولیت مدنی در کلیه بخش های صنعت ، کشاورزی ، امور خدماتی جهت جبران خسارات وارده و جلوگیری از بلا جبران ماندن آن بیش از پیش احساس می شود . به خصوص با توجه به دستورات و تکالیف شرع مقدس اسلام در همیاری و تعاون بین مردم و دخیل دانستن بیت المال یا دولت در برآوردن نیازهای مردم و کمک گرفتن از نهادهای سنتی جبران زیان مانند ضمان عاقله ، ضمان جریره و تکالیف حاکم و بیت المال و استناد به قاعده و زین « لاضرر » این امر بیش از پیش احساس می گردد. حتی می توان قلمروی پوشش بیمه ای را خارج از افعال زیان بار انسان و اشیاء و حیوانات تحت تسلط او گسترش داد و حتی مواردیکه عامل انسانی هیچ نقشی در ورود خسارت ندارد مانند بلایای طبیعی و حوادث و سوانح خدادادی که جنبه قوه قاهره را دارد . نیز نهادهای نمود و این امر در گرو قانونگذاری صحیح و پیشرفته و همیاری میان مردم و دولت امکان پذیر نیست .

مسئولیت مدنی در تقابل با نهاد بیمه و تأسیسات مشابه ، نظیر تأمین اجتماعی ، نشان داده است که هم تأثیر گذار بوده و هم متأثر . بدون تردید توسعه حقوق بیمه مسئولیت مدنی با گسترش موضوع آن یعنی مسئولیت مدنی بوده و بسیاری از انواع مسئولیت ها ، دامنه و اهمیت آنها و ضمانت اجراییها و جبران های بالفعل و بالقوه در توسعه حقوق بیمه مذکور دخالت و تأثیر داشته است امروز بیمه مسئولیت مدنی در سایر نظام های حقوقی معاصر تقریباً همه انواع و اقسام مسئولیتها را پوشش می دهد د ر حوزه تأثیرات بیمه در مسئولیت مدنی نیز با توجه به واقعیت موجود در خصوص تمایل دادگاه به گسترش مسئولیت و میزان زیان مورد حکم و تغییر د ر نوع مبنی و دعاوی مسئولیت ، دخالت قانونگذار امری ضروری و لازم به نظر می رسد . در کنار قانون پیشنهادی در مورد بیمه های مسئولیت مدنی ، قانونی مستقل برای دوره بازنگری در حقوق مسئولیت مدنی ، با توجه به مبانی نو و شیوه های اعمال قواعد مسئولیت مدنی ، لازم و ضروری بنظر می رسد . در قانون فعلی مسئولیت مدنی و قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۴۷ هیچ یک از تحولات حقوقی در هر دو زمینه مسئولیت مدنی و بیمه به نحوی که نیازهای ضروری جامعه پیچیده امروز را تأمین نماید مشاهده نمی شود .

برای مثال قانون ۱۳۴۷ در مورد ابهام در ماده ۱ (مبنای مسئولیت) ماده ۴ (نامشخص بودن دقیق مصادیق خارج از شمول) ماده ۶ (تعیین حداقل پوشش) دارای ایراد است

و قانون مستقل مورد اشاره باید این مواد را به درستی رفع یا اضافه کند به همین ترتیب در قانون مسئولیت مدنی اشاره به خسارات مادی و معنوی و نحوه دقیق احتساب آنها، ذکر مبانی دقیق مسئولیت و بدور از کلی گرای و حفظ مبنای واحد، ذکر اصول کلی حاکم بر مسئولیت، و.. امری لازم به نظر می رسد و ضرورت دخالت هر چه بیشتر حقوقدانان و متخصصین امور بیمه و تلفیق دقیق نهادهای سنتی فقهی با سیستم های بیمه‌ای پیشرفته در سایر کشورها و دخالت هر چه بیشتر بخش خصوصی و حمایت دولت و قوه مقننه و قضایه جهت نهادینه شدن بیمه مسئولیت مدنی در کلیه امور را نمایان می نماید.

همچنانکه در بسیاری از آراء و رویه های قضایی علیرغم وجود قانون مدون همچنان قسمتی از ضرر و زیان بلا جبران می گردد. مانند موردیکه شخصی در اثر ایراد ضرب و جرح، صدمه بدنی، مجروح می گردد لکن عامل ورود زیان متواری گردیده و یا فوت می کند و یا اینکه به طوری که از پرداخت دیه عاجز و ناتوان می ماند. در اینجا دیگر حبس و زندان به کار شخص مجروح نمی آید آنچه که مهم است جبران خسارت و درمان درد و رنج است لذا با نگاهی در قوانین کیفری در می یابیم که دولت، بیت المال فقط در مورد خاص یعنی فوت عامل ورود زیان در شرایط خاص به حمایت از شخص زیان دیده می شتابد در موردی که شخص مجروح می گردد و عامل ورود زیان فوت می کند. و مالی هم از وی در دسترس نیست و عاقله‌ای هم

وجود ندارد در اینجا به علت سکوت و نقص قانون در خصوص جراحات طبق اصلی ترین قاعده جبران خسارت یعنی قاعده لا ضرر در اینجا خسارت جبران نمی شود و یا حتی در مواردیکه علیرغم وجود قانون به علت به روز نشدن قوانین در باب ضمان و مسئولیت مدنی نقش بیمه یا یک نهاد تأمین کننده اجتماعی به خوبی احساس می شود که جواز تشکیل و حمایت از شخص زیان دیده به روز شدن قوانین و مقررات است مثلاً در موردیکه خسارت وارده بر شخص مجروح بیش از میزان دیه باشد رویه بر آن است که ضرر و زیان و خسارت مازاد بر میزان دیه قابل مطالبه نیست و این ضرر و زیان شامل هزینه دارو، درمان، معالجات و خسارات از کار افتادگی می شود لیکن در مقابل مشاهده می شود که آراء و نظراتی که خسارت مازاد بر دیه را جایز دانسته اند بر دلایلی همچون آیه شریفه «اذا حکمتم بین الناس ان تحکمو بالعدل» یا قاعده «لا ضرر» و یا «تسبیب و اتلاف» «مبنای عقلی مبنی بر قبح ظلم» و موادی از قانون مسئولیت مدنی بر صحت آن پافشاری نموده اند؛ به خصوص آنکه طبق قانون مسئولیت مدنی هرگونه ضرر و زیان اعم از مادی و معنوی مسئولیت آور بوده و وارد کننده آن موظف به جبران خسارت می باشد و خساراتی همچون هزینه معالجه، خسارت از کار افتادگی، افزایش مخارج زندگی و حتی خسارات معنوی قابل مطالبه است. لذا بر اساس استناد به این دلایل حکم بر جواز مطالبه خسارات مازاد بر دیه رami توان صادر کرد لکن نکته مهم در این مورد بر آن است که اولاً میزان خسارت

مازاد بر دیه باید اثبات شود دوم آنکه دادگاه مکلف است در صورت اثبات میزان خسارت مازاد بر دیه بنابر تقاضای دادستان یا مدعی العموم حکم بر جبران خسارت مازاد بر دیه صادر کند و در موارد خاصی که دریافت خسارت از شخص زیان زننده عملاً ممکن نیست و قانون نیز در این مورد تعیین تکلیف نکرده نقش یک نهاد اجتماعی جبران کننده به عنوان متصدی این امور آشکار می گردد هر چند در خصوص حوادث ناشی از تصادفات وسایل نقلیه موتوری زمینی با تشکیل صندوق تأمین خسارات بدنی این نقیصه تا حدی جبران گردیده لکن با توجه به آمار بالای حوادث از جمله حوادث ناشی از کار یا حوادثی که در آن وسیله نقلیه در آن دخالتی ندارد و افزایش روز افزون جمعیت کشور که فاقد هر گونه بیمه اجتماعی و سر پناهی هستند این مهم را توجیه می کند اختلاف شرایط امکانات، ویژگی های طبیعی، چگونگی نظام های حاکم بر اجتماعات و استعداد های افراد ایجاب می کند که زندگی همه انسان ها در یک سطح نباشد و همگی نتوانند از درآمد مساوی برخوردار باشند. از دیر باز بشر شاهد محدودیت ها و کمبود های فراوانی بوده است. بیکاری، بیماری، نقص عضو، و حوادث را بر پیکر هموعان احساس می کرد و برای درمان آن، در پی راه های مستقل و محترمانه ای بود که یکی از بهترین آنها بیمه تأمین اجتماعی است و وجود سه عامل زمینه پیدایش بیمه را در دنیا و تاریخ فراهم آورده است: اول، نفع شخصی و اهمیتی که هر فرد برای منافع خود در نظر می گیرد؛ دوم، احساس خیر خواهی و نوع

دوستی ؛ سوم ، احساس سرنوشت مشترک که می توان از آن به احساس صنفی نیز تعبیر نمود.

بیمه در حقیقت روشی است برای جبران خسارت ، یعنی ؛ پرداخت مبالغ جزئی اما در سطح گسترده و وسیع، صندوقی برای اطمینان دادن به انسان هایی که ممکن است دچار آسیب و خسارت ناشی از مسئولیت مدنی یا حوادث ناشی از طبیعت شوند فراهم می آورد از جمله یکی از ابزارهای حمایتی دولت از اشخاص زیان دیده می توان به نقش «سهام عدالت» در برقراری عدالت و توازن اجتماعی اشاره نمود چرا که با برنامه ریزی صحیح و منظم می توان قسمتی از سود این سهام که در وهله اول به اقشار کم درآمد و افراد آسیب پذیر جامعه تعلق می گیرد اشاره کرد و دولت هر ساله با کسر درصدی از این سود و ذخیره آن در شرکت های بیمه ای یا صندوق خاص نیازمندی های بیمه ای افراد را برطرف سازد چرا که بنابر برخی آمارها جمعیت افرادی که در ایران فاقد هر گونه بیمه خاص هستند حدود ۳۵٪ مردم را در بر می گیرد نمونه کامل تأمین اجتماعی را می توان در نظام حقوقی برخی از کشورها مانند قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۹۹۱ میلادی در استرالیا اشاره کرد صرفنظر از بحث مسئولیت مدنی در بحث بیمه های اجتماعی حمایت از افراد سالمند و ناتوان و یا افراد بی سرپرست و اشخاصی که خود متکفل امور والدین خود هستند اشاره نمود در نظام حقوقی اسلام با توجه به اینکه حقوق اسلامی با لذات پویا و متحرک است و همه

مسائل را در چهار چوب اصول کلی می تواند حل کند در این امور نیز اگر حقوقدانان اسلامی بیکار و ساکن نمی ماندند و در مواجهه با هر پدیده ای نوین و نیازی جدید مقررات لازم را اعلام می کردند چنین مشکلاتی به وجود نمی آمد .

روزهای اولیه که نیاز به بیمه احساس می شد می بایستی آن نیاز را طبق مقررات اسلامی حل می نمودند . بیمه به اعلاترین حد ممکن در حقوق اسلام وجود دارد و فقط نام آن فرق می کند، ملت تابع حقوق اسلام با مالیات هایی که به خزانه (بیت المال) می دهند حق دارند خدماتی را از خزانه بخواهند و بیت المال ضامن جان و مال و ناموس آنها است تمام مردم در قبال همه خطرات «بیماری ، فقر ، بیکاری، و ..

بیمه هستند و حتی بیمه ازدواج نیز می باشند . البته نکته مهم در این خصوص شرایط و وضعیت اقتصادی کشورها نیز تداخل دارد . هنگامی که اقتصاد در شکوفایی قرار دارد ، تولید کل در اقتصاد در حداکثر است سپس شروع به کاهش می نماید و به سمت رکود می رود ، تا نهایتاً به بحران برسد . در این فرآیند بیکاری عوامل تولید تشدید می شود تا در بحران به حداکثر خود می رسد . بنگاه ها یکی پس از دیگری ورشکسته می شوند و به دلیل اینکه به تعهدات مالی خود نمی توانند عمل کنند مشکلات و مصائب بعدی اجتماعی نیز در پی این سیکل اجباری در اقتصاد مشاهده می گردد. در این صورت زندان ها مملو از زندانیان مالی می شوند که قادر به عمل به تعهدات خود نیستند و چشم امید یا به رضایت و بخشش شاکیان خود دارند یا امیدوارند دولت و یا

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

شرکت های بیمه ای آنرا زیر چتر حمایتی خود محافظت و حمایت نمایند کما اینکه

نشانه های از آنرا در تشکیل انجمن های حمایت از زندانیان دیه مشاهده کرد که جنبه

اجتماعی و خیر خواهی دارد .

منابع فارسی :

۱- زندگی فر ، سیما ، بیمه مسئولیت مدنی ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه

شیراز ، ۱۳۷۸.

۲- جمالیزاده ، احمد ، بررسی فقهی عقد بیمه ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم ،

چاپ اول ، ۱۳۸۰.

۳- داراب پور، سهراب ، قاعده مقابله با خسارت ، چاپ اول ، انتشارات گنج دانش ،

۱۳۷۷.

۴- محمدی گیلانی ، محمد ، فصل نامه فقه اهل بیت .

۵- حسینی نژاد ، حسینقلی ، عقد و فقه ، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه تهران ،

شماره ۱۷ ، سال ۱۳۷۵.

۶- رستمی ، منصور ، صنعت بیمه در آینه فقه و حقوق ، چاپ اول ، تیرماه ۱۳۷۹.

۷- صادقی نشاط ، امیر ، حقوق بیمه دریایی ، مؤسسه آموزش کشتیرانی جمهوری

اسلامی ایران ، چاپ اول ، ۱۳۷۰.

۸- کاتوزیان ، ناصر ، حقوق مدنی ، الزامات خارج از قرارداد ؛ جلد اول ، مسئولیت

مدنی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، چاپ دوم ، تهران، ۱۳۷۸.

۹- محمود صالحی ، جانعلی ، حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث ، انتشارات

دانشکده مدیریت دانشگاه تهران ، ۱۳۷۲.

۱۰- معزی، فرهاد ، بررسی اجمالی ماهیت حقوقی الیه ، فصل نامه بیمه مرکزی

ایران، سال پنجم ، شماره اول .

۱۱- مشایخی ، همایون ، مبانی و اصول حقوق بیمه ، انتشارات موسسه عالی

حسابداری ، تهران ، ۱۳۴۹.

۱۲- شهیدی، مهدی ، اصول قراردادها و تعهدات ، نشر حقوق دان ، چاپ اول،

تهران ، ۱۳۷۹.

۱۳- ابوالحمد . عبدالحمید ، مسئولیت مدنی دولت ، جزوه درسی کارشناسی ارشد ،

دانشکده حقوق دانشگاه تهران ، ۱۳۷۷.

۱۴- مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری ، جلد اول ، معاونت آموزشی

و تحقیقات قوه قضائیه ، چاپ دوم ، تهران ، ۱۳۸۲.

۱۵- مجموعه نظریات قضات دادگستری استان تهران ، نشر اشراقیه ، چاپ اول ،

جلد سوم ، ۱۳۸۲.

۱۶- خدایار ، منوچهر ، تعاون در اسلام و ادیان ، انتشارات بعثت ، چاپ اول ،

۱۳۳۹.

۱۷- آیتی ، محمد ابراهیم ، تاریخ پیامبر اسلام ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ

چهارم ، ۱۳۷۱.

۱۸- گرجی ، ابوالقاسم ، مقالات حقوقی ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ اول ، ج

۲ ، ۱۳۶۹.

۱۹- خامنه‌ای ، سید محمد ، بیمه در حقوق اسلام ، نشر فرهنگ اسلامی ، تهران ،

۱۳۵۹.

۲۰- اصلانی ، نعمت الله ، تحلیل مسئولیت عاقله در حقوق کیفری اسلام ، پایان نامه

کارشناسی ارشد ، دانشگاه امام جعفر صادق (ع) تهران ، ۱۳۷۶.

۲۱- ابوالحمد ، عبدالحمید ، حقوق اداری ایران ، انتشارات توس ، شهریور ۱۳۷۰.

۲۲- مؤتمنی ، منوچهر ، حقوق اداری ایران ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۴۴.

۲۳- مرعشی ، آیت الله محمد حسن ، فصلنامه حقوقی وزارت دادگستری ، شماره

۱۷.

۲۴- روزنامه رسمی کشور ، شماره ۱۵۹۵۸ ، مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۶.

۲۵- کریستین هاوس مینجر ، مسئولیت مدنی داوران ، ترجمه محمد جواد

میرفخرایی ، مجله حقوقی دادگستری ، شماره چهاردهم و پانزدهم ، ۱۳۷۶.

۲۶- کریمی ، آیت ، مشکلات بیمه شخص ثالث ؛ فصلنامه صنعت نفت ، شماره ۹.

۲۷- درودیان ، حسنعلی ، مقاله حقوقی در مسئولیت صغیر و مجنون ، سایت

دادگستری ایران .

۲۸- میرشسمی ، فاطمه ، مقاله حقوقی حضانت در فقه امامیه و مذاهب اسلامی

سایت دادگستری .

۲۹- نظری ، ایراندخت ، مسئولیت مدنی مالک ، رساله دکتری ، دانشکده حقوق

دانشگاه تهران ، ۱۳۷۹.

۳۰- شهیدی ، مهدی ، مجموعه مقالات حقوقی ، نشر حقوقدان ، چاپ دهم .

۳۱- علی آبادی ، ایرج ، صندوق تأمین خسارت های بدنی ، فصل نامه بیمه مرکزی

ایران چاپ دوم ، شماره چهارم .

۳۲- روزنامه رسمی ، شماره ۷۳۳۸ ، مورخ ۱۳۴۹/۱/۳۱.

۳۳- جعفری لنگرودی ، محمد جعفر ، دانشنامه حقوقی ، مؤسسه انتشارات امیر

کبیر، چاپ پنجم ، جلد دوم ، تهران ۱۳۷۶.

۳۴- جان کلی ، تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب ، ترجمه دکتر محمد راسخ،

نشر طرح نو، چاپ اول ، تهران ۱۳۸۲.

منابع عربی :

۱- نجفی ، محمد حسن ، جواهرالکلام ، نشر دارالکتب الاسلامیه ، ج ۴ ، چاپ سوم ،

۱۳۶۷.

۲- عاملی ، شیخ محمد بن الحسن ، وسایل الشیعه ، انتشارات نشر دارالکتب الاسلامیه

، چاپ سوم ، جلد ۱۱ ، قم ، ۱۴۰۹.

۳- احمد السنهوری ، عبدالرزاق ، الوسیط فی شرح القانون المدنی ، المجلد الثانی ، داراحیاء

التراث العربی ، بیروت ، ۱۹۶۴.

۴- جاء عبدالرحمن ، احمد ، التامین ، دارالنهضة العربیه ، قاهره ، ۱۹۷۱.

۵- فاضل هندی ، محمد بن الحسن الاصفهانی ، كشف اللثام ، قم ، ۱۴۰۵ هـ. ق. ج ۲

۶- شهید ثانی ، روضه البهینه فی شرح اللمعه دمشقیه ، چاپ سنگی ، جلد ۱.

۷- محمد بن یعقوب کلینی ، الکافی ، نشر دارالکتب الاسلامیه ، چاپ دوم ، قم ، ۱۴۰۳.

۸- شیخ مرتضی انصاری ، کتاب المکاسب ، انتشارات علامه ، ج ۲ ، قم ، ۱۴۰۹.

۹- محدث نوری ، حسین ، مستدرک الوسائل ، انتشارات موسسه آل البيت ، چاپ دوم ،

جلد ۱۸ ، ۱۴۰۹ هـ. ق .

۱۰- ابوالقاسم ابن احمد یزدی ، ترجمه فارسی شرایع الاسلام ، انتشارات دانشگاه تهران

، چاپ ششم ، جلد ۴ ، تهران ۱۳۷۴.

۱۱- ابن بابویه ، محمد بن علی ، من لایحضره الفقیه ، جلد ۴، نشر دارالکتب

الاسلامیه ، قم . ۱۴۱۱ .

۱۲- شیخ مفید ، المقنعه ، قم ، انتشارات اسلامی ، ۱۳۷۱ .

۱۳- امام خمینی ، تحریر الوسیله ، جلد دوم ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ،

۱۳۶۹ .

۱۴- مکارم شیرازی ، ناصر ، قواعد الفقیه ، جلد ۲، انتشارات مدرسه الامام

امیرالمومنین ، قم ، ۱۴۱۳ .

۱۵- مشکینی ، علی ، مصباح المنیر ، جلد دوم ، نشر الهادی ، قم ، ۱۳۷۶ .

۱۶- فخرالدین طریحی ، مجمع البحرين ، جلد اول ، تهران ، ۱۳۶۵ .

۱۷- کلینی ، الکافی ، ج ۷، انتشارات دارالکتب الاسلامیه ، چاپ سوم ، قم ، ۱۴۲۹ .

۱۸- فارابی ، الجوهری ، صحاح اللغه ، جلد دوم ، انتشارات دارالحضاره العربیه ،

دمشق ، ۱۴۰۲ .

۱۹- شیخ طوسی ، المبسوط ، جلد ۸، فی فقه اسلامیة ، المكتبة المرتضویه ، قم ،

۱۴۰۹ .

۲۰- شیخ طوسی ، کتاب خلاف ، جلد ۳، انتشارات اسلامی ، قم ، ۱۴۱۱ .

منابع لاتین :

- 1- Rohrer Danial , *Justice before the Law* , National text book company, 1971.
- 2- Savatier Rene ,*La the obligation* ,Dalloz 2eme edition,1969.
- 3-The encyclopedia American international edition, American corporation, international head quarter,new york, 1972.
- 4-Prosser(William), *the law of torts*, west publishing Co, 1971.
- 5-Clerk and .Lindsell, .*tort, the dition*, 1995.
- 6-Starck(Boris) ,*Droit Civil , les obligations*, 2 nd edition, 1972.
- 7-Tunc Andre, *Towards a European Civil*, Kluwer international ,Second Revised and expended ,1988.
- 8-Lunney mark- Oliphant Ken ,*Tort Low ,Text and material*, oxford university press, London, 1976.

سایت ها :

- 1-<http://dbase.iran.doc.ac.ir/00058>
- 2-www.slamicdatabank.com/pdf/freebook.cnt.asp
- 3-www.enster.co.uk/china/low
- 4-<http://www.Prob.org/docs/Lizibility.htm>
- 5-http://www.cummings.ab.ca/no_foult.htm
- 6-<http://www.centrejd.org/press/stories/o1-09>
- 7-<http://www.notaries.fr>
- 8-<http://www.Bniotk.de>
- 9-www.Dadgostary.ir
- 10- www.qudsdaily.com
- 11-www.article.irab.com
- 12-www.moshaverdustan.blogfa.com
- 13-www.farsbar.ir
- 14-www.magiran.com
- 15-www.hawzeh.net

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title: چکیده:
Subject:
Author: 1
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/10/2012 6:41:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: H.H
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/10/2012 6:41:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 201
Number of Words: 29,995 (approx.)
Number of Characters: 170,972 (approx.)